

درآمدی بر روند یکسان سازی حقوق خصوصی

مقدمه

«حقوق» به عنوان مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی که با توجه به خصوصیات و نیازهای هر جامعه، برای تنظیم روابط اجتماعی وضع می‌شود، در کشورهای مختلف، متفاوت است. از دیرباز، نزدیک کردن حقوق کشورها به یکدیگر و ایجاد وحدت حقوقی، مورد توجه علمای حقوق بوده است و در قرن ۱۹ میلادی توجه ویژه‌ای به این امر شد که علت عمده آن، گسترش تکنولوژی، تنوع و گسترش وسایل ارتباطات و حمل و نقل و به طور کلی، توسعه تجارت بین‌المللی می‌باشد. یکسان بودن قوانین کشورها موجب می‌شود تا افراد با امنیت بیشتری به برقراری روابط تجاری اقدام کنند.^۱ از قرن ۱۹ میلادی در اغلب کشورهای اروپایی، وحدت حقوقی داخلی حاصل شد؛ مثلاً فرانسه در ۱۸۰۴، ایتالیا در ۱۸۶۵ و آلمان در ۱۸۹۶-۱۹۰۰ به وحدت حقوقی دست یافتند و عرفهای متفاوتی که در هر یک از این کشورها اجرامی شد، جای خود را به حقوق واحدی داد و بدین ترتیب، فکر یکسان کردن حقوق کشورها رونق گرفت.

۱. درباره فایده‌های یکسان‌سازی حقوق کشورها بنگرید به:

Weigert. K, Kötz. H, "An introduction to Comparative Law", (Translated by Wier. T), second ed., V.II., Clarendon Press Oxford, 1987, p.23 et s.

البته روند ایجاد وحدت حقوقی در بعضی موضوعات؛ مثل امور تجاری، به مراتب، موفق‌تر از موضوعات دیگری از قبیل امور مربوط به خانواده بوده است که با سنن، اخلاق و فرهنگ یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی دارد. از سوی دیگر، در کشورهایی که در یک منطقه هستند و یا از جهت مبانی حقوقی و شرایط اجتماعی و اقتصادی، از تجانس بیشتری برخوردارند، ایجاد وحدت حقوقی، امری عملی‌تر خواهد بود؛ مثلاً کشورهای اسکاندیناوی به جهت علایق مشترک بسیار، نه تنها در موضوعات مربوط به تجارت؛ مثل چک یا اعتبار اسنادی، بلکه در مسائل غیرمالی؛ از قبیل فرزندخواندگی و آثار نکاح نیز قواعد یکسانی را پذیرفته‌اند.

کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو درباره اسناد تجاری، نمونه دیگری از ایجاد تفاهم بین کشورها برای نیل به وحدت حقوقی است. کشورهای بسیاری از قبیل دانمارک، سوئد، نروژ، یونان، اتریش، آلمان، ایتالیا و فرانسه، پس از امضای این کنوانسیون، قواعد واحدی را درباره اسناد تجاری در قوانین داخلی خود وارد کردند و به بسیاری از نگرانیهای استفاده‌کنندگان از این اسناد پایان دادند.^۱

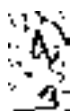
مسئله برای ایجاد وحدت حقوقی در هر مورد باید حقوق تمام کشورهایی که قرار است به تفاهم برسند، مطالعه شود. در این بررسی، هدف، یافتن راه حلی است که مورد قبول همه آنها باشد؛ بدون اینکه قانون کشوری به کشور دیگر تحمیل شود. در این باره، سازمانهای دولتی و غیردولتی بسیاری فعالیت داشته‌اند.

مهم‌ترین سازمان دولتی^۲ مشوق روند وحدت حقوقی، سازمان ملل متحد

۱. البته در این کنوانسیون، مثل بسیاری از کنوانسیونهای دیگر، پیش‌بینی شده که حل برخی مسائل که مورد توافق نیست، به قوانین ملی کشورهای عضو واگذار شود؛ زیرا در غیر این صورت، تلاشهای انجام شده برای ایجاد کنوانسیون، به شکست می‌انجامد. برای مطالعه کنوانسیون ژنو راجع به بروات و سفته بنگرید به: *مجله حقوقی* دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲ (ضمیمه شماره یک و دو).

۲. از دیگر سازمانهای دولتی مهم که در این زمینه فعال هستند، می‌توان از سازمان بین‌الملل کار (۱۹۱۹)، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یونسکو (۱۹۲۱)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۱۹۵۷) و صندوق بین‌المللی پول نام برد.





است.^۱ بند ۱ ماده ۱۳ اساسنامه این سازمان، به مجمع عمومی امکان می‌دهد تا پیشرفت تدریجی حقوق بین‌الملل و تنظیم یک قانون بین‌المللی را تشویق کند. به علاوه، منشور ملل متحد در ماده ۵۷ مقرر کرده است: مؤسسات تحقیقاتی ایجاد شده در نتیجه توافق دولتها که طبق اساسنامه خود، وظایفی را در زمینه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، تعلیماتی، بهداشت عمومی و مانند آن به عهده دارند، وابسته به سازمان ملل متحد می‌شوند.

از مهم‌ترین این مؤسسات «مؤسسه بین‌المللی رُم برای وحدت حقوق خصوصی»^۲ است که با سرپرستی سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند. تلاشهای این مؤسسه یکسان‌سازی حقوق کشورها به انعقاد کنوانسیونهای متعدد انجامیده است. به علاوه، برای نیل به وحدت عملی و واقعی، مؤسسه مذکور تلاش می‌کند ترتیباتی را برای انجام تفسیر واحد از مقررات یک کنوانسیون توسط تمام کشورهای عضو آن اتخاذ کند. این اقدامات، بسیار ثمربخش بوده، در مجموع، قابل تقدیر است.

در مجموعه حاضر، پس از معرفی مختصر «مؤسسه بین‌المللی رُم برای وحدت حقوق خصوصی» و بیان فعالیتهای آن، متن و ترجمه ۹ کنوانسیون که تا سال ۲۰۰۳ میلادی مستقیماً زیر نظر مؤسسه مذکور تهیه و تدوین گشته، ارائه شده است.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. به عنوان مهم‌ترین سازمانهای غیردولتی، می‌توان از اتاق بازرگانی بین‌المللی (۱۹۱۹)، آکادمی بین‌المللی حقوق تطبیقی (۱۹۲۴)، مجمع حقوق بین‌الملل و مرکز حقوق بین‌الملل تطبیقی نام برد. برای مطالعه بیشتر درباره سازمانهای فعال در زمینه وحدت حقوق بنگرید به: سیدحسن افشار، *کلیات حقوق تطبیقی*، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش، ص ۲۸۴ به بعد.

2. Institut international de Rome Pour l'unification de droit privé, (Unidroit).

۳. برای مطالعه بیشتر فعالیتهای انجام شده درباره ایجاد وحدت حقوقی بنگرید به:

Rodière René, "Introduction au droit comparé", précis Dalloz, Paris, 1979, p.98 et s.

David René, "Le droit comparé - droit d'hier, droit de demain", Economica, Paris, 1982, p.293 et s.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز

مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی^۱

۱. سازمان

این مؤسسه، یک سازمان بین‌المللی مستقل است که مقر آن در ژنوا قرار دارد و هدف آن، بررسی و مطالعه روشهای ایجاد هماهنگی و وحدت حقوق خصوصی و تدوین مجموعه مقررات واحدی در زمینه حقوق خصوصی برای کشورهای مختلف است. مؤسسه در سال ۱۹۲۶ م به عنوان یکی از ارگانهای فرعی جامعه ملل تأسیس شد و بعد از انحلال جامعه ملل در سال ۱۹۴۰ م به موجب یک موافقت‌نامه چندجانبه، به عنوان مرکزی برای ایجاد وحدت قوانین بازگشایی شد. اعضای مؤسسه، کشورهای از پنج قاره جهان و دارای سیستمهای مختلف حقوقی، اقتصادی و سیاسی هستند. بودجه آن از محل کمکهای ثابت سالانه دولت ایتالیا و کمکهای سالانه دیگر اعضا که میزان آن را مجمع عمومی تعیین می‌کند، تأمین می‌شود.

عالی‌ترین رکن مؤسسه، مجمع عمومی آن است که هر یک از کشورهای عضو، نماینده‌ای در آن دارند و حداقل سالی یک بار برای تصمیم‌گیری درباره بودجه سالانه، تصویب برنامه کار سه ساله و انتخاب ۲۵ عضو هیأت مدیره برای پنج سال تشکیل

۱. مأخذ نوشته حاضر به قرار ذیل است:

می شود.

هیأت مدیره، رکن علمی مؤسسه را تشکیل می دهد و خصوصاً درباره تعیین موضوعات برنامه کاری و راههای نیل به اهداف پیش بینی شده در اساسنامه مؤسسه تصمیم گیری می کند. دولت ایتالیا یکی از اعضای موظف هیأت مدیره را به عنوان رئیس مؤسسه تعیین می کند.

دبیرخانه، رکن اجرایی مؤسسه است و اعضای آن عبارت اند از: یکی از مستخدمان رسمی بین المللی و کارمندی که تحت ریاست دبیرکل فعالیت می کنند. دبیرکل با پیشنهاد رئیس مؤسسه و به وسیله هیأت مدیره انتخاب می شود. دو ارگان دیگر مؤسسه که در اساسنامه آن پیش بینی شده، عبارت اند از: محکمه اداری و کمیته دائمی. زبانهای رسمی مؤسسه عبارت اند از: آلمانی، انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی و ایتالیایی. ولی زبان کاری و مورد استفاده در جلسات و اسناد، زبانهای انگلیسی و فرانسوی است.

۲. فعالیتهای مؤسسه

روش قانونگذاری

هدف مؤسسه، به موجب اساسنامه آن، «ایجاد وحدت حقوق خصوصی» است؛ هرچند به لحاظ مشکلاتی که گاهی در تعیین محدوده کار وجود دارد یا بنا به مصلحت، استثنائاً در محدوده حقوق عمومی نیز اقدام می شود. وانگهی، مؤسسه از آغاز، فعالیتش را بر وحدت حقوق خصوصی مادی، متمرکز ساخته و تلاش کرده است در متون قانونی متحدالشکل، تنها به طور ضمنی به قواعد حل تعارض پرداخته شود. اساسنامه مستقل مؤسسه به آن امکان می دهد که به دور از مقتضیات سیاسی، فقط به جنبه های حقوقی توجه داشته باشد. این ویژگی، هم در انتخاب موضوعات کار و هم در روشهای مورد استفاده مؤسسه مشهود است. انتخاب یک موضوع کار توسط هیأت مدیره با توجه به نیاز جامعه بین المللی، آشتی پذیر بودن سیستمهای حقوقی کشورهای مختلف درباره قواعد مربوط به یک موضوع و احتمال تمکین آنها در برابر





قواعدی واحد که مرجح بر قواعد ملی باشد، صورت می‌گیرد.

بنابراین، گرچه از لحاظ نظری، حداکثر وحدت در قوانین مد نظر است، با وجود این، در صد قابل پذیرش بودن راه حلها؛ یعنی بُعد عملی موضوع نیز مورد توجه است و راه حل‌های پیشنهادی باید به طور محتاطانه و محدود عرضه شود تا شانس پذیرش در جامعه بین‌المللی را داشته باشد. همین ملاحظات برای ارائه قواعد ایجاد شده و تعیین دامنه اجرای این قواعد نیز حاکم است.

سند تصویبی مؤسسه را می‌توان کم و بیش، الزامی تلقی کرد: کنوانسیون بین‌المللی برای این ایجاد می‌شود که تحت شرایط مندرج در آن از زمان به مرحله اجرا درآمدنش، نسبت به کشوری که آن را پذیرفته و تشریفات داخلی خود در این باره را طی کرده، لازم‌الاجرا باشد. باید خاطر نشان ساخت که ممکن است رزروهایی مورد توافق قرار گرفته باشد که گرچه این امر، با هدف اصلی ایجاد وحدت مغایر است، ولی برای نیل به اتخاذ راه حل‌های مورد توافق لازم است.

مؤسسه اسناد دیگری را نیز می‌تواند تهیه و ارائه کند؛ مثلاً قانون نمونه یا توصیه نامه‌هایی بر مبنای پیشنهاد‌های ارائه شده توسط کشورهای دعوت شده هنگام تهیه و تنظیم قاعده‌ای در خصوص موضوع مورد بحث. همچنین مؤسسه ممکن است مجموعه‌های راهنما یا قراردادهای نمونه خاص محیط‌های حرفه‌ای و تخصصی ارائه دهد که البته استفاده از آنها اجباری نیست.

شیوه ایجاد وحدت

وقتی موضوعی در برنامه کاری مؤسسه قرار می‌گیرد، دبیرخانه یا یک متخصص مشاور، عهده‌دار انجام مقدمات امر می‌شود؛ مثل مطالعه جنبه‌های حقوق تطبیقی موضوع مطروحه، درجه وحدت پذیری و گاهی تنظیم پیش‌نویس. در صورت صلاحدید هیأت مدیره، کمیته‌ای متشکل از متخصصان بین‌المللی که از سیستم‌های مختلف حقوقی به طور عادلانه انتخاب می‌شوند، پیش‌نویس لازم برای قانون بین‌المللی را تهیه می‌کنند.

متن تهیه شده توسط این کمیته، در صورت صلاحدید هیأت مدیره، متعاقباً به

وسیله کمیته‌ای از متخصصان دولتی که به وسیله هیأت تشکیل می‌شود و نمایندگان رسمی دول عضو و همچنین نمایندگان دول غیرعضو و سازمانهای علاقه‌مند به موضوع (البته به عنوان ناظر) در آن شرکت دارند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. متن تأیید شده در جلسات کمیته متخصصان دولتی، پس از تصویب هیأت مدیره، برای تصویب به یک کنفرانس دیپلماتیک که توسط یکی از دول عضو مؤسسه دعوت می‌شود، ارائه می‌گردد.

بسیار پیش آمده است که با توجه به ترکیب و صلاحیت خاص مؤسسه، سایر سازمانهای بین‌المللی از آن درخواست کرده‌اند که بر کارهای مقدماتی لازم در خصوص موضوعی معین نظارت کند و نهایتاً مؤسسه، امر ارجاعی را انجام داده و متن تهیه شده را به سازمان مربوط ارائه نموده که مورد تصویب واقع شده است.

دبیرخانه مؤسسه در تمام مراحل کار، تا حد امکان، مشورت‌های لازم را به منظور ایجاد موازنه بین منافع مختلف و ایجاد شانس هرچه بیشتر برای موفقیت نهایی طرح و مقبولیت آن از سوی بیشتر کشورها انجام می‌دهد.

مخاطبان دبیرخانه در وهله نخست؛ دولتهای عضو هستند (از طریق سفارتشان در رُم). هر اداره‌ای مشورت‌های درخواستی را در سطح داخلی انجام می‌دهد. مؤسسه همچنین با تعدادی از دولتهای غیرعضو، به طور سازمانی تماس دارد؛ مثلاً از طریق نمایندگی این کشورها در مجامع علمی تشکیل شده یا در صورت لزوم، به طور شخصی. وانگهی، مؤسسه با تعدادی سازمانهای بین‌المللی یا غیر دولتی که در زمینه‌های مورد علاقه مؤسسه فعالیت دارند، همکاری می‌کند و با تمام اتحادیه‌های حرفه‌ای در سطح بین‌المللی و ملی که مرتبط با موضوع هستند، در تماس است. بالاخره دبیرکل برای گسترش تماسهایی که قبلاً با مؤسسات، دانشگاهها، اتحادیه‌های حقوقدانان یا اشخاص صلاحیتدار در موضوعات مورد علاقه مؤسسه برقرار شده، برای مبادله اطلاعات جهت تأمین منافع متقابل و تسریع در نیل به اهداف مورد نظر تلاش می‌کند. حقوقدانان برجسته‌ای که در این باره فعالیت می‌کنند، رابطین مؤسسه نامیده می‌شوند و همکاران ارزشمندی هستند که در صورت لزوم، به عنوان واسطه و مشاور علمی مؤسسه وارد عمل می‌شوند؛ چه در کشورهای عضو و چه در کشورهای غیرعضو.

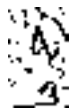
مجلس

۲۵۴

مجلس

نتایج عملکرد مؤسسه

- الف. کنوانسیونهای تهیه شده به وسیله مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی که به تصویب کنفرانسهای دیپلماتیک رسیده‌اند عبارت‌اند از:
۱. کنوانسیون حاوی قانون متحد‌الشکل در مورد انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی (LUFC) که از ۱۹۶۴/۷/۱ برای امضا مفتوح است. دوازده کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند و پنج کشور از کنوانسیون خارج شده‌اند.
 ۲. کنوانسیون حاوی قانون متحد‌الشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی (LUVI) که از ۱۹۶۴ در لاهه برای امضا مفتوح است. سیزده کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند و پنج کشور از کنوانسیون خارج شده‌اند.
 ۳. کنوانسیون بین‌المللی مربوط به قرارداد مسافرتی (C.C.V) که از ۱۹۷۰/۴/۲۳ برای امضا مفتوح است. شانزده کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند و یک کشور در تاریخ ۱۹۹۳/۱۰/۴ از کنوانسیون خارج شده است.
 ۴. کنوانسیون حاوی قانون متحد‌الشکل در مورد شکل یک وصیتنامه بین‌المللی که از ۱۹۷۳/۱۰/۲۶ برای امضا مفتوح شده است. ۲۱ کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند؛ از جمله ایران در تاریخ ۱۹۷۳/۱۰/۲۶ به این کنوانسیون پیوسته است.
 ۵. کنوانسیون ناظر بر نمایندگی در بیع بین‌المللی کالاها که از ۱۹۸۳/۲/۱۵ برای امضا مفتوح شده است. نه کشور تا تاریخ ۱۹۸۷/۸/۷ این کنوانسیون را امضا کرده‌اند.
 ۶. کنوانسیون وحدت قوانین در مورد قراردادهای بین‌المللی اجاره به شرط تملیک که از ۱۹۸۸/۵/۲۸ برای امضا مفتوح شده است. چهارده کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند.
 ۷. کنوانسیون وحدت قوانین دربارهٔ قراردادهای بین‌المللی خرید دین که از ۱۹۸۸/۵/۲۸ در اتاوا برای امضا مفتوح شده است. پانزده کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند.
 ۸. کنوانسیون وحدت قوانین در مورد اموال فرهنگی که سرقت شده یا به طور غیرقانونی خارج شده‌اند که از ۱۹۹۵/۶/۲۴ در رم برای امضا مفتوح شده است. بیست و چهار کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند.



۹. کنوانسیون مربوط به تضمینات بین‌المللی در تجهیزات منقول (۲۰۰۱).^۱
ب. کنوانسیونهای بین‌المللی در حال اجرا که تحت نظارت دیگر سازمانها
ایجاد شده‌اند، ولی مبنای آنها طرحها یا کنوانسیونهای مؤسسه بین‌المللی وحدت
قوانین بوده، عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون مربوط به قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالاها از طریق جاده (1956)
CMR تهیه شده در ژنو تحت نظارت کمیسیون اقتصادی اروپایی سازمان ملل متحد.
این کنوانسیون در ۱۹۶۱ به مرحله اجرا درآمده است. چهل و دو کشور عضو این
کنوانسیون هستند.

۲. کنوانسیون یونسکو ۱۹۵۴ در مورد حفاظت از اموال فرهنگی در مواقع جنگ.
این کنوانسیون در ۱۹۵۶ به مرحله اجرا درآمده و مبنای آن پروژه کنوانسیون بین‌المللی
در مورد حفاظت از اموال فرهنگی در جنگ، تهیه شده در ۱۹۵۱ بوده است. نود و یک
کشور از جمله ایران عضو این کنوانسیون هستند.

۳. کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۶۱ در مورد حمایت از هنرمندان، نوازندگان،
صدابرداران، و مؤسسات پخش، تهیه شده تحت نظارت OIT, OMPI و یونسکو که
در ۱۹۶۴ به مرحله اجرا درآمده است. پنجاه و چهار کشور عضو این کنوانسیون هستند.
۴. کنوانسیون لاهه ۱۹۵۸ در مورد شناسایی و اجرای تصمیمات متخذه در زمینه
الزام به پرداخت نفقه به فرزندان که از ۱۹۶۲ به مرحله اجرا درآمده است. نوزده کشور
عضو این کنوانسیون هستند.

۵. کنوانسیون اروپایی ۱۹۶۲ مربوط به مسئولیت هتلداران نسبت به اشیای همراه
مسافران، تهیه شده تحت نظارت شورای اروپا که در ۱۹۶۷ به مرحله اجرا درآمده
است. چهارده کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۶. معاهده بروکسل ۱۹۵۵ مربوط به بیمه اجباری مسئولیت مدنی مربوط به
اتومبیلها و کنوانسیون اروپایی ۱۹۵۹ مربوط به بیمه اجباری مسئولیت مدنی در مورد
اتومبیلها، تهیه شده تحت نظارت شورای اروپا. کنوانسیون در ۱۹۶۹ به مرحله اجرا

۱. ترجمه کنوانسیونهای یادشده در انتهای این مجموعه آمده است.





درآمده است. شش کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۷. کنوانسیون اروپایی در مورد برقراری روابط ۱۹۵۵ تهیه شده تحت نظارت شورای اروپا که از ۱۹۶۵ به مرحله اجرا درآمده است. دوازده کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۸. پروتکل شماره ۱ مربوط به حقوق عینی بر روی شناورهای خطوط داخلی منضم به کنوانسیون ۱۹۶۵ مربوط به ثبت شناورهای خطوط داخلی، تنظیم شده تحت نظارت کمیسیون اقتصادی اروپا در سازمان ملل متحد. شش کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۹. پروتکل شماره ۲ مربوط به توقیف موقتی و اجرای اجباری در ارتباط با قایقهای کشتیرانی داخلی منضم به کنوانسیون ۱۹۶۵ در ارتباط با ثبت شناورهای خطوط داخلی، تهیه شده تحت نظارت کمیسیون اقتصادی اروپا در سازمان ملل متحد. چهار کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۱۰. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد قراردادهای بیع بین المللی کالاها، وین ۱۹۸۰. چهل و هشت کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۱۱. کنوانسیون مربوط به قرارداد حمل و نقل جاده‌ای بین المللی مسافران و بارها، ژنو ۱۹۷۳. این کنوانسیون تحت نظارت کمیسیون اقتصادی اروپای سازمان ملل متحد تنظیم شده است. پنج کشور عضو این کنوانسیون هستند.

ج. اسناد بین المللی بر مبنای پروژه‌های مؤسسه بین المللی وحدت حقوق خصوصی که به وسیله سایر سازمانها تنظیم شده‌اند، ولی هنوز به مرحله اجرا درنیامده‌اند:

۱. کنوانسیون مربوط به محدودیت مسئولیت مالکان قایقهای کشتیرانی داخلی، ژنو ۱۹۷۳. فقط یک کشور عضو این کنوانسیون است.

۲. کنوانسیون مربوط به قرارداد حمل و نقل بین المللی مسافران و بارها در کشتیرانی داخلی، ژنو ۱۹۷۶. فقط یک کشور عضو این کنوانسیون است.

۳. قواعد اروپایی در مورد اوراق بهادار ۱۹۷۲ که به وسیله کمیته وزیران شورای اروپا به عنوان قانون نمونه به دولتهای عضو شورای اروپا پیشنهاد شده است.

۴. کنوانسیون اروپایی حاوی قانون متحدالشکل در زمینه داوری تهیه شده تحت نظارت شورای اروپا در ۱۹۶۶. فقط یک کشور عضو این کنوانسیون است.

۵. کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۳ در مورد مسئولیت مدنی خسارات ناشی از حوادث رانندگی تهیه شده تحت نظارت شورای اروپا. هیچ کشوری تاکنون این کنوانسیون را تصویب نکرده است.

۶. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حمل و نقل مرکب بین‌المللی کالاهای، ژنو، ۱۹۸۰. هشت کشور عضو این کنوانسیون هستند.

۷. کنوانسیون ۱۹۸۹ ناظر بر مسئولیت مدنی در مورد خسارات وارده در جریان حمل و نقل کالاهای خطرناک از طریق جاده، راه آهن، شناورهای خطوط داخلی (CRTO) تهیه شده تحت نظارت کمیسیون اقتصادی اروپا در سازمان ملل متحد. هیچ کشوری تاکنون این کنوانسیون را تصویب نکرده است.

۸. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مسئولیت مسئولان ترمینالهای حمل و نقل در تجارت بین‌المللی تهیه شده در آوریل ۱۹۹۱ در وین. فقط یک کشور این کنوانسیون را تصویب کرده است.

د. قطعنامه‌های اروپایی که مبنایشان پیش‌نویس کنوانسیون وحدت قوانین بوده است: قطعنامه 93/7/CEE مورخ ۱۵/۳/۱۹۹۳ در مورد استرداد اموال فرهنگی که به طور غیرقانونی از قلمرو یک کشور عضو خارج شده‌اند.

ه. قواعد متحدالشکل منتشره به وسیله اتاق بازرگانی بین‌المللی که مبنایشان پروژه کنوانسیون وحدت قوانین بوده است:

قواعد متحدالشکل در مورد سند مربوط به حمل و نقل مرکب که ابتدائاً به وسیله اتاق بازرگانی بین‌المللی در ۱۹۷۳ منتشر شده و سپس تغییراتی در آن داده شد.

و. اسناد بین‌المللی بر مبنای مطالعات مقدماتی انجام شده به وسیله مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی:

۱. کنوانسیون اروپایی در مورد مسئولیت ناشی از محصولات در صورت ورود صدمات بدنی و فوت، ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷. هیچ کشوری تاکنون این کنوانسیون را تصویب نکرده است.

۲. قطعنامه ۳(۷۸) مربوط به مقررات جزایی در حقوق مدنی، تهیه شده به وسیله کمیته وزیران شورای اروپا در ۲۰ ژانویه ۱۹۷۸.



۱. کنوانسیون حاوی قانون متحدالشکل
در مورد انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی
(لاسه ۱/۷/۱۹۶۴)

ماده ۱

۱. هریک از دول عضو متعهد می‌شود حداکثر تا تاریخ به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به این دولت، قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی (قانون متحدالشکل) را که در ضمیمه شماره یک کنوانسیون حاضر گنجانده شده طبق روش مقرر در قانون اساسی‌اش در سیستم قانونی خود وارد نماید.
۲. هر دولت عضو می‌تواند قانون متحدالشکل را به همان صورت متن اصلی و یا به صورت ترجمه متن اصلی به زبان یا زبانهای رسمی‌اش در سیستم قانونی خود داخل نماید.
۳. هر دولت عضو این کنوانسیون که عضو کنوانسیون اول ژوئیه ۱۹۶۴ حاوی قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی است باید در سیستم قانونی خود مواد مذکور در ضمیمه شماره ۲ کنوانسیون حاضر را به جای مواد اول و چهارم ضمیمه اول این کنوانسیون وارد نماید.
۴. هر دولت عضو متن مقرراتی را که در اجرای کنوانسیون حاضر در قوانینش وارد نموده، به دولت هلند تسلیم خواهد کرد.

ماده ۲

۱. دو یا چند دولت عضو می‌توانند اعلام نمایند که موافق‌اند از جهت شرط مربوط به مقر تجاری یا محل سکونت معمولی مندرج در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ قانون متحدالشکل به عنوان دول متفاوت قلمداد نشوند؛ زیرا ایشان در مورد انعقاد قراردادهای بیع، که در صورت عدم وجود چنین توافقی تحت حاکمیت قانون متحدالشکل خواهد بود، قواعد حقوقی یکسان و مشابهی را اجرا می‌نمایند.

۲. هر دولت عضو می‌تواند اعلام نماید در ارتباط با شرط وجود مقر تجاری یا محل سکونت معمولی مقرر در بند قبل یک یا چند دولت غیر عضو را به عنوان دولت متفاوت با خود تلقی نمی‌نماید؛ زیرا این دول غیر عضو در مورد شکل قراردادهای بیع، که در صورت نبود چنین اعلامیه‌ای تابع قانون متحدالشکل خواهد بود، همان قواعد حقوقی کشور عضو یا مشابه آن را اعمال می‌نمایند.

۳. در صورت تصویب یا الحاق بعدی، دولتی که در موردش اعلامیه‌ای حسب بند قبل صادر شده اعلامیه نسبت به او معتبر خواهد ماند به شرطی که دولت تصویب کننده یا ملحق شده اعلام نکند که نمی‌تواند آن را بپذیرد.

۴. اعلامیه‌های پیش‌بینی شده در بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده که ممکن است در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق یا هر زمان بعد از آن توسط دولت مربوطه صادر شوند باید به دولت هلند تسلیم شوند. این اعلامیه‌ها سه ماه پس از دریافت آنها به وسیله دولت هلند یا، اگر در پایان این مهلت کنوانسیون حاضر هنوز نسبت به دولت مربوطه به مرحله اجرا در نیامده، از تاریخ به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون نسبت به این دولت منشأ اثر خواهند بود.

ماده ۳

هر دولت عضو می‌تواند در مقام عدول از مقررات ماده ۱ قانون متحدالشکل با صدور اطلاعیه‌ای به دولت هلند در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق اعلام دارد که قانون متحدالشکل را اجرا نمی‌کند جز در مواردی که طرفین قرارداد بیع مقر تجاری، یا در نبود مقر تجاری، محل سکونت معمولیشان در سرزمین دول عضو متفاوتی باشد و در نتیجه چنین دولتی می‌تواند کلمه «عضو» قرارداد را بعد از کلمه «دولتها»، اولین

تصویب

۲۶۰

تصویب



جایی که این کلمه در بند ۱ ماده ۱ ذکر شده، درج نماید.

ماده ۴

۱. هر دولتی که قبلاً یک یا چند کنوانسیون مربوط به تعارض قوانین در زمینه انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی را منعقد نموده یا به چنین کنوانسیونهایی ملحق شده، می‌تواند در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دولت هلند اعلام نماید قانون متحدالشکل را در موارد تحت شمول این کنوانسیونها اجرا نخواهد کرد مگر اینکه اجرای خود کنوانسیونهای مذکور منجر به اجرای قانون متحدالشکل شود.

۲. دولتی که اعلامیه یادشده را صادر می‌نماید کنوانسیونهای مربوط به اعلامیه‌اش را برای دولت هلند مشخص می‌کند.

ماده ۵

دولتی که اعلامیه‌ای را حسب بندهای ۱ یا ۲ ماده ۲ یا مواد ۳ یا ۴ این کنوانسیون صادر می‌نماید همواره می‌تواند با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دولت هلند از آن رجوع نماید. رجوع از اعلامیه ۳ ماه بعد از تاریخی که دولت هلند اطلاعیه مربوط را دریافت داشته منشأ اثر خواهد بود. اگر اطلاعیه‌ای حسب بند ۱ ماده ۲ صادر شده باشد نیز از تاریخ اثرگذاری هرگونه اعلامیه متقابل صادره به وسیله یک دولت دیگر را بی اثر می‌سازد.

ماده ۶

۱. کنوانسیون حاضر تا ۳۱ دسامبر ۱۹۶۵ برای امضای دول شرکت‌کننده در کنفرانس لاهه ۱۹۶۴ در مورد وحدت قوانین در زمینه بیع بین‌المللی مفتوح است.
 ۲. کنوانسیون حاضر به تصویب خواهد رسید.
 ۳. اسناد مربوط به تصویب کنوانسیون به دولت هلند تسلیم خواهند شد.

ماده ۷

۱. تمام دول عضو سازمان ملل متحد یا یکی از نهادهای تخصصی آن می‌توانند به این کنوانسیون ملحق شوند.
 ۲. اسناد مربوط به الحاق به دولت هلند تسلیم خواهند شد.

ماده ۸

۱. کنوانسیون حاضر ۶ ماه پس از تاریخ تسلیم پنجمین سند تصویب یا الحاق به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۲. در مورد دولتی که کنوانسیون را پس از تسلیم پنجمین سند تصویب یا الحاق تصویب می‌کند یا بدان ملحق می‌شود، کنوانسیون ۶ ماه پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق دولت مذکور به مرحله اجرا در می‌آید.

ماده ۹

هر دولت عضو مقرراتی را که در اجرای کنوانسیون حاضر در قوانینش وارد نموده بر موارد ایجاب، پاسخ و قبول تحت شمول قانون متحدالشکل که در زمان یا از زمان اجرای کنوانسیون نسبت به وی، انجام شده‌اند، اجرا خواهد نمود.

ماده ۱۰

۱. هر دولت عضو می‌تواند با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دولت هلند از کنوانسیون کناره‌گیری نماید.

۲. کناره‌گیری از کنوانسیون ۱۲ ماه پس از وصول اطلاعیه مربوط توسط دولت هلند منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۱۱

۱. هر دولت عضو می‌تواند در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق خود یا هر زمان بعد از آن با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دولت هلند اعلام نماید که کنوانسیون حاضر در تمام یا بخشی از سرزمینهایی که وی عهده‌دار روابط بین‌المللیشان است، قابل اجرا خواهد بود. چنین اعلامیه‌ای ۶ ماه پس از تاریخی که دولت هلند اطلاعیه مربوطه را دریافت می‌دارد یا اگر در پایان این مدت هنوز کنوانسیون به مرحله اجرا در نیامده، از تاریخ به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون منشأ اثر خواهد بود.

۲. هر دولت عضو که اعلامیه‌ای را حسب بند قبل صادر می‌نماید، می‌تواند مطابق ماده ۱۰، از کنوانسیون در مورد تمام یا بخشی از سرزمینهای مربوط کناره‌گیری کند.

تصویب

۲۶۲

تصویب



ماده ۱۲

۱. ظرف ۳ سال پس از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون، هر دولت عضو می‌تواند با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دولت هلند درخواست دعوت برای تشکیل کنفرانسی برای اصلاح کنوانسیون یا ضمائمش را بنماید. دولت هلند مراتب را به اطلاع کلیه دول عضو خواهد رساند و در صورتی برای تشکیل کنفرانس جهت اصلاح و تغییر کنوانسیون اقدام می‌کند که ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور این اطلاعیه حداقل ۴ دولت عضو رضایت خود را نسبت به این مورد اعلام نمایند.

۲. دول دعوت شده به این کنفرانس که جز دول عضو نیستند حالت ناظر را خواهند داشت به شرط اینکه اکثریت دول عضو حاضر در کنفرانس بر خلاف آن تصمیم‌گیری نکنند. دول ناظر دارای تمام حقوق مربوط به شرکت در کنفرانس هستند جز حق رأی.

۳. دولت هلند از تمام دول دعوت شده به این کنفرانس درخواست خواهد نمود تا پیشنهادهای خود را برای طرح در کنفرانس اعلام نمایند. دولت هلند به تمام دول دعوت شده برنامه موقتی کنفرانس و همچنین تمام پیشنهادهای مطروحه را اطلاع خواهد داد.

۴. دولت هلند پیشنهادهای اصلاحی واصله حسب بند ۳ این ماده را به اطلاع مؤسسه حقوق بین‌الملل برای وحدت حقوق خصوصی خواهد رساند.

ماده ۱۳

دولت هلند مراتب ذیل را به اطلاع دول امضاکننده و ملحق شده به کنوانسیون و مؤسسه حقوق بین‌الملل برای وحدت حقوق خصوصی خواهد رساند:

- الف. مکاتبات واصله به موجب بند ۴ ماده ۱.
- ب. اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های صادره حسب مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵.
- ج. موارد تصویب کنوانسیون و الحاقهایی که حسب مواد ۶ و ۷ اعلام شده‌اند.
- د. تاریخهای به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون مطابق ماده ۸.
- ه. موارد اعلام کناره‌گیری از کنوانسیون حسب ماده ۱۰.
- و. اطلاعیه‌های واصله حسب ماده ۱۱.

ضمیمه اول: قانون متحدالشکل در مورد انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی

ماده ۱

۱. کنوانسیون حاضر بر انعقاد قراردادهای بیع اشیای منقول مادی بین اشخاصی که مقر تجاری آنها در کشورهای متفاوتی باشد، در موارد ذیل حاکم است:

الف. وقتی ایجاب یا پاسخ حاکی باشد از اینکه شیء مورد معامله از قلمرو یک دولت به قلمرو دولتی دیگر حمل می‌شود یا خواهد شد.

ب. وقتی که ایجاب و قبول در قلمرو دولتهای متفاوتی انجام شده باشند.

ج. وقتی که تحویل شیء باید در قلمرو دولتی غیر از کشور محل وقوع ایجاب و قبول صورت گیرد.

۲. اگر یکی از طرفین مقر تجاری ندارد، محل سکونت معمولی وی در نظر گرفته خواهد شد.

۳. اجرای این قانون وابسته به تابعیت طرفین نیست.

۴. ایجاب و قبول در صورتی واقع شده در قلمرو یک دولت تلقی می‌شوند که نامه‌ها، تلگرامها یا دیگر اسناد ارتباطی که حاکی از ایجاب و قبول هستند در قلمرو همین دولت واصل شده باشند.

۵. در مورد مقر تجاری یا محل سکونت معمولی طرفین، اگر اعلامیه‌ای معتبر در این مورد حسب ماده ۲ کنوانسیون اول ژوئیه ۱۹۶۴ در مورد قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی صادر شده و هنوز معتبر باشد، دولتها به عنوان دول متفاوت تلقی نخواهند شد.

۶. این قانون بر انعقاد قراردادهای بیع مربوط به موارد زیر حاکم نیست:

الف. اوراق بهادار، بروات تجاری و پول؛

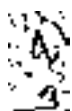
ب. بیع کشتیها، قایقهای خطوط کشتیرانی داخلی و هواپیماهایی که ثبت شده یا باید ثبت شوند؛

ج. بیع الکترونیسیته؛

بیع

۲۶۴

بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی



- د. بیع انجام شده بنا به دستور قضایی یا بر مبنای دستور ضبط و توقیف.
۷. در کنوانسیون حاضر قراردادهای مربوط به تحویل اشیای منقولی که ساخته یا تولید می شوند، به مثابه بیع تلقی می گردند به شرط اینکه سفارش دهنده خود بخش اصلی و اساسی از عوامل لازم برای ساخت یا تولید را تهیه و ارائه نکرده باشد.
۸. مقررات این قانون صرف نظر از خصیصه تجاری یا مدنی طرفین یا قرارداد منعقد، قابل اجراست.
۹. اجرای این کنوانسیون بجز در موردی که خود کنوانسیون طور دیگری مقرر داشته باشد مانع اجرای قواعد حقوق بین الملل خصوصی می شود.

ماده ۲

۱. مقررات مندرج در مواد بعد قابل اجراست مگر اینکه با بررسی مذاکرات مقدماتی، ایجاب و قبول، رویه معمول طرفین یا عرف، معلوم شود قواعد دیگری قابل اجراست.
۲. با وجود این، هر شرط و عبارتی مبنی بر ایجاب که در آن تصریح شده باشد سکوت علامت قبول است، از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ماده ۳

- هیچ شکل خاصی برای اعلام ایجاب و قبول تعیین نشده. این امر را می توان مثلاً با شهادت شهود ثابت کرد.

ماده ۴

۱. تماس یا مکاتبه شخصی با شخص یا اشخاص دیگر در مورد انعقاد یک قرارداد بیع ایجاب تلقی نمی شود مگر بتوان قطعاً از آن استنباط کرد که با اعلام قبولی، قرارداد می تواند منعقد شود و تماس یا مکاتبه مذکور حاکی از اراده اعلام کننده به متعهد شدنش است.
۲. این تماس با مذاکرات مقدماتی و رویه معمول طرفین، عرفها و قواعد قابل اجرا در زمینه قرارداد بیع، تفسیر و تکمیل می شود.

ماده ۵

۱. ایجاب تنها وقتی اعلام کننده آن را متعهد می سازد که به مخاطب رسیده باشد و

اگر قبل یا هم‌زمان با آن، ایجاب‌کننده رجوع کند ایجاب مردود تلقی می‌شود.
۲. ایجاب پس از وصول به مخاطب قابل رجوع است مگر در موردی که این انصراف با حسن نیت یا منطبق بر عدالت تجاری نباشد یا اینکه در ایجاب مهلتی برای اعلام قبولی درج شده باشد، همچنین وقتی که در ایجاب بسته یا غیرقابل برگشت بودن آن قید شده باشد.

۳. ذکر اینکه ایجاب بسته یا غیرقابل برگشت است ممکن است به طور صریح باشد یا از اوضاع و احوال مذاکرات اولیه، رویه معمول بین طرفین یا عرف استنباط شود.

۴. رجوع از ایجاب منشأ اثر نخواهد بود مگر اینکه مراتب انصراف قبل از اینکه مخاطب اعلام قبولی نماید یا عملی انجام دهد که حسب بند ۲ ماده ۶ به منزله قبولی است، به وی اعلام شده باشد.

ماده ۶

۱. قبول عبارت است از اعلامی که به هر وسیله به ایجاب‌کننده برسد.
۲. قبول همچنین ممکن است با ارسال کالا یا قیمت کالا یا هر عمل دیگری که بتواند با توجه به ایجاب، رویه معمول طرفین یا عرف، معادل اعلام مقرر در بند قبل تلقی شود، تحقق یابد.

ماده ۷

۱. اگر قبول متضمن اضافات محدودیتها یا تغییرات دیگری نسبت به ایجاب باشد به عنوان عدم قبولی و رد آن محسوب می‌شود.
۲. با این حال، پاسخ به ایجاب که حاکی از قبول، ولی حاوی عناصر تکمیلی یا متفاوت (با ایجاب) باشد که به طور اساسی با مندرجات ایجاب مغایرت ندارد قبول تلقی می‌شود، مگر اینکه ایجاب‌کننده ظرف مهلت کوتاهی تغییرات متخذه را رد نماید. اگر چنین نکرد شرایط قرارداد همان است که در ایجاب قید شده به اضافه تغییرات ذکر شده قبول.

ماده ۸

۱. اعلامیه مبنی بر قبول وقتی منشأ اثر است که ظرف مهلت تعیین شده به وسیله





ایجاب‌کننده به وی برسد و اگر چنین مهلتی پیش‌بینی نشده باشد در مدت معقولی که با توجه به اوضاع و احوال، سرعت و وسایل ارتباطی به کار گرفته شده توسط ایجاب‌کننده و عرف مشخص می‌شود. در صورتی که ایجاب به طور شفاهی باشد قبول باید فوری اعلام شود مگر اینکه از اوضاع و احوال استنباط شود که برای مخاطب مهلت قرار داده شده است.

۲. اگر ایجاب‌کننده در نامه یا تلگرافی مهلتی برای اعلام قبولی ذکر نموده باشد مهلت مذکور از زمان تاریخ نامه یا زمان ارائه تلگرام برای مخبره شروع می‌شود.
 ۳. اگر اعلام قبولی از طریق یکی از اقدامات پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۶ باشد در صورتی منشأ اثر است که ظرف مهلت مقرر در بند ۱ این ماده انجام شده باشد.

ماده ۹

۱. اگر قبولی دیر اعلام شده باشد باز هم ایجاب‌کننده می‌تواند آن را انجام شده در موعد مقرر تلقی نماید به شرط اینکه در مدت کوتاهی به صورتی کتبی یا شفاهی مراتب را به قبول‌کننده اعلام نماید.

۲. اگر قبولی دیر واصل شود، چنانچه از مضمون نامه یا سند حاوی قبولی بر آید که در مهلت مقرر ارسال شده و چنانچه انتقال و ارسال به طور مرتب و منظم صورت می‌گرفت قبولی در تاریخ مورد نظر واصل می‌شد قبولی واصله در موعد مقرر تلقی می‌شود. مع ذلک اگر ایجاب‌کننده در اسرع وقت به طور کتبی یا شفاهی به قبول‌کننده اطلاع دهد که ایجاب از نظر وی کأن لم یکن است ترتیب فوق جاری نیست.

ماده ۱۰

قبول غیرقابل رجوع است مگر در صورتی که مراتب رجوع از قبولی قبل و یا هم‌زمان با وصول قبولی به ایجاب‌کننده اعلام شود.

ماده ۱۱

فوت یا حجر یکی از طرفین قبل از قبولی تأثیری در انعقاد قرارداد ندارد مگر اینکه با بررسی قصد طرفین، عرف یا ماهیت امر، خلاف آن احراز شود.

ماده ۱۲

۱. منظور از کلمه وصول در این مقررات عبارت است از تحویل به نشانی مخاطب

نامه.

۲. تماسها و مکاتبات پیش‌بینی شده در این مقررات باید به طریق معمول و با توجه به اوضاع و احوال صورت پذیرد.

ماده ۱۳

۱. منظور از عرف، روشهایی است که اشخاص معمولی در شرایط مشابه در هنگام انعقاد قرارداد به کار می‌بندند.

۲. در صورت استفاده از اصطلاحات، عبارات و فرمولهای معمول در تجارت، تفسیر آنها به صورتی انجام خواهد شد که در فضای تجاری مربوط صورت می‌گیرد.

ضمیمه دوم

ماده ۱

قانون حاضر حاکم است بر انعقاد قراردادهای بیع که در صورت انعقاد تابع قانون متحدالشکل ناظر بر بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی می‌شوند.

ماده ۴

۱. نامه‌ای که شخصی خطاب به یک یا چند شخص معین برای انعقاد یک عقد بیع می‌فرستد ایجاب تلقی نمی‌شود مگر اینکه بتوان از مفاد نامه استنباط کرد با اعلام قبول، قرارداد منعقد است و به علاوه نامه متضمن اعلام اراده فرستنده مبنی بر متعهد شدن نسبت به قرارداد باشد.

۲. تفسیر متن نامه با توجه به مذاکرات مقدماتی طرفین، سابقه عملکرد ایشان در روابط فیما بین، عرفها و مقررات قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی، صورت می‌گیرد.

۲۶۸

۲. کنوانسیون حاوی قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی (۱۹۶۴)

ماده ۱

۱. هر دولت عضو متعهد می‌شود که حسب روش مقرر در قانون اساسی‌اش حداکثر تا تاریخ به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به وی، قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی (که از این پس قانون متحدالشکل نامیده می‌شود) به شرح ضمیمه کنوانسیون حاضر را در سیستم قانونی خود وارد نماید.

۲. هر دولت عضو می‌تواند قانون متحدالشکل را به همان صورت متن اصلی و یا به صورت ترجمه متن به زبان یا زبانهای رسمی‌اش در سیستم قانونی خود وارد نماید.

۳. هر دولت عضو متون قانونی خود متضمن مقررات کنوانسیون حاضر را به دولت هلند تسلیم خواهد نمود.

ماده ۲

۱. دو یا چند دولت عضو می‌توانند اعلام دارند که موافق‌اند از جهت شرط مربوط به داشتن مقر تجاری یا محل سکونت معمولی مندرج در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ قانون متحدالشکل، به عنوان دول متفاوت قلمداد نشوند؛ زیرا ایشان در مورد انعقاد قراردادهای بیع، که در صورت عدم وجود چنین اعلامیه‌ای تحت حاکمیت قانون متحدالشکل خواهد بود، قواعد حقوقی یکسان یا مشابهی را اجرا می‌نمایند.

۲. هر دولت عضو می‌تواند اعلام نماید در ارتباط با شرط وجود مقرر تجاری یا محل سکونت معمولی مقرر در بند قبل یک یا چند دولت غیر عضو را به عنوان دولت متفاوت با خود تلقی نمی‌نماید؛ زیرا این دول غیر عضو در مورد شکل قراردادهای بیع که در صورت نبود چنین اعلامیه‌ای تابع قانون متحدالشکل خواهد بود، همان قواعد حقوقی دولت عضو یا مشابه آن را اعمال می‌نمایند.

۳. در صورت تصویب یا الحاق بعدی، دولتی که در موردش اعلامیه‌ای حسب بند قبل صادر شده اعلامیه در موردش معتبر باقی خواهد ماند به شرطی که دولت تصویب‌کننده یا ملحق شده اعلام نکند که آن را نمی‌پذیرد.

۴. اعلامیه‌های پیش‌بینی شده در بندهای ۱، ۲ و ۳ این ماده که ممکن است در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق توسط دول ذی‌نفع صادر شوند باید به دولت هلند تسلیم شوند. این اعلامیه‌ها سه ماه پس از وصول آنها به وسیله دولت هلند یا اگر در پایان این مهلت کنوانسیون حاضر هنوز نسبت به دولت مربوط به مرحله اجرا در نیامده، از تاریخ به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به این دولت منشأ اثر خواهند بود.

ماده ۳

هر دولت عضو می‌تواند در مقام عدول از مقررات ماده ۱ قانون متحدالشکل با صدور اطلاعیه‌ای به دولت هلند در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق اعلام دارد که قانون متحدالشکل را اجرا نمی‌کند جز در مواردی که طرفین قرارداد بیع مقرر تجاری، یا در نبود مقرر تجاری، محل سکونت معمولیشان در سرزمین دول عضو متفاوتی باشد و در نتیجه می‌تواند کلمه «عضو» قرارداد را بعد از کلمه «دولتها» در بند ۱ ماده ۱ (اولین جایی که کلمه دولتها به کار رفته) ۱ درج نماید.

ماده ۴

۱. هر دولتی که قبلاً یک یا چند کنوانسیون مربوط به تعارض قوانین در زمینه انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی را منعقد نموده یا به چنین کنوانسیونهایی ملحق شده، می‌تواند در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاق با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دولت هلند اعلام نماید قانون متحدالشکل را در موارد تحت شمول این کنوانسیونها اجرا نخواهد کرد مگر اینکه اجرای خود کنوانسیونهای مذکور

تصویب

۲۷۰

تصویب



منجر به اجرای قانون متحدالشکل شود.

۲. دولتی که اعلامیه یادشده را صادر می‌نماید کنوانسیونهای مربوط به اعلامیه را برای دولت هلند مشخص می‌کند.

ماده ۵

هر دولتی می‌تواند در زمان تسلیم سند تصویب یا الحاقش طی اعلامیه‌ای به دولت هلند اطلاع دهد که قانون متحدالشکل را جز در مورد قراردادهایی که طرفین آن حسب ماده ۴ قانون متحدالشکل این قانون را حاکم بر آنها قرار داده‌اند، اجرا نخواهد کرد.

ماده ۶

دولتی که اعلامیه‌ای را حسب بندهای ۱ و ۲ ماده ۲ یا مواد ۳، ۴ یا ۵ این کنوانسیون صادر می‌نماید می‌تواند هر زمان با صدور اطلاعیه‌ای به دولت هلند از آن انصراف حاصل نماید. چنین انصرافی ۳ ماه بعد از وصول اطلاعیه جدید به وسیله دولت هلند منشأ اثر خواهد بود. در صورتی که اعلامیه‌ای حسب بند ۱ ماده ۲ صادر شده باشد این اعلامیه از تاریخ تأثیر، هرگونه اعلامیه متقابل یک دولت دیگر را از اعتبار ساقط خواهد نمود.

ماده ۷

۱. وقتی حسب مقررات قانون متحدالشکل یک طرف حق الزام به انجام تعهد طرف دیگر را دارد، هیچ دادگاهی ملزم به صدور یا اجرای حکمی مبنی بر الزام به اجرای قرارداد در غیر از مواردی که در قانون خودش برای قراردادی مشابه خارج از شمول قانون متحدالشکل پیش‌بینی شده، نیست.

۲. مقررات بند قبل تعهدات دولتهای عضو ناشی از کنوانسیونهای منعقد شده یا در حال انعقاد در ارتباط با شناسایی و اجرای تصمیمات قضایی، آرای داوری و دیگر عناوین اجرایی را ساقط نمی‌کند.

ماده ۸

۱. کنوانسیون حاضر تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۵ برای امضاء دول حاضر در کنفرانس لاهه ۱۹۶۴ برای وحدت حقوقی در زمینه بیع بین‌المللی مفتوح خواهد بود.

۲. کنوانسیون حاضر به تصویب خواهد رسید.
۳. اسناد مربوط به تصویب به دولت هلند تسلیم خواهند شد.

ماده ۹

۱. هر دولت عضو سازمان ملل متحد یا یکی از سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد می تواند به کنوانسیون بپیوندد.
۲. اسناد مربوط به الحاق به دولت هلند تسلیم خواهند شد.

ماده ۱۰

۱. کنوانسیون حاضر ۶ ماه پس از تاریخ تسلیم پنجمین سند تصویب یا الحاق به مرحله اجرا در خواهد آمد.
۲. در مورد هر دولتی که بعد از تسلیم پنجمین سند مربوط به تصویب یا الحاق، کنوانسیون را تصویب می کند یا بدان ملحق می شود، کنوانسیون ۶ ماه پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق وی اجرا خواهد شد.

ماده ۱۱

- هر دولت عضو مقررات داخل شده در سیستم قانونی اش را در اجرای کنوانسیون حاضر در مورد قراردادهای بیع تحت شمول قانون متحدالشکل و منعقد در تاریخ یا از تاریخ اجرا شدن کنوانسیون نسبت به این دولت، اجرا خواهد نمود.

ماده ۱۲

۱. هر دولت عضو می تواند با صدور اطلاعیه ای خطاب به دولت هلند، از کنوانسیون حاضر کناره گیری نماید.
۲. کناره گیری از کنوانسیون ۱۲ ماه پس از وصول اطلاعیه به وسیله دولت هلند منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۱۳

۱. هر دولت عضو می تواند هنگام تسلیم سند تصویب یا الحاق یا در هر زمان بعد از آن طی اطلاعیه ای به دولت هلند اعلام دارد که کنوانسیون حاضر را در تمام یا قسمتی از قلمروش که روابط بین المللی آنها را عهده دار است اجرا می کند. چنین اعلامیه ای ۶ ماه بعد از تاریخ وصول اطلاعیه به وسیله دولت هلند و یا اگر در پایان این

تصویب

۲۷۲

تصویب



مدت کنوانسیون هنوز به مرحله اجرا در نیامده، از تاریخ به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون، منشأ اثر خواهد بود.

۲. هر دولت عضو که اعلامیه‌ای را حسب بند قبل صادر می‌نماید، می‌تواند حسب ماده ۱۲، اجرای کنوانسیون را در مورد تمام یا بخشی از قلمروش لغو نماید.

ماده ۱۴

۱. ظرف ۳ سال پس از به اجرا درآمدن کنوانسیون، هر دولت عضو می‌تواند طی اطلاعیه‌ای به دولت هلند درخواست نماید کنفرانسی به منظور اصلاح کنوانسیون یا ضمیمه آن تشکیل شود. دولت هلند این درخواست را به تمام دول عضو منعکس نموده، در مورد دعوت برای تشکیل کنفرانس جهت اصلاح کنوانسیون اقدام می‌نماید؛ البته در صورتی که ظرف ۶ ماه از تاریخ اعلام دولت هلند، حداقل چهار دولت عضو رضایت خود را در این مورد اعلام نموده باشند.

۲. دولت‌های غیر عضو دعوت شده به این کنفرانس حالت ناظر را خواهند داشت مگر اینکه اکثریت دول عضو در کنفرانس تصمیم دیگری اتخاذ نمایند. دول ناظر از تمام حقوق مربوط به شرکت در کنفرانس غیر از حق رأی برخوردار خواهند بود.

۳. دولت هلند از تمام دول دعوت شده به این کنفرانس تقاضا خواهد نمود تا پیشنهادهای خود را که مایل اند به وسیله کنفرانس بررسی شود ارائه نمایند. دولت هلند برنامه موقت کنفرانس و همچنین متن پیشنهادهای ارائه شده را به تمام دول دعوت شده اعلام خواهد نمود.

۴. دولت هلند پیشنهادهای اصلاحی ارائه شده حسب بند ۳ این ماده را به مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی منعکس خواهد نمود.

ماده ۱۵

دولت هلند به دول امضاکننده، ملحق شوندگان به کنوانسیون و به مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی مراتب ذیل را اعلام خواهد نمود:

الف. مکاتبات و تماسهای انجام شده حسب بند ۳ ماده ۱؛

ب. اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های صادره حسب مواد ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶؛

ج. تصویبها و الحاقات انجام شده حسب مواد ۸ و ۹؛

- د. تاریخهای به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون حسب ماده ۱۰؛
ه. موارد اعلام رد واصله حسب ماده ۱۲؛
و. اطلاعیه‌های واصله حسب ماده ۱۳.

ضمیمه: قانون متحدالشکل در مورد بیع بین المللی اشیای مادی منقول

فصل اول: قلمرو اجرا

ماده ۱

۱. قانون حاضر بر قراردادهای بیع اشیای منقول مادی منعقدہ بین کسانی که مقرر تجاریشان در قلمرو دولتهای متفاوتی است در صورت تحقق یکی از موارد ذیل، قابل اجراست:
- الف. وقتی که شیء حسب قرارداد باید از قلمرو یک دولت به قلمرو دولتی دیگر حمل شود.
- ب. وقتی که ایجاب و قبول در قلمرو دولتهای متفاوتی صورت گرفته باشد.
- ج. وقتی که تحویل شیء باید در قلمرو دولتی غیر از دولت محل انجام ایجاب و قبول قرارداد، صورت گیرد.
۲. اگر یکی از طرفین فاقد مقر تجاری باشد، محل سکونت معمولی او در نظر گرفته خواهد شد.
۳. اجرای قانون حاضر وابسته به تابعیت طرفین نیست.
۴. در قراردادهایی که از طریق مکاتبه منعقد می‌شوند، ایجاب و قبول واقع شده در قلمرو یک دولت تلقی نمی‌شوند مگر اینکه نامه‌ها، تلگرامها یا دیگر اسناد ارتباطی متضمن ایجاب و قبول، در قلمرو این دولت ارسال و واصل شده باشند.
۵. دولتها به عنوان دولتهای متفاوت از جهت مقر تجاری یا محل سکونت معمولی طرفین تلقی نخواهد شد اگر اعلامیه‌ای در این مورد بطور معتبری حسب ماده ۲ کنوانسیون اول ژوئیه ۱۹۶۴ حاوی قانون متحدالشکل در مورد بیع بین المللی اشیای منقول مادی، صادر شده و هنوز معتبر باشد.





ماده ۲

با اجرای این قانون، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی اجرا نمی‌شوند مگر اینکه خود این قانون طور دیگری مقرر نموده باشد.

ماده ۳

طرفین یک قرارداد بیع می‌توانند به طور صریح یا ضمنی از اجرای تمام یا قسمتی از قانون حاضر صرف‌نظر نمایند.

ماده ۴

قانون حاضر همچنین قابل اجراست، وقتی که طرفین آن را به عنوان قانون حاکم بر قرارداد انتخاب نموده باشند صرف‌نظر از اینکه مقر تجاری یا محل سکونت معمولیشان در قلمرو دولتهای متفاوت باشد یا نه و صرف‌نظر از اینکه عضو کنوانسیون اول ژوئیه ۱۹۶۴ حاوی قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی باشند یا نه، البته در صورتی که این امر ناقض قواعد آمره‌ای که در صورت عدم انتخاب قانون متحدالشکل قابل اعمال بود، نباشد.

ماده ۵

۱. قانون حاضر بر قراردادهای ذیل اجرایی می‌شود:

الف. اوراق بهادار، بروات تجاری و پول؛

ب. بیع کشتیها، قایقهای خطوط داخلی و زیر دریاییهایی که ثبت شده یا باید ثبت شوند؛

ج. بیع الکترونیسیته؛

د. بیع متعاقب دستور قضایی یا توقیف.

۲. قانون حاضر ناقض مقررات آمره پیش‌بینی شده در قوانین ملی ناظر بر حمایت از خریدار در قراردادهای خرید کالا با پرداخت اقساطی ثمن نیست.

ماده ۶

در اجرای این کنوانسیون، قراردادهای مربوط به تهیه و تدارک کالاهایی که باید ساخته یا تولید شوند نیز مثل قراردادهای بیع تلقی می‌شوند به شرطی که سفارش دهنده شیء خود، عهده‌دار تهیه بخشی اساسی از عوامل لازم برای ساخت یا

تولید آن نباشد.

ماده ۷

قانون حاضر صرف‌نظر از خصیصه تجاری یا مدنی طرفین و قراردادهای، بر قراردادهای بیع اجرامی شود.

ماده ۸

قانون حاضر صرفاً حاکم بر تعهدات خریدار و فروشنده ناشی از قرارداد بیع است. این قانون نه بر ایجاد قرارداد حاکم است نه بر آثاری که قرارداد ممکن است بر مالکیت کالاهای فروخته شده داشته باشد و نه بر اعتبار قرارداد یا یکی از مندرجاتش یا عرفها مگر در صورتی که خلاف این امر تصریح شده باشد.

فصل دوم: مقررات عمومی

ماده ۹

۱. طرفین متعهد به رعایت عرفها و رویه‌هایی هستند که صریحاً یا به طور ضمنی بر قراردادشان حاکم نموده‌اند. همچنین باید به روش معمول در روابط فیما بینشان پایبند باشند.

۲. طرفین همچنین به رعایت مواردی که اشخاص معمولی در شرایط آنها به طور طبیعی در قراردادشان رعایت و بدان عمل می‌کنند متعهد هستند. در صورت تعارض بین این موارد و قانون حاضر، موارد مذکور ارجحیت خواهند داشت مگر اینکه طرفین برخلاف آن تراضی نمایند.

۳. در صورت استفاده از اصطلاحات، عبارات یا فرمولهای معمول در تجارت (در متن قرارداد) تفسیر آنها بر مبنای تفسیر انجام شده در فضاهای تجاری مربوط خواهد بود.

ماده ۱۰

در اجرای مقررات این کنوانسیون نقض قرارداد در صورتی اساسی تلقی می‌شود که طرف خاطی در هنگام انعقاد قرارداد دانسته یا می‌بایستی بداند که هر شخص معمولی دیگری که در موقعیت طرف مقابل او در قرارداد می‌بود اگر چنین نقضی را

تفسیر

۲۷۶

تفسیر

پیش‌بینی می‌نمود از انعقاد قرارداد خودداری می‌کرد.

ماده ۱۱

منظور از «مدت کوتاه» برای انجام یک مورد که در قانون حاضر ذکر شده کوتاه‌ترین مدت ممکن حسب اوضاع و احوال است و این مهلت از زمانی شروع می‌شود که فعل مورد نظر منطقی‌اً قابل اجرا است.

ماده ۱۲

منظور از «قیمت روز» در قانون حاضر، قیمت رسمی تعیین شده در بازار است و در صورت عدم انجام چنین قیمت‌گذاری، عوامل و شاخصهایی است که حسب عرف بازار تعیین‌کننده قیمت هستند.

ماده ۱۳

وقتی در قانون حاضر عنوان می‌شود «یکی از طرفین می‌دانسته یا می‌بایستی بداند»، «یکی از طرفین واقف بوده یا بایستی واقف باشد» یا هر عبارت مشابه دیگر، در مقام بررسی و ارزیابی باید در نظر داشت که یک شخص معمولی در همان شرایط چه چیزهایی را باید بداند.

ماده ۱۴

تماسها و مکاتبات پیش‌بینی شده در قانون حاضر باید به طرق معمول و بر حسب اوضاع و احوال صورت پذیرد.

ماده ۱۵

هیچ شکل خاصی برای قرارداد بیع پیش‌بینی نشده است، [بنابراین] می‌توان وجود آن را مثلاً از طریق شهادت شهود اثبات نمود.

ماده ۱۶

زمانی که حسب مقررات این قانون یک طرف حق الزام طرف دیگر به انجام تعهد را دارد، محکمه نمی‌تواند حکم به الزام دهد یا دستور اجرای حکمی صادره در این مورد را بدهد مگر حسب مقررات ماده ۷ از کنوانسیون اول ژوئیه ۱۹۶۴ حاوی قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اشیای منقول مادی.

ماده ۱۷

موضوعاتی که در ارتباط با مسائل تحت پوشش این کنوانسیون مطرح می‌شوند، ولی صریحاً راه حلی برای آنها در کنوانسیون پیش‌بینی نشده است، حسب اصول و قواعد کلی مبنای کنوانسیون راه حل آنها تعیین خواهد شد.

فصل سوم: تعهدات بایع

ماده ۱۸

بایع باید مبیع را تسلیم، اسناد و مدارک مربوطه را ارائه و مالکیت کالا را تحت شرایط پیش‌بینی شده در قرارداد و قانون حاضر منتقل نماید.

بخش اول: تسلیم مبیع

ماده ۱۹

۱. تسلیم عبارت است از تحویل مبیع حسب مفاد قرارداد.
۲. در صورتی که حسب قرارداد تحویل مبیع مستلزم حمل آن می‌باشد و محل خاصی برای تسلیم مورد توافق قرار نگرفته است، در زمان تحویل مبیع به متصدی حمل و نقل برای رساندن آن به خریدار، تسلیم تحقق می‌یابد.
۳. در صورتی که تحویل مبیع به متصدی حمل و نقل با نصب نشانی یا طریق دیگر، مشخصاً در اجرای تعهدات ناشی از قرارداد انجام نشده باشد بایع نه تنها باید کالا را تسلیم نماید، بلکه باید رسید ارسال کالا و در صورت لزوم اسناد مشخص‌کننده نوع و کیفیت آن را برای مشتری ارسال دارد.

مبحث اول: تعهدات فروشنده در مورد تاریخ و محل تسلیم

الف. تاریخ تسلیم

ماده ۲۰

وقتی که تاریخ تسلیم به وسیله طرفین قرارداد مشخص شده یا عرفاً معلوم است بایع بدون نیاز به هیچ تشریفات ملزم به تحویل مبیع در همین تاریخ است، به شرطی که چنین تاریخی به موجب تقویم مشخص یا قابل تشخیص باشد، یا اینکه زمان تسلیم مبتنی بر انجام رویداد معینی باشد که روز تحقق آن از نظر طرفین دقیقاً قابل



تعیین است.

ماده ۲۱

در صورتی که حسب قرارداد طرفین یا عرف معلوم شود که تسلیم باید طی مدت زمانی انجام شود (ماهی، فصلی) این بایع است که حق دارد تاریخ دقیق تسلیم را تعیین کند، مگر اینکه از اوضاع و احوال استنباط شود که تاریخ تسلیم را خریدار باید تعیین نماید.

ماده ۲۲

در صورتی که زمان تحویل حسب مواد ۲۰ و ۲۱ تعیین نشده باشد بایع باید مبیع را ظرف مدتی معقول پس از انعقاد قرارداد تحویل دهد. این مدت با توجه به نوع جنس مبیع و اوضاع و احوال مشخص می شود.
ب. محل تسلیم

ماده ۲۳

۱. وقتی که در قرارداد بیع ذکری از حمل مبیع به عمل نیامده بایع باید مبیع را در مقر تجاری که در زمان انعقاد قرارداد داشته یا در محل سکونت معمولی اش در آن موقع تسلیم نماید.

۲. در صورتی که مبیع کالای معینی باشد و طرفین محل آن را حین انعقاد قرارداد بدانند بایع در این محل باید کالا را تسلیم نماید. همین طور عمل می شود اگر مبیع بخشی نامعین از کلی معین باشد یا اینکه باید در محلی ساخته و تولید شود که طرفین هنگام انعقاد قرارداد از آن محل اطلاع داشته اند.

ج. ضمانت اجرای قصور بایع در انجام تعهدات مربوط به تاریخ و محل تسلیم

ماده ۲۴

۱. اگر بایع تعهدات خود در ارتباط ماده ۲۴ با تاریخ و محل تسلیم را انجام ندهد، خریدار حسب مقررات مواد ۲۵ تا ۳۲ می تواند
الف. بایع را ملزم به اجرای قرارداد نماید؛
ب. قرارداد را فسخ نماید.
۲. خریدار همچنین می تواند حسب مواد ۸۲ یا ۸۴ تا ۸۷ درخواست غرامت نماید.



۳. بایع به هیچ وجه نمی تواند از قاضی یا داور درخواست مهلت اضافی نماید.

ماده ۲۵

اگر عرفاً و منطقاً می توان یک خرید جایگزین انجام داد، خریدار نمی تواند بایع را ملزم به اجرای قرارداد نماید. در این حالت از زمانی که چنین خریدی باید انجام شود، قرارداد اولیه قانوناً خاتمه می یابد.

الف. ضمانت اجراهای مربوط به تاریخ تسلیم

ماده ۲۶

۱. در صورتی که عدم تسلیم کالا در تاریخ معین یک نقض اساسی قرارداد باشد خریدار می تواند بایع را ملزم به اجرای قرارداد نماید یا اینکه فسخ قرارداد را اعلام کند. او باید تصمیمش را ظرف مدت معقولی اعلام نماید؛ در غیر این صورت قرارداد قانوناً خاتمه می یابد.

۲. اگر بایع از خریدار بخواهد که تصمیم خود را اعلام نماید و خریدار ظرف مدت کوتاهی پاسخی ندهد قرارداد قانوناً خاتمه می یابد.

۳. اگر بایع قبل از اعلام تصمیم خریدار، مبیع را تسلیم نماید و خریدار ظرف مدت کوتاهی فسخ قرارداد را اعلام ننماید هرگونه حق فسخ قرارداد منتفی است.

۴. اگر خریدار مایل به اجرای قرارداد باشد و ظرف مدت معقولی به خواسته خود نرسد، می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید.

ماده ۲۷

۱. اگر عدم تسلیم مبیع در تاریخ مقرر نقض اساسی قرارداد نباشد، بایع حق تسلیم مبیع و خریدار حق الزام بایع به اجرای قرارداد را دارد.

۲. با این حال، مشتری می تواند مهلت تسلیم مبیع را تا حد معقولی تمدید نماید. در این صورت عدم تحویل مبیع در این مهلت نقض اساسی قرارداد تلقی خواهد شد.

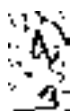
ماده ۲۸

اگر موضوع قرارداد کالاهایی باشند که قیمتشان در بازاری که خریدار می تواند آنها را پیدا کند شناور است، عدم تسلیم مبیع در تاریخ مقرر، نقض اساسی قرارداد تلقی می شود.

تسلیم

۲۸۰

تسلیم



ماده ۲۹

اگر بایع بخواهد قبل از تاریخ مقرر مبيع را تسليم نمايد خريدار مي تواند آن را بپذيرد يا رد کند. اگر بپذيرد، حق دريافت غرامت او حسب ماده ۸۲ باقي خواهد بود.

ب. ضمانت اجراهای مربوط به محل تسليم مبيع

ماده ۳۰

۱. در صورتی که عدم تسليم مبيع در محل پيش بينی شده در قرارداد، و همچنين عدم تسليم مبيع در زمان تعيين شده نقض اساسی قرارداد باشند، خريدار مي تواند بايع را ملزم به اجرای قرارداد نمايد يا فسخ قرارداد را اعلام کند. او بايد ظرف مدت معقولي تصميم خود را اعلام نمايد؛ در غير اين صورت قرارداد قانوناً خاتمه مي يابد.
۲. اگر بايع از خريدار درخواست کند اعلام نظر نمايد و خريدار ظرف مدت کمی پاسخی ندهد قرارداد قانوناً خاتمه مي يابد.

۳. اگر بايع قبل از اعلام تصميم خريدار مبيع را به محل پيش بينی شده حمل نمايد و خريدار فسخ قرارداد را طی مدت کوتاهی اعلام نکند هرگونه فسخ قرارداد منتفی است.

ماده ۳۱

۱. در غير از موارد عنوان شده در ماده قبل، بايع حق تسليم مبيع در محل تعيين شده را حفظ مي کند و خريدار حق الزام بايع به اجرای تعهد را دارد.
۲. با اين حال، ممکن است خريدار به بايع مهلت معقولي بدهد. عدم تسليم مبيع در اين مدت در محل تعيين شده، نقض اساسی قرارداد تلقی مي شود.

ماده ۳۲

۱. در صورتی که تسليم مبيع با تحويل آن به یک متصدي حمل و نقل تحقق يابد و اين تسليم در محلی غير از محل تعيين شده صورت پذيرد، اگر عدم تسليم مبيع در محل مقرر نقض اساسی قرارداد باشد خريدار مي تواند فسخ قرارداد را اعلام نمايد. اگر خريدار ظرف مدت کوتاهی از اين حق استفاده نکند آن را از دست خواهد داد.
۲. اگر مبيع به محلی غير از محل تعيين شده فرستاده شود حقوق مقرر در بند قبل تحت همان شرايط برای خريدار وجود دارد.

۳. اگر ارسال از محل یا به محلی غیر از محل تعیین شده، نقض اساسی قرارداد نباشد خریدار فقط می‌تواند غرامات مقرر در ماده ۸۲ را درخواست نماید.

مبحث دوم: تعهدات بایع در مورد مطابقت مبیع با قرارداد

الف. عدم مطابقت

ماده ۳۳

۱. تعهد از جهت تسلیم مبیع در موارد زیر انجام نشده تلقی می‌شود:
الف. وقتی بایع فقط جزئی از مبیع را تحویل داده یا از نظر کمی بیشتر یا کمتر از مقدار پیش‌بینی شده در قرارداد را تحویل داده باشد.
ب. وقتی کالایی غیر از کالای مقرر در قرارداد یا کالایی از نوع دیگر را تحویل داده باشد.

ج. اگر کالای تحویل شده با نمونه یا مدل ارائه شده به خریدار مطابقت نداشته باشد مگر اینکه ارائه نمونه فقط به عنوان یک راهنمایی ساده و بدون تعهد صریح یا ضمنی به مطابقت مورد معامله با نمونه بوده باشد.
د. اگر کالایی تحویل شده که از نظر کیفی مناسب با استفاده معمولی یا تجاری از آن نیست.

ه. اگر کالایی تحویل شده که از نظر کیفی برای استفاده خاصی که صریحاً یا ضمناً در قرارداد مورد اشاره قرار گرفته، مناسب نباشد.
و. به طور کلی هرگاه کالای تحویل شده کیفیت یا شرایط مقرر به طور صریح یا ضمنی در قرارداد رانداشته باشد.

ماده ۳۴

در موارد پیش‌بینی شده در ماده قبل، حقوق در نظر گرفته شده برای خریدار حسب قانون حاضر، هرگونه طرق جبران خسارت دیگر ناشی از عدم مطابقت کالا را ساقط می‌کند.

ماده ۳۵

۱. مطابقت کالای تحویلی با قرارداد براساس وضعیت کالا در زمان انتقال ریسکها، ارزیابی می‌شود. مع ذلک اگر به علت یک اعلام فسخ یا درخواست جایگزینی، انتقال

مطابقت

۲۸۲

مطابقت



ریسکها صورت نپذیرد، مطابقت کالا بر مبنای وضعیت کالا در زمانی که اگر کالای تحویلی مطابق قرارداد بود، ریسکها می بایستی منتقل می شدند، مورد ارزیابی واقع می شود.

۲. بایع مسئول عدم مطابقت کالا که پس از زمان مقرر در بند قبل به وجود آمده، می باشد، در صورتی که این عدم مطابقت ناشی از فعل بایع یا یکی از افراد تحت امر وی باشد.

ماده ۳۶

بایع متحمل آثار ناشی از عدم مطابقت مبیع حسب ماده ۳۳ (بند ۱-د) نخواهد بود اگر معلوم شود هنگام انعقاد قرارداد خریدار از این عدم مطابقت آگاهی داشته و یا قاعدتاً می بایستی از موضوع آگاه بوده باشد.

ماده ۳۷

در صورت تسلیم مبیع قبل از موعد، بایع می تواند تا قبل از زمان مقرر برای تحویل، از نظر کمی یا کیفی نقص بیع را برطرف نماید، کالاهایی دیگر منطبق با قرارداد جایگزین کند یا کالاهای تحویلی را تعمیر نماید به شرطی که این اقدامات هیچ مشکل یا هزینه های نامعقولی را برای خریدار فراهم ننماید.

ب. احراز و اعلام عدم مطابقت

ماده ۳۸

۱. خریدار باید مبیع را ظرف مدت کوتاهی شخصاً یا توسط دیگری بررسی نماید.
۲. در صورت حمل مبیع، خریدار باید آن را در مقصد بررسی نماید.
۳. اگر مبیع به وسیله خریدار بدون بارگیری جدید به جای دیگری ارسال شود و بایع هنگام انعقاد قرارداد می دانسته یا قاعدتاً می بایستی از این امر مطلع باشد، بررسی مبیع به زمان رسیدن آن به مقصد جدید موکول می شود.
۴. چگونگی بررسی مطابقت حسب توافق طرفین مشخص می شود و اگر پیش بینی نشده باشد تابع قانون یا عرف محل انجام بررسی خواهد بود.

ماده ۳۹

۱. اگر خریدار ظرف مدت کوتاهی از زمانی که از عدم مطابقت آگاه شده یا قاعدتاً

می بایستی آگاه می شده، مورد را اعلام ننموده باشد حقوق وی در این رابطه ساقط می شود. مع ذلک اگر بعداً نقصی آشکار شود که با بررسی پیش بینی شده در ماده قبل قابل احراز نبوده چنانچه ظرف مدت کوتاهی از کشف نقص خریدار مراتب را به بایع اعلام نماید، حقوق وی محفوظ می ماند. به هر حال خریدار از حقوق خود در ارتباط با عدم مطابقت کالا محروم خواهد شد اگر ظرف ۲ سال از زمان تسلیم مبیع، موضوع را اعلام ننماید مگر اینکه تضمین مربوط برای مدتی بیشتر برقرار شده باشد.

۲. خریدار ضمن اعلام عدم مطابقت باید نوع آن را مشخص نموده، از بایع بخواهد تا کالا را خود یا از طریق نماینده اش بررسی نماید.

۳. در صورتی که چنین تماسی از طریق نامه، تلگرام یا هر وسیله مناسب دیگری صورت پذیرفته باشد تأخیر در وصول و یا عدم وصول به حقوق خریدار در این مورد لطمه نمی زند.

ماده ۴۰

اگر عدم مطابقت در ارتباط با موردی باشد که بایع می دانسته و یا قاعداً می بایستی بدان آگاه باشد، ولی آن را افشا ننموده است بایع نمی تواند از مقررات مواد ۳۸ و ۳۹ منتفع شود.

ج. ضمانت اجراهای مربوط به عدم مطابقت

ماده ۴۱

۱. خریداری که به طور قانونی عدم مطابقت را اعلام داشته، می تواند حسب ترتیبات پیش بینی شده در مواد ۴۲ تا ۴۶، الف. بایع را ملزم به اجرای قرارداد نماید؛ ب. فسخ قرارداد را اعلام کند؛ ج. قیمت کمتری برای کالا پرداخت نماید.

۲. خریدار همچنین می تواند خسارات پیش بینی شده در ماده ۸۲ یا مواد ۸۴ تا ۸۷ را مطالبه و دریافت کند.

ماده ۴۲

۱. خریدار می تواند بایع را ملزم به اجرای قرارداد نماید





الف. اگر ببع در مورد کالای تولیدی یا ساخته شده با بایع باشد: با رفع نقائص به شرطی که بایع قادر به این کار باشد.

ب. اگر ببع در مورد عین معین باشد: با تحویل کالای پیش بینی شده در قرارداد یا بخش کسری.

ج. اگر موضوع ببع اموالی باشد کلی و نا معین: با تحویل کالاهایی جدید مطابق قرارداد و یا قسمت یا بخش ناقص به شرط اینکه یک خرید جایگزین مطابق عرف و منطبق ممکن نباشد.

۲. اگر خریدار ظرف مدت معقولی موفق به انجام رساندن قرارداد نشود حقوق مذکور در مواد ۴۳ تا ۴۶ را حفظ خواهد نمود.

ماده ۴۳

اگر عدم مطابقت یا عدم تسلیم مبیع در تاریخ مقرر نقض اساسی قرارداد تلقی شود خریدار می تواند فسخ قرارداد را اعلام کند. اگر ظرف مدت کوتاهی پس از اعلام عدم مطابقت یا بعد از موعد پیش بینی شده در بند ۲ ماده قبل از این حق استفاده نکند، از آن محروم خواهد شد.

ماده ۴۴

۱. در غیر از موارد پیش بینی شده در ماده قبل، بایع بعد از تاریخ تعیین شده می تواند نقص مبیع (کمی یا کیفی) را رفع نماید یا اینکه کالاهای دیگری را طبق قرارداد تحویل نماید و یا کالاهای مربوطه را تعمیر نماید، به شرطی که این ترتیبات موجب ناراحتی خریدار یا تحمیل هزینه های نامعقول به وی نشوند.

۲. با این حال، خریدار می تواند برای تسلیم بعدی یا رفع نقص، مهلت اضافی معقولی را معین نماید. اگر در انقضای مدت بایع مبیع را تحویل یا تعمیر ننمود خریدار می تواند میان الزام بایع به اجرای قرارداد، کاهش قیمت کالا حسب ماده ۴۶، یا فسخ قرارداد، یکی را انتخاب کند؛ البته به شرطی که ظرف مدت کوتاهی انجام شود.

ماده ۴۵

۱. در صورتی که بایع تنها بخشی از مبیع یا تعدادی ناکافی از آن را تحویل داده یا وقتی فقط بخشی از مبیع با قرارداد مطابقت داشته باشد، در ارتباط با بخش یا تعداد

کسری یا غیر مطابق با قرارداد، مقررات مواد ۴۳ و ۴۴ اعمال خواهند شد.
۲. خریدار نمی‌تواند قرارداد را کلاً فسخ نماید مگر اینکه عدم اجرای کامل و دقیق قرارداد، نقض اساسی قرارداد تلقی شود.

ماده ۴۶

خریداری که نه موفق به انجام رساندن قرارداد شده و نه فسخ آن را اعلام نموده، می‌تواند با توجه به تفاوت قیمت مبیع در زمان انعقاد قرارداد و قیمت فعلی آن (با توجه به عدم تطابق) از قیمت توافق شده در قرارداد بکاهد.

ماده ۴۷

اگر فروشنده مبیع کلی به خریدار مقداری بیش از مقدار مقرر در قرارداد داده باشد، خریدار می‌تواند مقدار اضافی را بپذیرد یا رد کند. اگر خریدار مقدار اضافی را نپذیرد بائع را فقط می‌توان ملزم به پرداخت خسارات مقرر در ماده ۸۲ نمود. اگر خریدار آن مقدار اضافی را بپذیرد (بعضاً یا کلاً) باید قیمت آن را با نرخ مقرر در قرارداد بپردازد.

ماده ۴۸

اگر معلوم باشد کالایی که قرار است تسلیم شود مطابق قرارداد نیست، خریدار می‌تواند حقوق مذکور در مواد ۴۳ تا ۴۶ را حتی قبل از موعد معین برای تسلیم مبیع اعمال نماید.

ماده ۴۹

۱. خریدار یک سال بعد از تاریخ اعلام عدم تطابق پیش‌بینی شده در ماده ۳۹ حقوقش را از دست خواهد داد مگر اینکه معلوم شود این عدم اعلام به لحاظ اقدامات متقلبانه بائع بوده است.

۲. پس از انقضای این مهلت، خریدار دیگر نمی‌تواند حتی با طرح دعوی موضوع عدم مطابقت را مطرح نماید. مع ذلک خریدار می‌تواند اگر هنوز قیمت مبیع را نپرداخته و به شرطی که عدم مطابقت را ظرف مدت کوتاه مقرر در ماده ۳۹ اعلام نموده باشد، در مقابل درخواست پرداخت ثمن، درخواست کاهش قیمت یا پرداخت خسارات را بنماید.

تاریخ

۲۸۶

مهر و امضاء

بخش دوم: تحویل اسناد

ماده ۵۰

در صورتی که بایع متعهد باشد اسنادی را در ارتباط با مبیع به خریدار بدهد باید در زمان و محل تعیین شده در قرارداد یا مقبول عرف به این امر مبادرت نماید.

ماده ۵۱

اگر بایع اسناد پیش‌بینی شده در ماده قبل را در زمان و مکان مقرر ارائه ننماید یا اینکه اسنادی غیر از اسناد مورد نظر را ارائه دهد، خریدار حسب مورد از حقوق مذکور در مواد ۲۴ تا ۳۲ و یا مواد ۴۱ تا ۴۹ برخوردار خواهد بود.

بخش سوم: انتقال مالکیت

ماده ۵۲

۱. زمانی که مبیع موضوع حق یا ادعای ثالثی است و خریدار از تحویل گرفتن مبیع تحت این شرایط امتناع می‌ورزد، خریدار باید (اگر بایع خود قبلاً مطلع نبوده است) مراتب وجود حق یا ادعای ثالث را به اطلاع بایع رسانده، از وی درخواست نماید ظرف مهلت معقولی مورد اصلاح کند یا کالاهای دیگری را که مورد حق و ادعایی نیست تحویل دهد.

۲. اگر بایع این درخواست را اجابت نماید خریدار که متحمل خسارتی شده، می‌تواند بایع را به پرداخت خسارت حسب ماده ۸۲ ملزم نماید.

۳. اگر بایع درخواست خریدار را اجابت ننماید و نقض اساسی قرارداد را موجب شده باشد، خریدار می‌تواند قرارداد را فسخ نماید و خسارات پیش‌بینی شده در مواد ۸۴ تا ۸۷ را مطالبه کند. اگر خریدار فسخ قرارداد را اعلام نکند یا در صورتی که مورد، نقض اساسی قرارداد تلقی نشود، خریدار حق دارد خسارات پیش‌بینی شده در ماده ۸۲ را مطالبه نماید.

۴. اگر خریدار ظرف مدت معقولی از زمانی که از وجود حق یا ادعای ثالث مطلع شده یا قاعدتاً می‌بایستی مطلع شده باشد، به شرح بند ۱ مراتب را به بایع اعلام ننموده باشد، حق فسخ او ساقط خواهد شد.



ماده ۵۳

حقوق شناخته شده برای خریدار حسب ماده قبل، هر اقدام دیگر ممکن درباره عدم اجرای تعهدات از سوی بایع در مورد انتقال مالکیت کالا یا مورد حق یا ادعای ثالث بودن مبیع را ساقط و منتفی می سازد.

بخش چهارم: دیگر تعهدات بایع

ماده ۵۴

۱. اگر بایع ملزم به ارسال کالا است باید قراردادهای لازم را تحت شرایط معمول برای انتقال مبیع به مقصد پیش بینی شده منعقد نماید.
۲. اگر بایع خود ملزم به انعقاد قرارداد بیمه حمل و نقل نیست باید حسب درخواست خریدار کلیه اطلاعات لازم در مورد این بیمه را به وی بدهد.

ماده ۵۵

۱. اگر خریدار تعهدی به غیر از موارد مذکور در مواد ۲۰ تا ۵۳ را اجرا ننماید خریدار می تواند:
 - الف. اگر تخلف مذکور، نقض اساسی قرارداد تلقی می شود آن را ظرف مدت کوتاهی فسخ نماید و حسب مقررات مواد ۸۴ تا ۸۷ درخواست خسارت نماید.
 - ب. بایع را به اجرای قرارداد مجبور نماید، به شرط اینکه قرارداد منحل نشده باشد.

فصل چهارم: تعهدات خریدار

ماده ۵۶

خریدار باید ثمن به طور معامله را پرداخت و مبیع را تحت شرایط قرارداد و قانون حاضر تحویل بگیرد.

بخش اول: پرداخت ثمن

الف. تعیین قیمت

ماده ۵۷

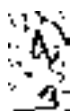
اگر در قرارداد بیع، ثمن به طور مستقیم یا غیر مستقیم تعیین نشده باشد خریدار

بیت

۲۸۸

کتابخانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



باید قیمتی را که بایع به طور معمول در زمان انعقاد قرارداد بابت کالای مورد بحث می‌گرفته، بپردازد.

ماده ۵۸

در صورتی که قرار باشد قیمت براساس وزن کالا محاسبه شود، در صورت تردید، وزن خالص مد نظر واقع می‌شود.

ب. محل و تاریخ پرداخت

ماده ۵۹

۱. خریدار باید ثمن را در مقر تجاری بایع یا در صورت نداشتن مقر تجاری، در محل سکونت معمولی وی پرداخت نماید. در صورتی که پرداخت قرار است در مقابل تحویل مبیع یا اسناد باشد، پرداخت باید در زمان همین تحویل انجام شود.
 ۲. در صورتی که پس از تغییر مقر تجاری یا محل سکونت معمولی بایع متعاقب انعقاد قرارداد، هزینه‌های مربوط به پرداخت زیاد شده باشند، بایع باید آثار ناشی از این امر را متحمل شود.

ماده ۶۰

وقتی تاریخ پرداخت مورد توافق طرفین واقع شده یا برحسب عرف قابل تعیین است خریدار باید در همین تاریخ، بدون لزوم انجام هیچ تشریفات خاصی، ثمن را بپردازد.

ج. ضمانت اجرای عدم پرداخت ثمن

ماده ۶۱

۱. اگر خریدار ثمن معامله را طبق قرارداد و قانون حاضر نپردازد بایع حق دارد الزام وی به انجام تعهد را بخواهد.
 ۲. چنانچه بایع بتواند کالاهای مربوط را عرفاً و منطقیاً به دیگری بفروشد، نمی‌تواند خریدار را به پرداخت ثمن ملزم نماید. در این صورت، قرارداد قاعدتاً از زمان انجام بیع جدید منحل شده محسوب است.

ماده ۶۲

۱. اگر عدم پرداخت ثمن در تاریخ تعیین شده یک نقض اساسی قرارداد تلقی

شود، بایع می تواند خریدار را به پرداخت ثمن ملزم کند یا فسخ قرارداد را اعلام نماید. او باید ظرف مدت معقولی تصمیم خود را در این مورد اعلام کند وگرنه قرارداد قانوناً منحل می شود.

۲. اگر عدم پرداخت ثمن در تاریخ تعیین شده نقض اساسی قرارداد تلقی نشود، بایع می تواند مهلت معقولی به خریدار بدهد. اگر در پایان این مدت نیز خریدار ثمن را نپردازد خریدار حق دارد الزام وی را به این امر بخواهد، یا اینکه ظرف مدت کوتاهی فسخ قرارداد را اعلام نماید.

ماده ۶۳

۱. در صورت فسخ قرارداد به علت عدم پرداخت ثمن، بایع حق درخواست خسارت حسب مواد ۸۴ تا ۸۷ را دارد.
۲. اگر قرارداد فسخ نشده باشد، بایع حق درخواست خسارت حسب مواد ۸۲ و ۸۳ را دارد.

ماده ۶۴

در هیچ موردی خریدار نمی تواند از قاضی یا داور درخواست کند به وی مهلتی برای پرداخت داده شود.

بخش دوم: تحویل گرفتن مبیع

ماده ۶۵

خریدار باید کلیه اقدامات لازم برای تحویل گرفتن مبیع را انجام دهد.

ماده ۶۶

۱. در صورتی که عدم اجرای تعهد مربوط به تحویل گرفتن مبیع توسط خریدار طبق قرارداد نقض اساسی قرارداد تلقی شود یا بایع براساس آن عدم پرداخت ثمن را پیش بینی کند، بایع می تواند فسخ قرارداد را اعلام دارد.
۲. اگر عدم اجرای تعهد مربوط به تحویل گرفتن مبیع توسط خریدار نقض اساسی قرارداد تلقی نشود، بایع می تواند به خریدار مهلت معقولی برای این کار اعطا نماید. اگر خریدار در پایان این مهلت نیز در مورد تحویل گرفتن مبیع اقدام ننمود، بایع می تواند ظرف مدت کوتاهی فسخ قرارداد را اعلام نماید.





ماده ۶۷

۱. اگر در قرارداد ذکر شده باشد که خریدار حق دارد بعداً شکل، اندازه یا دیگر مشخصات مبیع را تعیین کند، و خریدار در تاریخ مقرر به طور صریح یا ضمنی یا ظرف مدت معقولی پس از تقاضای بایع مشخصات مذکور را اعلام نکرد، بایع حق دارد ظرف مدت کوتاهی قرارداد را فسخ کند، یا اینکه خود مشخصات مبیع را برحسب شناخت خود از نیازهای خریدار تعیین کند.

۲. اگر بایع خود اقدام به تعیین مشخصات نماید باید مراتب را به خریدار اطلاع داده و از وی بخواهد اگر مخالفت دارد ظرف مدت معقولی اعلام کند. اگر خریدار از این امکان خود استفاده ننماید مشخصات تعیین شده توسط بایع ملاک عمل و الزام‌آور تلقی خواهند شد.

ماده ۶۸

۱. در صورت فسخ قرارداد به علت تحویل نگرفتن مبیع یا عدم تعیین مشخصات آن، بایع حق دارد خسارات وارده را حسب مواد ۸۴ تا ۸۷ مطالبه کند.

۲. اگر قرارداد فسخ نشده باشد، بایع حق دارد حسب ماده ۸۲ مطالبه خسارت نماید.

بخش سوم: دیگر تعهدات خریدار

ماده ۶۹

خریدار باید اقدامات پیش‌بینی شده در قرارداد یا حسب عرف یا مقررات جاری را در جهت انجام یا تضمین پرداخت ثمن انجام دهد؛ مثل قبول برات، افتتاح یک اعتبار اسنادی یا برقراری یک ضمانتنامه بانکی.

ماده ۷۰

۱. اگر خریدار در غیر از موارد پیش‌بینی شده در بخش‌های اول و دوم این فصل تخلفی انجام دهد بایع می‌تواند:

الف. اگر تخلف انجام شده نقض اساسی قرارداد باشد، قرارداد را فسخ کند (البته به شرطی که ظرف مدت کوتاهی در این مورد اقدام کند) و خسارات وارده به خود را حسب مواد ۸۴ تا ۸۷ مطالبه نماید.

ب. در دیگر موارد، حسب ماده ۸۲ مطالبه خسارت نماید.
۲. در صورتی که قرارداد فسخ نشده باشد، بایع می تواند الزام خریدار به انجام تعهدش را بخواهد.

فصل پنجم: مقررات مربوط به تکالیف مشترک بایع و خریدار

بخش اول: همزمانی تسلیم مبیع با پرداخت ثمن

ماده ۷۱

جز در مورد ذکر شده در ماده ۷۲، پرداخت ثمن باید همزمان با تسلیم مبیع باشد، با این حال، خریدار ملزم نیست قبل از بررسی مبیع ثمن را بپردازد.

ماده ۷۲

۱. وقتی که قرارداد متضمن حمل مبیع است و تسلیم، حسب بند ۲ ماده ۱۹ با تحویل کالا به متصدی حمل و نقل تحقق می یابد، بایع می تواند تا قبل از دریافت ثمن کالا را واگذار نکند یا کالا را به این شرط به متصدی حمل و نقل بدهد که بتواند آن را در حین حمل پس بگیرد. در حالت اخیر او می تواند مقرر دارد مبیع در مقصد به خریدار داده نشود مگر اینکه وی ثمن را بپردازد و خریدار نیز پس از بررسی مبیع، ملزم به پرداخت خواهد بود.

۲. با این حال، در مواردی که در قرارداد ذکر شده که پرداخت در برابر اسناد انجام شود، خریدار حق ندارد به این بهانه که نتوانسته مبیع را بررسی کند از پرداخت خودداری نماید.

ماده ۷۳

۱. هریک از طرفین هر زمان که وضعیت مالی طرف دیگر متعاقب انعقاد قرارداد دچار چنان مشکلی شود که بتوان منطقاً استنباط کرد که وی قادر به انجام بخش اساسی از تعهدات خود نیست، می تواند از انجام تعهداتش خودداری نماید.
۲. اگر بایع پس از ارسال مبیع به مشکل مالی خریدار حسب بند ۱ پی ببرد، می تواند با تسلیم مبیع به خریدار مخالفت نماید، حتی اگر قبلاً سندی به خریدار داده شده که به موجب آن محق به دریافت مبیع باشد.

تسلیم

۲۹۲

تسلیم



۳. با این حال، بایع نمی‌تواند از تحویل مبیع به خریدار جلوگیری نماید اگر کالا به وسیله شخص ثالثی مطالبه شده و این شخص دارای سندی قانونی است که به او حق دریافت کالا را می‌دهد مگر سند مذکور حاوی رزروی باشد در ارتباط با آثار انتقال آن یا اینکه بایع بتواند ثابت کند که دارنده سند هنگام تحصیل آن آگاهانه به ضرر بایع اقدام نموده است.

بخش دوم: موارد معافیت از مسئولیت

ماده ۷۴

۱. در صورتی که یکی از طرفین یکی از تعهداتش را انجام ندهد مسئول این تخلف محسوب نمی‌شود، مشروط بر اینکه ثابت کند این امر ناشی از اوضاع و احوالی بود که با توجه به قصد طرفین حین انعقاد قرارداد وی ملزم به در نظر گرفتن آن، اجتناب از آن یا غلبه بر آن نبوده است. در صورتی که قصد طرفین معلوم نباشد، اعمال و رفتار یک شخص عادی و معمولی در شرایط مشابه در نظر گرفته خواهد شد.

۲. اگر اوضاع و احوال مورد بحث چنان باشند که موقتاً مانع انجام تعهد شود طرف خاطی به طور کامل و قطعی از انجام تعهدش معاف می‌شود؛ البته در صورتی که با بروز شرایط جدید موضوع تعهد به نحوی تغییر یابد که اجرای آن در واقع آن چیزی نباشد که در قرارداد مورد نظر بوده است.

۳. مورد معافیت پیش‌بینی شده در این ماده به نفع یکی از طرفین مانع از این نیست که قرارداد به موجب [ماده] مقرر دیگری از قانون حاضر منحل شود و طرف دیگر را از حقیقت در مورد تقلیل قیمت محروم نمی‌کند به شرط اینکه شرایط مبنای ایجاد معافیت، ناشی از عملکرد طرف دیگر یا افراد تحت امر او نباشد.

بخش سوم: قواعد تکمیلی در مورد فسخ قرارداد

الف. عوامل دیگر فسخ

ماده ۷۵

۱. اگر حسب یک قرارداد تحویل باید در چند نوبت انجام شود و عدم اجرای یک مورد تحویل از سوی یکی از طرفین برای طرف دیگر به حق، ترس از عدم اجرای تعهدات بعدی را ایجاد کند، وی می‌تواند ظرف مدت کوتاهی فسخ قرارداد را برای

آینده اعلام دارد.

۲. به علاوه چنانچه انجام تمام موارد تحویل مورد نظر خریدار بوده و انجام بخشی از آنها برایش ارزشی نداشته باشد، خریدار می تواند ظرف همین مدت فسخ قرارداد را در مورد تحویلهای بعدی، تحویلهای قبلاً انجام شده یا هر دو اعلام نماید.

ماده ۷۶

اگر قبل از تاریخ مقرر برای اجرای قرارداد محرز باشد که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، طرف دیگر می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید.

ماده ۷۷

اگر قرارداد حسب یکی از دو ماده قبل فسخ شده باشد، طرف فسخ کننده می تواند حسب مواد ۸۴ تا ۸۷ مطالبه خسارت نماید.

ب. آثار فسخ

ماده ۷۸

۱. با فسخ قرارداد، تعهدات طرفین در مورد آن ساقط می شود. البته می توان در این رابطه ادعای خسارت نمود.

۲. اگر یکی از طرفین قرارداد را کلاً یا بعضاً اجرا نموده باشد، می تواند استرداد آنچه را داده شده بخواهد. اگر هر دو طرف حق اعاده وضعیت سابق را داشته باشند این امر باید به طور هم زمان در مورد آنها صورت پذیرد.

ماده ۷۹

۱. اگر استرداد مبیع در وضعیت اولیه ممکن نباشد، خریدار حق فسخ قرارداد را از دست می دهد.

۲. با این حال خریدار می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید:

الف. اگر مبیع یا بخشی از آن به علت تخلف موجد حق فسخ از بین رفته یا معیوب شده باشد.

ب. اگر مبیع یا بخشی از آن به علت بررسی انجام شده حسب ماده ۳۸ از بین رفته یا معیوب شده باشد.

ج. اگر خریدار قبل از احراز عدم مطابقت مبیع با قرارداد، بخشی از آن را مطابق





عرف معمول مصرف یا منتقل نموده باشد.

- د. اگر عدم امکان استرداد مبیع یا استرداد آن در وضعیت اولیه، ناشی از فعل خریدار یا یکی از افراد تحت مسئولیت او نباشد.
- ه. اگر عیب یا تغییر شکل مبیع بی اهمیت باشد.

ماده ۸۰

خریداری که حسب ماده قبل، حق فسخ قرارداد را از دست داده، دیگر حقوق خود حسب قانون حاضر را حفظ می‌کند.

ماده ۸۱

۱. اگر بایع باید ثمن را مسترد کند، باید بهره آن را هم حسب نرخ تعیین شده در ماده ۸۳ از روز پرداخت بپردازد.
۲. خریدار باید معادل منافع یا استفاده‌ای را که از مبیع داشته به بایع بدهد:
 - الف. اگر وی ملزم به استرداد کلی یا جزئی مبیع باشد.
 - ب. اگر وی قادر به استرداد کلی یا جزئی آن نباشد و قرارداد فسخ شده باشد.

بخش چهارم: قواعد تکمیلی در مورد خسارات

الف. خسارات در حالتی که قرارداد فسخ نشده است

ماده ۸۲

اگر قرارداد فسخ نشده باشد، خسارات ناشی از نقض قرارداد به وسیله یک طرف معادل با ضرر وارده به طرف دیگر و عدم النفع می‌باشد. میزان این خسارات نمی‌تواند از ضررها و عدم النفعی که طرف خاطی می‌توانسته در ضمن انعقاد قرارداد پیش‌بینی نماید (با توجه به شرایطی که وی به عنوان آثار احتمالی نقض قرارداد از آنها مطلع بوده یا می‌بایستی از آنها اطلاع داشته باشد)، بیشتر شود.

ماده ۸۳

اگر نقض قرارداد مربوط به تأخیر در پرداخت ثمن باشد، بایع در هر صورت حق دارد مبالغ پرداخت نشده و همچنین بهره متعلقه را حسب نرخ رسمی تنزیل در کشور مقر تجاری اش، یا در صورت نداشتن چنین مقری، نرخ رسمی تنزیل در کشور محل سکونت معمولی اش به علاوه ۱٪، مطالبه نماید.

ب. خسارات در حالتی که قرارداد فسخ شده است

ماده ۸۴

۱. در صورتی که قرارداد فسخ نشده باشد اگر مبیع قیمت روز داشته باشد، خسارات عبارت است از اختلاف قیمت پیش‌بینی شده در قرارداد و قیمت جاری روز فسخ قرارداد.

۲. برای محاسبه خسارات پیش‌بینی شده در بند قبل، قیمت روز که مدّ نظر قرار می‌گیرد قیمت بازار محل انجام قرارداد است و اگر چنین قیمت روزی وجود ندارد یا اعمال آن چندان مناسب نباشد، قیمت بازاری که منطقی‌تر می‌توان به جای آن در نظر گرفت، با توجه به اختلاف در هزینه حمل مبیع، ملاک عمل قرار می‌گیرد.

ماده ۸۵

اگر خریدار خرید جایگزینی انجام داده یا بایع فروش معقولی برای رفع ضرر خود انجام داده، طرفین می‌توانند تفاوت بین قیمت قراردادی و قیمت خرید جایگزین یا فروش جایگزین را مطالبه و دریافت کنند.

ماده ۸۶

به خسارات پیش‌بینی شده در ۲ ماده قبل می‌توان تمام هزینه‌های معقول متحمل در نتیجه عدم اجرای قرارداد یا هرگونه منافع از دست رفته را که طرف خاطی می‌بایستی در زمان انعقاد قرارداد پیش‌بینی می‌کرده (با توجه به اموری که به عنوان نتیجه محتمل نقض قرارداد به آنها آگاهی داشته یا می‌بایستی به آنها آگاهی می‌داشته است) اضافه نمود.

ماده ۸۷

اگر قیمت روز کالا معلوم نباشد، خسارات حسب ماده ۸۲ محاسبه خواهند شد.

ج. مقررات کلی ناظر بر خسارت

ماده ۸۸

طرفی که مدعی نقض قرارداد است باید تمام اقدامات معمول برای کاهش خسارات وارده را انجام دهد. در غیر این صورت طرف دیگر می‌تواند درخواست کند از میزان خسارات لازم‌الاداکاسته شود.

مهر

۲۹۶

مهر



ماده ۸۹

در صورت انجام تقلب، خسارات به موجب قواعد حاکم بر قراردادهای بیع خارج از شمول قانون حاضر محاسبه خواهند شد.

بخش پنجم: هزینه‌ها و مخارج

ماده ۹۰

مخارج مربوط به تسلیم مبیع با بایع است. تمام هزینه‌های بعد از تسلیم با خریدار است.

بخش ششم: محافظت از مبیع

ماده ۹۱

اگر خریدار در تحویل گرفتن مبیع یا در پرداخت ثمن تأخیر نماید، بایع باید اقدامات معمول برای حفظ مبیع را انجام دهد. او حق دارد مبیع را در تصرف بگیرد تا زمانی که هزینه‌ها و مخارج معقول متحمله به وسیله خریدار پرداخت شوند.

ماده ۹۲

۱. اگر مبیع به وسیله خریدار تحویل گرفته شود و وی قصد رد آن را داشته باشد باید کلیه اقدامات لازم جهت حفاظت از آن را معمول دارد. او می‌تواند تا زمانی که بایع هزینه‌های معقول متحمله به وسیله او را نپرداخته مبیع را در تصرف خود نگه دارد.

۲. اگر مبیع فرستاده شده برای خریدار در مقصد به وی تحویل شده و خریدار قصد رد آن را داشته باشد او باید آن را به حساب بایع نگهداری کند به شرط اینکه این امر بدون پرداخت ثمن و بدون ایجاد ناراحتی یا هزینه‌های نامعقول باشد. اگر بایع یا نماینده وی در مقصد حضور داشته باشند این [ماده] مقرر اجرا نمی‌شود.

ماده ۹۳

طرف ملزم به انجام ترتیبات لازم برای حفظ مبیع می‌تواند آن را به انبار شخص ثالثی به هزینه طرف دیگر بسپارد، به شرطی که مخارج حاصل از این امر غیرمتعارف نباشد.

ماده ۹۴

۱. طرفی که حسب مواد ۹۱ و ۹۲ باید اقدامات لازم را برای حفاظت از مبیع معمول دارد اگر طرف دیگر به طور غیر متعارف از قبول آن یا پرداخت هزینه نگهداری امتناع نماید می تواند آن را به هر صورت مناسب به فروش رساند، البته به شرطی که قصد فروش قبلاً به وی اطلاع داده شده باشد.

۲. طرفی که مبادرت به فروش کالا می نماید، می تواند از مبلغ به دست آمده هزینه های مربوط به نگهداری و فروش را برداشت کند و بقیه را به طرف دیگر بدهد.

ماده ۹۵

در صورتی که در موارد پیش بینی شده در مواد ۹۱ و ۹۲ کالا در معرض تلف یا خرابی سریع بوده یا نگهداری از آن موجب هزینه های نامعقولی باشد، طرفی که ملزم به نگهداری است می بایستی کالا را همان طور که در ماده قبل پیش بینی شده به فروش برساند.

فصل ششم: انتقال خطرات

ماده ۹۶

وقتی خطرات به خریدار منتقل می شود وی ملزم به پرداخت قیمت است حتی اگر مبیع تلف یا معیوب شده باشد، به شرط اینکه این امر ناشی از فعل بایع یا یکی از اشخاص تحت مسئولیت او نباشد.

ماده ۹۷

۱. از تاریخ تحویل مبیع که تحت شرایط قراردادی و شرایط مندرج در قانون حاضر انجام گیرد، خطرات به خریدار منتقل می شوند.

۲. در صورتی که کالای تحویلی منطبق با قرارداد نباشد و خریدار نه فسخ قرارداد را اعلام و نه درخواست جایگزینی کالا را مطرح نموده باشد، بدون در نظر گرفتن مسئله عدم مطابقت، تاریخ انتقال خطرات همان زمان تحویل کالای غیر منطبق خواهد بود.





ماده ۹۸

۱. اگر تأخیر در تسلیم کالا در نتیجه تخلف خریدار باشد، تاریخ انتقال خطرات به خریدار زمانی است که چنانچه خریدار تخلفی نمی‌کرد تسلیم در آن تاریخ طبق قرارداد انجام می‌شد.

۲. اگر مبیع کلی باشد تأخیر خریدار موجب انتقال خطرات به وی نمی‌شود مگر اینکه بایع کالاهای خاصی را مطابق قرارداد کنار گذاشته و اطلاعیه‌ای در این زمینه برای خریدار ارسال کرده باشد.

۳. اگر مبیع کلی ماهیتاً طوری باشد که بایع نمی‌تواند بخشی از آنها را جایی بگذارد تا خریدار تحویل بگیرد، کافی است بایع تمام اقدامات لازم را انجام دهد تا خریدار بتواند کالاها را تحویل بگیرد.

ماده ۹۹

۱. اگر مبیع کالایی است که از طریق دریا در حال حمل است، زمان انتقال خطرات هنگام تحویل به متصدی حمل و نقل است.

۲. اگر در زمان انعقاد قرارداد بایع می‌دانسته یا می‌بایستی بداند که مبیع تلف یا معیوب شده، خطرات تا زمان انعقاد قرارداد به عهده او باقی می‌ماند.

ماده ۱۰۰

اگر در مورد پیش‌بینی شده در بند ۳ ماده ۱۹ بایع در زمان اعلام مشخصات مبیع با ارسال سند مربوط به این امر می‌دانسته یا می‌بایستی بداند که مبیع بعد از تحویل به متصدی حمل و نقل تلف یا معیوب شده، خطرات تا زمان ارسال اعلامیه یا سند با بایع خواهد بود.

ماده ۱۰۱

انتقال خطرات ضرورتاً وابسته به قید یک شرط قراردادی مربوط به هزینه‌ها نیست.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني

۳. کنوانسیون بین‌المللی در مورد قرارداد مسافرتی بروکسل آوریل ۱۹۷۰

فصل اول: دامنه اجرا

ماده ۱

در اجرای مقررات این کنوانسیون،

۱. «قرارداد مسافرتی» عبارت است از یک قرارداد مربوط به برنامه ریزی امور مسافرتی یا یک قرارداد واسطه در امور مسافرتی.
 ۲. «قرارداد برنامه ریزی در امور مسافرتی» قراردادی است که به موجب آن شخصی متعهد می‌شود در مقابل دریافت مبلغی کلی، مجموعه خدماتی را به صورت حمل و نقل، اقامت جدا از حمل و نقل یا دیگر خدمات مربوط به شخص دیگری ارائه دهد.
 ۳. «قرارداد واسطه در امور مسافرتی» عبارت است از هر قراردادی که به موجب آن شخص متعهد می‌شود در قبال دریافت مبلغی، ترتیب یک قرارداد مربوط به برنامه ریزی امور مسافرتی یا خدمت یا خدماتی غیر از حمل و نقل مورد نیاز برای انجام یک سفر یا اقامت را برای دیگری بدهد.
- عملیات اینترلاین یا سایر عملیاتهای مشابه بین متصدیان حمل و نقل، قرارداد واسطه در امور مسافرتی تلقی نمی‌شوند.

۴. منظور از «قیمت» هرگونه عوض به صورت پول، جنس یا هرگونه امتیازات مستقیم یا غیرمستقیم می‌باشد.

۵. «متصدی امور مسافرتی» کسی است که به طور معمول تعهدات مندرج در بند ۲ را به عهده می‌گیرد، جدای از اینکه این کار حرفه اصلی اش است یا نه، یا این کار را به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهد یا نه.

۶. «واسطه امور مسافرتی» کسی است که به طور معمول تعهدات مندرج در بند ۳ را به عهده می‌گیرد، جدای از اینکه این کار حرفه اصلی اش است یا نه، یا این کار را به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهد یا نه.

۷. «مسافر» کسی است که ذی‌نفع تعهدات مندرج در بندهای ۲ و ۳ است؛ اعم از اینکه قرارداد به وسیله خود او منعقد شده باشد یا به وسیله دیگری و جدای از اینکه خود او پرداخت‌کننده باشد یا دیگری از جانب او پرداخته باشد.

ماده ۲

۱. کنوانسیون حاضر حاکم بر تمام قراردادهای مسافرتی منعقد به وسیله یک متصدی امور مسافرتی یا یک واسطه امور مسافرتی است، در صورتی که اقامتگاه اصلی یا، در صورت نداشتن اقامتگاه اصلی، محل سکونت معمولی ایشان یا محلی که قرارداد در آنجا واقع شده است در یک کشور عضو کنوانسیون واقع شده باشد.
۲. مقررات کنوانسیون حاضر صرف نظر از قوانین خاصی که متضمن قواعدی مساعدتر نسبت به برخی مسافرهایی باشند، اجرا می‌شوند.

فصل دوم: تعهدات عمومی متصدیان و واسطه‌های امور مسافرتی و مسافران

ماده ۳

در اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای ذکر شده در ماده ۱، متصدی امور مسافرتی و واسطه امور مسافرتی حافظ حقوق و منافع مسافر حسب اصول کلی حقوقی و عرفهای جاری هستند.





ماده ۴

در اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای مذکور در ماده اول، مسافر باید از جمله، تمام اطلاعات ضروری را که صریحاً از او خواسته شده ارائه دهد و مقررات مربوط به مسافرت یا اقامت یا هرگونه خدمات دیگری را رعایت نماید.

فصل سوم: قرارداد برنامه ریزی امور مسافرتی

ماده ۵

متصدی امور مسافرتی ملزم است بلیت مسافرتی با امضای خود را به مسافر بدهد. یک تمبر می‌تواند جایگزین امضا شود.

ماده ۶

۱. در بلیت مسافر نکات ذیل درج می‌شوند:

- محل و تاریخ صدور؛
- نام و نشانی برنامه ریز امور مسافرتی؛
- نام مسافر یا مسافران و اگر قرارداد توسط شخص دیگر منعقد شده نام این شخص؛
- محل و تاریخ شروع و پایان مسافرت و اقامت؛
- تمام نکات ضروری مربوط به حمل و نقل، اقامت و همچنین تمام خدمات جنبی که برای آن مبلغی پرداخت شده است؛
- ذکر حداقل مسافر لازم؛
- مبلغ کلی خدمات پیش‌بینی شده در قرارداد؛
- شرایط و اوضاع و احوالی که مسافر می‌تواند تقاضای فسخ قرارداد را بنماید؛
- شرط ارجاع به داوری حسب شرایط مقرر در ماده ۲۸؛
- ذکر اینکه در صورت عدم ذکر شرط خلاف، قرارداد تابع مقررات کنوانسیون حاضر است؛
- هرگونه مطالب دیگری که طرفین با توافق یکدیگر درج آن را لازم می‌دانند.

۲. در صورتی که تمام یا بخشی از موارد پیش‌بینی شده در بند اول در برنامه ارائه شده به مسافر درج شده باشد، می‌توان در بلیت مسافرتی تنها به دادن ارجاع به این برنامه اکتفا نمود. هرگونه تغییر در این برنامه باید در بلیت مسافرتی درج شود.

ماده ۷

۱. مندرجات بلیت مسافرتی حاکی از شرایط قرارداد است، مگر خلافش ثابت شود.

۲. اگر متصدی امور مسافرتی تعهدات خود حسب مواد ۵ و ۶ را نقض نماید، این امر به موجودیت یا اعتبار قرارداد تحت شمول این کنوانسیون لطمه نمی‌زند. متصدی امور مسافرتی پاسخگویی هرگونه خسارت ناشی از این تخلف است.

ماده ۸

جز در صورتی که طرفین طور دیگری تصریح نموده باشند، مسافر می‌تواند در مورد اجرای قرارداد شخص دیگری را جانشین خود نماید، به شرط اینکه شخص مذکور تعهدات خاص مربوط به مسافرت یا اقامت را اجرا نماید و مسافر تمام هزینه‌های انجام شده توسط متصدی امور مسافرتی در نتیجه این جانشینی از جمله مبالغ غیرقابل جبران پرداختی به اشخاص ثالث را به وی بپردازد.

ماده ۹

مسافر حق دارد قرارداد را کلاً یا بعضاً در هر زمان فسخ نماید، به شرط اینکه خسارات وارد شده به متصدی امور مسافرتی را حسب قانون ملی یا مقررات قراردادی جبران نماید.

ماده ۱۰

۱. متصدی امور مسافرتی می‌تواند قرارداد را بدون پرداخت غرامت کلاً یا بعضاً فسخ نماید، در صورتی که قبل یا در طی اجرای قرارداد موردی استثنایی پیش آید که متصدی امور مسافرتی در زمان انعقاد قرارداد قادر به پیش‌بینی آن نبوده و اگر چنین موردی را پیش‌بینی می‌کرد عقلاً از انعقاد قرارداد اجتناب می‌نمود.

۲. اگر تعداد حداقل افراد لازم برای انجام مسافرت به شرح پیش‌بینی شده در بلیت مسافرتی فراهم نشود، متصدی امور مسافرتی می‌تواند قرارداد را بدون پرداخت

تاریخ

۳۰۴

مهر و امضاء



غرامت فسخ نماید؛ البته به شرطی که این امر حداقل پانزده روز قبل از تاریخ پیش‌بینی شده برای شروع سفر یا اقامت به اطلاع مسافر برسد.

۳. در صورت فسخ قرارداد قبل از اجرای آن، متصدی امور مسافرتی باید کل مبلغ دریافتی از مسافر را به وی مسترد نماید. در صورت فسخ قرارداد حین اجرای آن، متصدی امور مسافرتی باید تمام اقدامات لازم را در جهت حفظ حقوق مسافر انجام دهد و به علاوه طرفین موظف‌اند متقابلاً و به طور منصفانه از یکدیگر جبران خسارت نمایند.

ماده ۱۱

۱. متصدی امور مسافرتی نمی‌تواند مبلغی از بابت افزایش قیمت‌ها مطالبه نماید، مگر اینکه این افزایش قیمت به علت تغییر در نرخ ارز یا تغییر در تعرفه متصدیان مسافرتی باشد و به شرطی که این امر در بلیت مسافرتی پیش‌بینی شده باشد.

۲. اگر افزایش قیمت کلی بیش از ده درصد باشد مسافر حق فسخ قرارداد را بدون پرداخت غرامت یا جبران دارد. در این صورت متصدی امور مسافرتی باید کلیه وجوه دریافتی از مسافر را به وی مسترد نماید.

ماده ۱۲

متصدی امور مسافرتی مسئول اعمال و تخلفات مأموران و نمایندگان حین انجام وظیفه می‌باشد، درست مثل اینکه خودش مرتکب این اعمال و تخلفات شده باشد.

ماده ۱۳

۱. متصدی امور مسافرتی پاسخگوی تمام خسارات وارد شده به مسافر در نتیجه عدم اجرای کلی یا جزئی تعهدات قراردادی یا کنوانسیون خود در مورد برنامه ریزی امور مسافرتی است، مگر اینکه ثابت نماید کلیه احتیاطهای لازم را به عنوان یک متصدی مسافرتی معمول داشته است.

۲. جدای از مسئله تعیین کسانی که حق اقدام دارند و حقوق مربوط به ایشان، غرامت پرداختی به مسافر حسب بند قبل محدود است به:

۵۰/۰۰۰ فرانک برای خسارات بدنی

۲۰/۰۰۰ فرانک برای خسارت مادی

۵/۰۰۰ فرانک برای سایر خسارات

با این حال هر دولت عضو می‌تواند محدودیت بیشتری را در مورد قراردادهای منعقدۀ از طریق مؤسسات واقع در قلمرو خود تعیین نماید.

ماده ۱۴

متصدی امور مسافرتی که خود خدمات مربوط به حمل، اقامت یا دیگر خدمات مربوط به سفر یا اقامت را ارائه می‌دهد، حسب مقررات حاکم بر این خدمات پاسخگوی هرگونه خسارات وارد شده به مسافر است.

ماده ۱۵

۱. متصدی امور مسافرتی که انجام خدمات مربوط به محل اقامت یا هرگونه خدمات مربوط به انجام مسافرت یا اقامت را به ثالثی محول می‌نماید، پاسخگوی تمام خسارات وارد شده به مسافر در نتیجه عدم اجرای کلی یا جزئی این خدمات حسب قواعد حاکم بر آنهاست.

همچنین وی مسئول خسارات وارد شده به مسافر ضمن ارائه خدمات است، مگر اینکه محرز شود متصدی امور مسافرتی احتیاط و مراقبت لازم را در انتخاب شخص مجری خدمات معمول داشته است.

۲. در صورتی که مقررات مورد اشاره در بند اول میزان غرامت عهده متصدی امور مسافرتی را تعیین ننموده باشد میزان غرامت حسب بند ۲ ماده ۱۳ تعیین می‌شود.

۳. اگر متصدی امور مسافرتی مبلغی را بابت خسارات وارد شده به مسافر به او پرداخته باشد در کلیه حقوق و دعاوی که مسافر می‌تواند علیه ثالث مسؤؤل داشته باشد جانشین و قائم مقام وی می‌شود. مسافر ملزم است تسهیلات لازم را برای متصدی امور مسافرتی در این مورد فراهم نماید و اسناد و اطلاعات لازم را در اختیار او قرار داده و در صورت لزوم حقوق خود را در این رابطه به وی واگذار نماید.

۴. مسافر حق اقامه دعوی مستقیم علیه ثالث در مورد پرداخت غرامات مربوط به کل خسارات وارده یا خسارات تکمیلی دارد.

مستند

۳۰۶

مستند



ماده ۱۶

مسافر پاسخگویی هرگونه تلف یا خساراتی است که با تقصیر خود و به علت عدم رعایت تعهدات ناشی از مقررات کنوانسیون حاضر یا قراردادهای حاکم به متصدی امور مسافرتی یا کسانی که حسب ماده ۱۲ برای وی کار می‌کنند و مسئولیتشان با اوست، وارد می‌نماید. تقصیر مسافر با توجه به رفتار معمول یک مسافر تحت بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

فصل چهارم: قرارداد واسطه در امور مسافرتی

ماده ۱۷

هرگونه قرارداد واسطه امور مسافرتی با متصدی امور مسافرتی یا با اشخاصی که خدمات مستقلی را ارائه می‌دهند، به عنوان قرارداد منعقد به وسیله مسافر تلقی می‌شود.

ماده ۱۸

۱. اگر قرارداد واسطه در امور مسافرتی با یک قرارداد مربوط به تصدی و برنامه‌ریزی امور مسافرتی مرتبط باشد، مشمول مقررات مواد ۵ و ۶ است و بعد از ذکر نام و نشانی متصدی امور مسافرتی باید نام و نشانی واسطه امور مسافرتی و اینکه وی به عنوان واسطه عمل می‌کند، قید شود.

۲. اگر قرارداد واسطه در امور مسافرتی در مورد ارائه خدمات مستقل در مورد یک سفر یا اقامت باشد واسطه امور مسافرتی باید به مسافر اسناد و مدارک مربوط به این خدمات را ارائه دهد. این اسناد باید به وسیله واسطه امضا شده باشند. البته می‌توان به جای امضا، تمبر الصاق نمود. در این اسناد یا فاکتور مربوط به آنها مبلغ پرداخت شده برای خدمات و اینکه قرارداد جز در صورت شرط خلاف مشمول مقررات کنوانسیون حاضر است، درج می‌شود.

ماده ۱۹

۱. مطالب مندرج در بلیت مسافرتی و دیگر اسناد مذکور در ماده ۱۸ حجت است و اجرامی شود مگر ثابت شود خلاف مفاد قرارداد هستند.

۲. اگر واسطه امور مسافرتی به تعهداتی که حسب ماده ۱۸ به عهده دارد عمل ننماید، این امر به موجودیت یا اعتبار قراردادی که تحت شمول کنوانسیون حاضر است لطمه نمی زند.

در صورت نقض تعهدات مندرج در بند ۱ ماده ۱۸ با واسطه امور مسافرتی مثل متصدی امور مسافرتی رفتار می شود.

در صورت نقض تعهدات مذکور در بند ۲ ماده ۱۸ واسطه امور مسافرتی باید تمام خسارات ناشی از این امر را جبران نماید.

ماده ۲۰

مسافر همواره حق دارد قرارداد را کلاً یا بعضاً فسخ نماید، به شرط اینکه خسارات واسطه امور مسافرتی را حسب قانون ملی یا مقررات قرارداد بپردازد.

ماده ۲۱

واسطه امور مسافرتی همان طور که مسئول اعمال و اشتباهات خود است در مورد اعمال و اشتباهات مأموران و نمایندگان در حین انجام وظایفشان نیز مسئولیت دارد.

ماده ۲۲

۱. واسطه امور مسافرتی در مورد هرگونه تقصیری که در اجرای تعهدات قراردادی اش مرتکب شود مسئول است. این تقصیر با توجه به وظایف محوله به یک واسطه امور مسافرتی محتاط مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۲. جدای از مسئله تشخیص و تعیین اشخاصی که حق اقدام دارند و حقوق آنها، غرامات مقرر در اجرای بند اول محدود است به ۱۰/۰۰۰ فرانک برای هر مسافر. با این حال، هر دولت عضو می تواند محدودیت بیشتری را در مورد قراردادهای منعقد شده به وساطت مؤسسات واقع در قلمروش تعیین نماید.

۳. واسطه امور مسافرتی مسئولیتی در مورد عدم اجرای کلی یا جزئی مسافرتها، اقامتها یا دیگر خدمات موضوع قرارداد ندارد.

ماده ۲۳

مسافر پاسخگوی خساراتی است که به علت تقصیر وی و در نتیجه عدم اجرای تعهدات مقرر در کنوانسیون حاضر یا قراردادهای مشمول کنوانسیون، به واسطه امور

تعمیر

۳۰۸

تعمیر



مسافرتی یا اشخاصی که وی حسب ماده ۲۱ پاسخگوی آنهاست، وارد شده است. تقصیر مسافر با توجه به عملکرد معمول یک مسافر مورد بررسی و ارزیابی واقع می‌شود.

فصل پنجم: مقررات عمومی

ماده ۲۴

فرانک مورد اشاره در این کنوانسیون فرانک طلاست به وزن ۱۰/۳۱ گرم و درجه خلوص ۹۰۰٪.

ماده ۲۵

در صورتی که خسارات ناشی از عدم اجرای کلی یا جزئی یک تعهد مقرر در کنوانسیون حاضر، طرح یک دعوی خارج قراردادی را موجب شود متصدی امور مسافرتی و واسطه امور مسافرتی می‌توانند از مقررات کنوانسیون حاضر که رافع مسئولیت ایشان است یا غرامات تحمیلی به آنها را تعیین یا محدود می‌نماید، استفاده کنند.

ماده ۲۶

اگر موضوع مسئولیت خارج قرارداد یکی از اشخاصی که متصدی امور مسافرتی یا واسطه امور مسافرتی حسب مواد ۱۲ تا ۲۱ پاسخگوی اعمال آنها هستند مطرح باشد، چنین شخصی نیز می‌تواند از مقررات کنوانسیون حاضر که از متصدی امور مسافرتی یا واسطه امور مسافرتی رفع مسئولیت کرده یا غرامات تحمیلی به آنها را تعیین یا محدود می‌نماید، بهره‌مند شود. کل مبلغ غرامت پرداختی در هر حال نباید از مقدار تعیین شده حسب کنوانسیون حاضر تجاوز نماید.

ماده ۲۷

۱. متصدی امور مسافرتی و واسطه امور مسافرتی نمی‌توانند به مقررات کنوانسیون حاضر که رافع مسئولیت هستند یا مبلغ غرامت را محدود می‌کنند استناد نمایند، در صورتی که مسافر ثابت نماید آنها یا کسانی که حسب مواد ۱۲ تا ۲۱

برایشان کار می‌کنند، با قصد ورود خسارت مرتکب تقصیری شده‌اند که موجب بروز خسارت شده یا به طور ضمنی پیامدهای خسارت‌بار و ممکن‌الحصول رفتار خود را به عمد نادیده گرفته‌اند یا اینکه اصولاً به نحو غیرقابل توجیهی از احتمال بروز چنین پیامدهای خسارت‌باری اطلاع نداشته‌اند.

۲. چنانچه مقررات خاص قانونی قابل اجرا باشد ارزیابی و بررسی تقصیر مذکور در بند ۱ به موجب این مقررات صورت خواهد گرفت.

۳. مقررات بندهای ۱ و ۲ در مورد مسئولیت خارج قراردادی اشخاص مذکور در مواد ۱۲ تا ۲۱ نیز جاری است، به شرط اینکه تقصیر پیش‌بینی شده در مواد یاد شده ناشی از عمل این اشخاص باشد.

ماده ۲۸

مقررات این کنوانسیون به حقوق و دعاوی مسافر علیه ثالث لطمه نمی‌زنند.

فصل ششم: مقررات دادرسی

ماده ۲۹

ممکن است قرارداد مسافرتی حاوی شرط اعطای صلاحیت به یک دادگاه داور باشد. البته باید تصریح شود که دادگاه داور مقررات این کنوانسیون را اجرا خواهد کرد.

ماده ۳۰

۱. دعاوی ناشی از یک قرارداد مسافرتی مشمول این کنوانسیون در مورد فوت، جراحات یا دیگر صدمات وارد شده به تمامیت جسمی یا روحی مسافر باید ظرف مدت ۲ سال از تاریخی که در قرارداد برای پایان خدمات (منجر به ایجاد اختلاف و دعوی) تعیین شده، مطرح شوند. با این حال، در صورت ورود جراحات یا دیگر صدمات به تمامیت جسمی یا روحی که پس از تاریخ تعیین شده برای پایان خدمات منجر به فوت مسافر شود مهلت از زمان فوت محاسبه می‌شود، ولی به هر حال این مهلت از ۳ سال پس از تاریخ تعیین شده برای پایان خدمات، تجاوز نخواهد نکرد.





۲. دعاوی ناشی از قرارداد مسافرتی مشمول مقررات این کنوانسیون که در خصوص موارد مطرح شده در بند قبل نیستند باید ظرف یک سال از تاریخ تعیین شده در قرارداد برای پایان خدمات، اقامه شوند.

فصل هفتم: بطلان شروط خلاف مقررات کنوانسیون

ماده ۳۱

۱. هر شرط مندرج در قرارداد که مستقیم یا غیرمستقیم متضمن عدول از مقررات کنوانسیون حاضر در مورد منافع مسافر باشد باطل است. بطلان چنین موردی موجب بطلان سایر موارد مندرج در قرارداد نخواهد بود.
۲. به ویژه هرگونه شرطی که حق استفاده از قرارداد بیمه منعقد شده به وسیله مسافر را به متصدی امور مسافرتی یا واسطه امور مسافرتی واگذار نماید یا موجب تغییر و جابه‌جایی بار اثبات دعوی شود، باطل است.

فصل هشتم: مقررات نهایی

ماده ۳۲

۱. هرگونه اختلاف بین دول عضو در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر که از طریق مذاکره قابل حل و فصل نیست، به درخواست یکی از آنها به داوری ارجاع خواهد شد.
۲. اگر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ درخواست ارجاع امر به داوری طرفین در مورد ترتیب انجام داوری به توافق نرسند، هریک از دولتها می‌توانند با تقدیم دادخواستی حسب مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری موضوع اختلاف را به این مرجع ارجاع نمایند.

ماده ۳۳

این کنوانسیون تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ برای امضای تمام دول عضو سازمان ملل متحد

یا اعضای یک مؤسسه تخصصی یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین هر دولت عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مفتوح است.

ماده ۳۴

کنوانسیون حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دولت بلژیک تسلیم خواهند شد.

ماده ۳۵

۱. هر یک از دول عضو یکی از دسته‌های تعیین شده در ماده ۳۳ می‌توانند به کنوانسیون ملحق شوند.
۲. اسناد مربوط به الحاق به دولت بلژیک تسلیم خواهند شد.

ماده ۳۶

۱. کنوانسیون حاضر ۳ ماه پس از تاریخ تسلیم پنجمین سند تصویب یا الحاق به مرحله اجرا در خواهد آمد.
۲. نسبت به هر دولت تصویب‌کننده کنوانسیون یا ملحق شده به آن بعد از تسلیم پنجمین سند تصویب یا الحاق، کنوانسیون ۳ ماه پس از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاقش به مرحله اجرا در خواهد آمد.

ماده ۳۷

هر دولت عضو می‌تواند در هر زمان پس از به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون نسبت به این دولت از آن کناره‌گیری نماید. با این حال، این کناره‌گیری تنها یک سال پس از وصول اعلامیه مربوط توسط دولت بلژیک منشأ اثر خواهد بود.

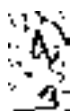
ماده ۳۸

- در مورد یک دولت فدرال یا دولت غیر واحد، مقررات زیر اجرا خواهند شد:
۱. در مورد مواد کنوانسیون حاضر که اجرایش منوط و مربوط به اقدام قانونگذاری قوه مقننه فدرال است، تعهدات دولت فدرال از این حیث همان تعهداتی است که دولت‌های غیر فدرال به عهده دارند.
 ۲. در مورد مواد کنوانسیون حاضر که اجرای آنها منوط و مربوط به اقدام قانونگذاری هر یک از دول، استانها یا کانتونهای عضو است که حسب قانون اساسی

مجلس شورای اسلامی

۳۱۲

مجلس شورای اسلامی



فدرال مجبور به قانونگذاری در این مورد نیستند، دولت فدرال در اسرع وقت و با اعلام نظر مساعد خود، مفاد مواد را به اطلاع مقامات صلاحیتدار دول، استانها یا کانتونها خواهد رساند.

۳. یک دولت فدرال عضو این کنوانسیون به درخواست هریک از دول عضو دیگر، شرحی از قوانین و رویه معمول در فدراسیون و واحدهای تشکیل دهنده خود در مورد هریک از مواد کنوانسیون ارائه خواهد نمود با ذکر اینکه تا چه حد با اقدام قانونگذاری یا سایر اقدامات، به مواد مذکور ترتیب اثر داده شده است.

ماده ۳۹

۱. هر دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، الحاق یا هر زمان بعد از آن، کتباً به دولت بلژیک اعلام نماید که کنوانسیون حاضر را نسبت به تمام سرزمینهایش یا بخشی از آنها که وی تصدی امور بین‌المللشان را عهده‌دار است، اجرا می‌نماید. کنوانسیون ۳ ماه پس از وصول چنین اعلامیه‌ای به وسیله دولت بلژیک در این سرزمینها قابل اجرا خواهد بود.

۲. هر دولت عضو که اعلامیه‌ای حسب مقررات بند اول صادر می‌کند همواره می‌تواند به دولت بلژیک اعلام نماید که کنوانسیون دیگر در سرزمینهای مورد بحث اعمال نمی‌شود. این خروج از کنوانسیون یک سال پس از وصول اعلامیه مربوط توسط دولت بلژیک منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۴۰

۱. هر دولت عضو می‌تواند هنگام امضا، تصویب کنوانسیون یا الحاق به آن، رزرو یا رزروهای زیر را قید نماید:
الف. اجرای کنوانسیون حاضر تنها بر قرارداد مسافرتی بین‌المللی که تمام یا بخشی از آن در کشوری متفاوت از کشور محل انعقاد قرارداد یا محل حرکت مسافر اجرا شده باشد.

ب. عدم تقید به بند ۲ ماده ۳۲ این کنوانسیون.

۲. رزروهای قید شده در بند قبل لازم نیست که بعداً به تأیید دیگر دول عضو

برسند.

۳. هر دولت عضو که رزروی را به شرح بند اول قید نموده همواره می تواند با تسلیم اعلامیه ای به دولت بلژیک از آن رجوع نماید. چنین رجوعی ۳ ماه پس از وصول اعلامیه مربوط منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۴۱

اجرای کنوانسیون حاضر ناقض کنوانسیونهای مربوط به حمل مسافران و وسایلشان یا اقامت، که یکی از دول عضو بدان پیوسته یا خواهد پیوست، نیست.

ماده ۴۲

هریک از دول عضو می تواند پس از ۵ سال از تاریخ به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون (چنان که در بند اول ماده ۳۶ عنوان شده)، درخواست برگزاری کنفرانسی را برای بررسی پیشنهادهای مربوط به تغییر و اصلاح کنوانسیون بنماید. هر دولت عضو که بخواهد از این اختیار استفاده نماید، مراتب را به اطلاع دولت بلژیک می رساند که این دولت در صورت موافقت $\frac{1}{3}$ اعضای کنوانسیون ظرف مدت ۱۲ ماه ترتیب تشکیل کنفرانس را خواهد داد.

ماده ۴۳

دولت بلژیک مراتب ذیل را به اطلاع دول ذی نفع خواهد رساند:

۱. موارد امضا، تصویب و الحاق که حسب مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۵ انجام شده اند.
۲. تاریخهای به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون حسب ماده ۳۶.
۳. موارد خروج از کنوانسیون حسب ماده ۳۷ و بند ۲ ماده ۳۹.
۴. اطلاعیه ها و اعلامیه های صادر شده در اجرای بند اول ماده ۳۹ و مواد ۴۰ و ۴۲.

بلژیک

۳۱۴

وزارت امور خارجه
بلژیک

۴. کنوانسیون حاوی قانون متحدالشکل
در مورد شکل یک وصیت نامه بین المللی
(واشنگتن ۲۶ اکتبر ۱۹۷۳)

ماده ۱

۱. هریک از دول عضو متعهد می شود حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ اجرای کنوانسیون حاضر نسبت به این کشور قواعد مربوط به وصیتنامه بین المللی به شرح مذکور در ضمیمه کنوانسیون حاضر را در قوانین خود بگنجاند.
۲. هریک از دول عضو می تواند مقررات ضمیمه این کنوانسیون را به صورت متن اصلی یا به صورت ترجمه آن به زبان یا زبانهای رسمی اش، در قوانین خود داخل کند.
۳. هریک از دول عضو می تواند کلیه مقررات تکمیلی لازم را برای اجرای کامل و مؤثر مقررات ضمیمه کنوانسیون در کشورش وضع کند.
۴. هریک از دول عضو، متن مقررات را که در سیستم حقوقی کشورش برای اجرای کنوانسیون حاضر وضع کرده، به دولت امین تقدیم می نماید.

ماده ۲

۱. هریک از دول عضو ظرف مدت مقرر در ماده پیشگفته علاوه بر داخل کردن مقررات ضمیمه کنوانسیون در سیستم قانونی خود مقام صلاحیتدار برای تنظیم صورت مجلس وصیتنامه های بین المللی در قلمروش را تعیین می کند. وی همچنین می تواند در مورد تنظیم وصیتنامه های بین المللی مربوط به اتباع، نماینده های سیاسی و

کنسولی خود در خارج را به عنوان مقام صلاحیتدار معرفی نماید، البته به شرطی که این امر مغایر با قانون محلی نباشد.

۲. دولت عضوی که مبادرت به این امر می نماید، دولت امین را از چنین انتخابی و همچنین هرگونه تغییر بعدی در این انتخاب مطلع می نماید.

ماده ۳

عنوان مقام صلاحیتدار برای تنظیم صورت مجلس مربوط به وصیتنامه بین المللی که حسب قانون یک دولت عضو اعطا شده، در قلمرو سایر دول عضو به رسمیت شناخته می شود.

ماده ۴

گواهی مقرر در ماده ۱۰ ضمیمه در قلمرو تمام دول عضو به رسمیت شناخته می شود.

ماده ۵

۱. شرایط لازم برای ادای شهادت در یک وصیتنامه بین المللی حسب قانونی که به موجب آن مقام صلاحیتدار انتخاب شده، تعیین می گردد. همین طور است در مورد مفسران احتمالی که دعوت می شوند.

۲. با این حال، صرف صفت خارجی بودن، مانعی برای ادای شهادت در جریان یک وصیتنامه بین المللی نیست.

ماده ۶

۱. امضاهای موصی، مقام صلاحیتدار و شهود، چه روی وصیتنامه بین المللی، چه روی گواهی، تابع هیچ قانون یا ترتیبات مشابه دیگر نیست.

۲. با این حال مقامات ذی صلاح هر یک از دول عضو می توانند در صورت لزوم از صحت و درستی امضای مقام صلاحیتدار اطمینان حاصل نمایند.

ماده ۷

نگهداری از وصیتنامه بین المللی تابع قانونی است که به موجب آن مقام صلاحیتدار تعیین شده است.

مجلس شورای عالی

۳۱۶

پرونده شماره ۱۰۰/۱۳۸۴



ماده ۸

هیچ رزروی نسبت به این کنوانسیون یا ضمیمه آن پذیرفته نمی شود.

ماده ۹

۱. کنوانسیون حاضر از ۲۶ اکتبر ۱۹۷۳ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ برای امضا مفتوح خواهد بود.
۲. کنوانسیون حاضر باید به تصویب برسد.
۳. اسناد تصویب به دولت ایالات متحده آمریکا که دولت امین محسوب می شود، تسلیم خواهند شد.

ماده ۱۰

۱. کنوانسیون حاضر همواره قابلیت پذیرش عضو را دارد.
۲. اسناد الحاق به دولت امین تسلیم خواهند شد.

ماده ۱۱

۱. کنوانسیون حاضر ۶ ماه پس از تاریخی که پنجمین سند تصویب یا الحاق به دولت امین تسلیم شود، به مرحله اجرا در خواهد آمد.
۲. در مورد هر دولتی که پس از تسلیم پنجمین سند تصویب یا الحاق، کنوانسیون را تصویب نموده یا بدان بپیوندد، کنوانسیون حاضر ۶ ماه پس از تسلیم سند مربوط به تصویب یا الحاق دولت مذکور به مرحله اجرا در خواهد آمد.

ماده ۱۲

۱. هر یک از دول عضو می تواند با اطلاعیه ای کتبی خطاب به دولت امین از کنوانسیون کناره گیری نماید.
۲. کناره گیری از کنوانسیون ۱۲ ماه پس از تاریخی که دولت امین اطلاعیه مربوط را دریافت می کند منشأ اثر خواهد بود، ولی این کناره گیری به اعتبار و صیتنامه هایی که در مدت اجرای کنوانسیون نسبت به دولت خارج شونده تنظیم گردیده اند، خدشه ای وارد نمی کند.

ماده ۱۳

۱. هر دولت عضو می تواند هنگام تسلیم سند تصویب یا الحاق یا هر زمان بعد از

آن طی اعلامیه‌ای خطاب به دولت امین اطلاع دهد که کنوانسیون حاضر بر تمام یا بخشی از سرزمینهایی که وی روابط بین‌المللی آنها را عهده‌دار است، قابل اجرا خواهد بود.

۲. این اطلاعیه ۶ ماه پس از وصول آن توسط دولت امین یا اگر در پایان این مهلت کنوانسیون هنوز به مرحله اجرا درنیامده است، از تاریخ به مرحله اجرا درآمدن آن، منشأ اثر خواهد بود.

۳. هریک از دول عضو که اطلاعیه‌ای به موجب بند ۱ این ماده صادر می‌کند، می‌تواند حسب مقررات ماده ۱۲، اجرای کنوانسیون را نسبت به تمام یا بخشی از سرزمینهای مربوط رد کند.

ماده ۱۴

۱. اگر دولتی دارای دو یا چند واحد سرزمینی است که در آنها سیستمهای حقوقی متفاوتی در مورد مسائل مربوط به شکل وصیتنامه‌ها اعمال می‌شود، چنین دولتی می‌تواند در هنگام امضا، تصویب یا الحاق اعلام نماید که کنوانسیون حاضر در مورد تمام واحدهای سرزمینی یا تنها در یک یا چند واحد سرزمینی وی اعمال می‌شود و همچنین می‌تواند هر زمان با صدور اعلامیه دیگری موضع قبلی خود را تغییر دهد.

۲. این اعلامیه‌ها به دولت امین تسلیم می‌شوند و به طور صریح واحدهای سرزمینی تحت پوشش مقررات کنوانسیون را معین می‌کنند.

ماده ۱۵

اگر یک دولت عضو دارای دو یا چند واحد سرزمینی با سیستمهای مختلف حقوقی در مورد مسائل مربوط به شکل وصیتنامه بین‌المللی است هرگونه ارجاعی به قانون داخلی محل تنظیم وصیتنامه یا به قانونی که به موجب آن مقام صلاحیتدار برای تنظیم صورت مجلس در مورد وصیتنامه‌های بین‌المللی انتخاب شده، مطابق سیستم مرکزی دولت مربوط مورد تفسیر قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۶

۱. اصل کنوانسیون حاضر به زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی (اعتبار یکسان دارند) نزد دولت امریکا سپرده می‌شود. این دولت رونوشتهای برابر اصل شده

مجلس شورای
وزارت امور خارجه

۳۱۸

مجلس شورای
وزارت امور خارجه



کنوانسیون را به هر دولت امضاکننده و ملحق شده و به مؤسسه بین‌المللی وحدت خصوصی خواهد داد.

۲. دولت امین به دول امضاکننده و ملحق شده و مؤسسه بین‌المللی وحدت خصوصی موارد زیر را اعلام خواهد نمود:

الف. هر مورد امضای کنوانسیون؛

ب. تقدیم هرگونه سند تصویب یا الحاق؛

ج. تاریخ به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون مطابق ماده ۱۱؛

د. تماسها و مکاتبات انجام شده در اجرای بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون حاضر؛

ه. هر اطلاعیه واصله حسب بند ۲ ماده ۲؛

و. هر اعلامیه‌ای که حسب بند ۲ ماده ۱۳ واصل شود و تاریخی که اعلامیه منشأ اثر خواهد بود؛

ز. هر اعلامیه مربوط به کناره‌گیری از کنوانسیون واصله به موجب بند ۱ ماده ۱۲ یا بند ۳ ماده ۱۳ و تاریخی را که این اعلامیه منشأ اثر خواهد بود.

ح. هر اعلامیه واصله مطابق بند ۲ ماده ۱۴ و تاریخی را که این اعلامیه منشأ اثر خواهد بود.

ضمیمه: قانون متحدالشکل در مورد شکل یک وصیتنامه بین‌المللی

ماده ۱

۱. اگر یک وصیتنامه به موجب مقررات مواد ۲ و ۵ این کنوانسیون تنظیم شده باشد از نظر شکلی معتبر است، صرف نظر از اینکه محل تنظیم، محل وقوع مال، تابعیت، اقامتگاه یا محل سکونت موصی در کجاست.

۲. بطلان یک وصیتنامه به عنوان وصیتنامه‌ای بین‌المللی تأثیری در اعتبار احتمالی آن از نظر شکلی به عنوان وصیتنامه‌ای از نوع دیگر ندارد.

ماده ۲

قانون حاضر در مورد شکل وصیتهایی که به وسیله ۲ یا چند نفر در یک وصیتنامه

واحد گنجانده شده، جاری نیست.

ماده ۳

۱. وصیتنامه باید به صورت کتبی باشد.
۲. لازم نیست که حتماً وصیتنامه توسط خود موصی تحریر شده باشد.
۳. وصیتنامه را می توان به هر زبانی نوشت؛ چه با دست، چه به طریقی دیگر.

ماده ۴

۱. موصی در حضور ۲ شاهد و یک مقام صلاحیتدار برای تنظیم صورت مجلس، اعلام می دارد که سند تنظیمی، وصیتنامه اوست و وی به مضمون آن آگاه است.
۲. موصی ملزم نیست شهود یا مقام صلاحیتدار را در جریان محتوای وصیتنامه قرار دهد.

ماده ۵

۱. موصی در حضور شهود و مقام صلاحیتدار وصیتنامه را امضا می کند، یا اگر آن را قبلاً امضا نموده امضای خود را تأیید و تصدیق می نماید.
۲. اگر موصی قادر به امضا نیست علت را به اطلاع مقام صلاحیتدار می رساند تا در وصیتنامه ذکر شود. به علاوه ممکن است حسب قانونی که به موجب آن مقام صلاحیتدار تعیین شده، به موصی اجازه داده شده باشد تا شخص دیگری را تعیین کند که به نام وی امضا نماید.
۳. شهود و مقام صلاحیتدار وصیتنامه را در حضور موصی امضا می کنند.

ماده ۶

۱. امضاها باید در ذیل وصیتنامه انجام شوند.
۲. اگر وصیتنامه در چند برگ باشد هر برگ باید توسط موصی امضا شود. در صورت عدم توانایی موصی به امضا، شخصی که از طرف او امضا می کند، یا اگر چنین شخصی در کار نیست، مقام صلاحیتدار امضا خواهد نمود. به علاوه هر برگ باید دارای شماره باشد.

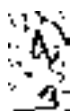
ماده ۷

۱. تاریخ وصیتنامه، تاریخ امضای مقام صلاحیتدار است.

تصدیق

۳۲۰

مقام صلاحیتدار



۲. این تاریخ باید در پایان وصیتنامه به وسیله مقام صلاحیتدار درج گردد.

ماده ۸

اگر قاعده‌ای امری در مورد نگهداری وصیتنامه وجود نداشته باشد مقام صلاحیتدار از موصی می‌خواهد در صورت تمایل، تکلیف نگهداری وصیتنامه‌اش را تعیین کند. در این صورت و در صورت درخواست صریح موصی، محلی که وی برای نگهداری وصیتنامه‌اش در نظر دارد، در گواهی مندرج در ماده ۹ ذکر می‌شود.

ماده ۹

مقام صلاحیتدار گواهی صادره حسب مقررات ماده ۱۰ حاکی از رعایت الزامات مقرر در این قانون را ضمیمه وصیتنامه خواهد نمود.

ماده ۱۰

گواهی که مقام صلاحیتدار تنظیم می‌کند باید به شکل ذیل یا شکل مشابهی باشد.

گواهی (کنوانسیون ۱۲۶ اکتبر ۱۹۷۳)

۱. این جانب (نام، نشانی و عنوان) که مقام صلاحیتدار برای تنظیم صورتمجلس وصیتنامه بین‌المللی هستم
 ۲. گواهی می‌نمایم که در تاریخ در محل
 ۳. موصی به نام به نشانی متولد در تاریخ در حضور من و شهود ذیل:
 ۴. الف. (نام - نشانی - تاریخ و محل تولد)
 - ب. (نام - نشانی - تاریخ و محل تولد)
- اعلام داشته که سند پیوست وصیتنامه اوست و محتوای آن را تصدیق می‌نماید.
۵. به علاوه گواهی می‌نمایم که:
 ۶. الف. در حضور من و شهود
۱. موصی وصیتنامه را امضا کرده و یا امضای قبلی خود را تأیید و تصدیق نموده است.
 ۲. موصی اعلام داشته که به دلایل زیر قادر به امضای وصیتنامه نیست:

- من در وصیتنامه توضیح داده‌ام.
- امضای انجام شده به وسیله (نام - نشانی).
۷. ب. شهود و خود من وصیتنامه را امضا نموده‌ایم.
۸. ج. هر برگ وصیتنامه به وسیله امضا و شماره گذاری شده است.
۹. د. از هویت موصی و شهود اطمینان حاصل نموده‌ام.
۱۰. هر دو شهود شرایط مقرر به وسیله قانونی که مرا صلاحیتدار دانسته، حایز هستند.

۱۱. و. موصی در مورد نگهداری وصیتنامه ترتیب ذیل را مقرر نموده است:
۱۲. محل.
۱۳. تاریخ.
۱۴. امضا و احیاناً مهر

ماده ۱۱

مقام صلاحیتدار نسخه‌ای از وصیتنامه را نزد خود نگه می‌دارد و یک نسخه آن را به موصی می‌دهد.

ماده ۱۲

گواهی مقام صلاحیتدار، مدرکی کافی بر اعتبار رسمی سند به عنوان وصیتنامه حسب قانون حاضر است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۳

نبود یا بی‌ترتیبی یک گواهی، تأثیری در اعتبار وصیتنامه‌ای که مطابق مقررات این این قانون تنظیم شده ندارد.

ماده ۱۴

وصیتنامه بین‌المللی، تابع قواعد معمول در مورد فسخ وصیتنامه است.

ماده ۱۵

برای تفسیر یا اجرای مقررات این قانون، مبنای بین‌المللی و ضرورت تفسیر متحدالشکل آن در نظر گرفته خواهد شد.

تفسیر

۳۲۲

تفسیر

۵. کنوانسیون مربوط به نمایندگی در بیع بین‌المللی کالاها (۱۹۸۳)

فصل اول: دامنه اجرا و مقررات کلی

ماده ۱

۱. کنوانسیون حاضر وقتی اجرا می‌شود که شخصی (نماینده) می‌تواند به حساب شخص دیگری (اصیل) یک قرارداد بیع بین‌المللی کالاها را با ثالثی منعقد نماید یا مدعی است که به این عنوان عمل می‌کند.
۲. این کنوانسیون نه تنها بر انعقاد چنین قراردادی به وسیله نماینده، بلکه بر هرگونه اعمال انجام شده به وسیله وی در جهت انعقاد یا در ارتباط با اجرای قرارداد مذکور حاکم است.
۳. این کنوانسیون تنها تنظیم‌کننده روابط اصیل یا نماینده از یک سو و شخص ثالث از سوی دیگر است.
۴. این کنوانسیون اجرا می‌شود، چه نماینده به نام خود عمل کند و چه به نام اصیل.

ماده ۲

۱. کنوانسیون حاضر وقتی اجرا می‌شود که مقر تجاری اصیل و ثالث در دو کشور متفاوت باشد و در صورتی که
الف. نماینده مقر تجاری اش در یکی از کشورهای عضو باشد، یا
ب. به موجب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی قانون یک کشور عضو قابل اجرا

باشد.

۲. اگر هنگام انعقاد قرارداد ثالث نمی دانست یا نمی توانست بداند که نماینده به این عنوان عمل می کند کنوانسیون تنها وقتی اجرا می شود که علاوه بر وجود شرایط مقرر در بند اول، نماینده و ثالث مقرر تجاریشان در کشورهای متفاوت باشد.
۳. تابعیت طرفین و خصیصه تجاری یا مدنی طرفین یا قرارداد بیع در اجرای کنوانسیون حاضر مؤثر نیستند.

ماده ۳

۱. کنوانسیون حاضر در موارد زیر اجرا نمی شود:
 - الف. اعمال نمایندگی توسط واسطه هایی که به طور حرفه ای عملیاتی را در بورس اوراق بهادار و کالاها انجام می دهند؛
 - ب. نمایندگی متصدیان حراج؛
 - ج. نمایندگی قانونی در حقوق خانواده، ازدواج و ارث؛
 - د. نمایندگی ناشی از صلاحیت قانونی یا قضایی برای اقدام از طرف اشخاص فاقد صلاحیت و شایستگی؛
 - ه. نمایندگی به موجب تصمیم یک مقام قضایی یا اداری که تحت نظارت مستقیم چنین مقامی صورت می گیرد.

ماده ۴

- در اجرای کنوانسیون:
- الف. یک بخش، مأمور یا شریک یک شرکت، اتحادیه، شراکت یا هر شخص دیگر اعم از اینکه دارای شخصیت حقوقی باشد یا نه، که به موجب اختیارات محوله قانونی یا اختیارات اعطا شده به موجب اساسنامه این شخص اقدام می کند، به عنوان نماینده او محسوب نمی شود.
 - ب. تراستی (امین) به عنوان نماینده تراست و شخص برقرارکننده تراست یا ذی نفع تلقی نمی شود.

ماده ۵

اصیل یا نماینده ای که طبق دستورات صریح یا ضمنی اصیل کار می کند می تواند با

مجلس

۳۲۴

کمیسیون



ثالث در مورد عدم اجرای کنوانسیون حاضر یا عدول از یکی از مقررات آن و یا تغییر آثار آن (البته با رعایت مقررات ماده ۱۱) توافق نماید.

ماده ۶

۱. در تفسیر کنوانسیون حاضر، خصیصه بین‌المللی و لزوم اجرای متحدالشکل آن، همچنین تأمین احترام به امر حسن نیت در تجارت بین‌الملل باید مد نظر واقع گردد.
۲. در مورد مسائل مربوط به موضوعات مشمول کنوانسیون حاضر که صریحاً در مورد آنها راه حل ارائه نشده، به موجب اصول کلی مبنای کنوانسیون یا (در صورت نبود چنین اصولی) به موجب قانون حاکم حسب مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی، عمل خواهد شد.

ماده ۷

۱. اصیل یا نماینده از یک سو، و ثالث از سوی دیگر ملزم به رعایت روشهای مورد توافق یا روش معمول در روابطشان خواهند بود.
۲. جز در مواردی که طرفین بر خلاف آن تراضی نموده باشند، این‌طور تلقی می‌شود که به طور ضمنی موافق‌اند بر روابطشان عرفی حاکم باشد که ایشان از آن مطلع بوده یا می‌باید مطلع باشند؛ عرفی که در تجارت بین‌الملل کاملاً شناخته شده است و به طور منظم به وسیله طرفین روابط نمایندگی در آن نوع خاص از تجارت مورد نظر اعمال می‌شود.

ماده ۸

- در اجرای کنوانسیون حاضر:
- الف. اگر یکی از طرفین بیش از یک مقر تجاری داشته باشد، مقری مورد نظر قرار می‌گیرد که رابطه مستحکم‌تر و بیشتری با قرارداد بیع دارد و این امر با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که طرفین هنگام انعقاد قرارداد از آنها اطلاع داشته یا در نظر گرفته‌اند، مورد بررسی واقع می‌شود.
 - ب. اگر یکی از طرفین مقر تجاری نداشته باشد، محل سکونت معمولی وی در نظر گرفته می‌شود.

فصل دوم: برقراری نمایندگی و حدود اختیارات نماینده

ماده ۹

۱. برگزیدن نماینده به وسیله اصیل ممکن است به طور صریح یا ضمنی باشد.
۲. نماینده می‌تواند هر گونه اقدامات لازم را در راستای اجرای مأموریتش بر حسب اوضاع و احوال انجام دهد.

ماده ۱۰

لازم نیست که اختیارات به طور کتبی اعطا یا تأیید شوند و رعایت هیچ گونه تشریفات شکلی نیز لازم نیست. این امر می‌تواند به هر طریقی ثابت شود؛ از جمله با شهادت شهود.

ماده ۱۱

اگر اصیل یا نماینده مقرر تجاریشان در کشور عضوی باشد که اعلامیه‌ای حسب ماده ۲۷ صادر نموده، مقررات مواد ۱۰ و ۱۵ از فصل چهارم که برای اعطای اختیارات، تصویب یا لغو اختیارات، فرمی غیر از شکل نوشته را تعیین می‌کند اجرا نمی‌شود. طرفین نمی‌توانند از مقررات بند حاضر عدول کرده یا آثار آن را تغییر دهند.

فصل سوم: آثار حقوقی اعمال انجام شده توسط نماینده

ماده ۱۲

وقتی که نماینده به حساب اصیل و در محدوده اختیاراتش عمل می‌کند و ثالث می‌دانسته یا می‌باید قاعداً به عنوان نمایندگی او آگاهی داشته باشد، اعمال نماینده مستقیماً اصیل و ثالث را متعهد می‌سازد، مگر اینکه بررسی اوضاع و احوال مثلاً با توجه به یک قرارداد دلالی معلوم شود که نماینده فقط قصد متعهد ساختن خودش را داشته است.

ماده ۱۳

۱. وقتی که نماینده به حساب اصیل و در محدوده اختیاراتش عمل می‌کند، اقداماتش فقط نماینده و ثالث را متعهد و مقید می‌سازد، به شرط اینکه:

مهر

۳۲۶

مهر



الف. ثالث از عنوان نماینده مطلع نبوده یا نمی توانسته مطلع باشد؛
ب. از اوضاع و احوال بر آید (مثلاً با توجه به یک قرارداد دلالتی) که نماینده قصدش تنها متعهد ساختن خودش بوده است.

۲. با این حال

الف. وقتی که نماینده در قبال اصیل تعهداتش را اجرا نمی کند یا نمی تواند اجرا کند به دلیل اینکه ثالث تعهداتش را انجام نمی دهد یا به هر دلیل دیگر، اصیل می تواند حقوقی را که از طریق نماینده تحصیل نموده علیه ثالث به کار برد و باید پاسخگوی تمام ایراداتی باشد که ثالث می تواند علیه نماینده عنوان کند.

ب. وقتی که نماینده تعهداتش را نسبت به ثالث اجرا نمی کند یا نمی تواند اجرا کند، ثالث می تواند حقوقی را که علیه نماینده دارد در مقابل اصیل اعمال نماید و در این صورت تمام دفاعیات و ایراداتی که نماینده می تواند علیه ثالث مطرح نماید و اصیل می تواند علیه نماینده مطرح کند، در مقابل ثالث قابل طرح است.

۳. حقوق ذکر شده در بند ۲ تنها وقتی قابل اجراست که قصد اعمال آنها به نماینده و همچنین حسب مورد به ثالث یا اصیل اعلام شده باشد. به محض اینکه ثالث یا اصیل چنین خطاری را دریافت کرد دیگر نمی تواند با هماهنگی نماینده، تعهدات خود را ساقط نماید.

۴. وقتی که نماینده تعهداتش را در قبال ثالث انجام نمی دهد یا قادر به انجام آن نیست به دلیل اینکه اصیل تعهدات خود را انجام نمی دهد، واسطه باید نام اصیل را به ثالث بگوید.

۵. وقتی که ثالث تعهدات قراردادی اش را در قبال نماینده انجام نمی دهد نماینده باید نام ثالث را به اصیل اطلاع دهد.

۶. اگر اوضاع و احوال نشان می دهد که ثالث اگر هویت اصیل را می دانست قرارداد را منعقد نمی کرد، اصیل نمی تواند حقوقی را که به وسیله نماینده به حساب او تحصیل شده علیه ثالث اعمال کند.

۷. یک نماینده می تواند حسب دستورات صریح یا ضمنی اصیل با ثالث در مورد عدول از بند ۲ یا تغییر آثار آن توافق نماید.

ماده ۱۴

۱. چنانچه نماینده خارج از حدود اختیاراتش عمل کرده باشد، اقداماتش اصیل و ثالث را متعهد نمی سازد.

۲. با این حال، وقتی که ثالث از رفتار اصیل منطقی و با حسن نیت استنباط می کند که نماینده اختیار عمل به حساب اصیل را دارد و در محدوده اختیاراتش عمل می کند، اصیل نمی تواند در برابر ثالث به اختیار نداشتن نماینده استناد نماید.

ماده ۱۵

۱. عملی که به وسیله یک نماینده بدون داشتن اختیار یا خارج از حدود اختیار انجام شده، ممکن است توسط اصیل تنفیذ شود. در این صورت، عمل مذکور همان آثاری را خواهد داشت که در صورت وجود اختیار از آن عمل پدید می آمد.

۲. اگر ثالث هنگام انجام عمل از سوی نماینده از اختیار نداشتن وی مطلع نبوده یا منطقی نمی توانسته از آن مطلع باشد، و قبل از تنفیذ اصیل، بلااثر بودن چنین تنفیذی را نسبت به خود اعلام کند، تعهدی نسبت به اصیل ندارد. اگر اصیل عمل نماینده را تنفیذ کند، ولی این تنفیذ ظرف مدت معقولی اعلام نشود، ثالث می تواند آثار تنفیذ را نسبت به خود نپذیرد، البته به شرطی که مراتب را فوری به اصیل اطلاع دهد.

۳. با این حال، زمانی که ثالث می دانسته یا می باید قاعداً بداند که نماینده اختیاری ندارد، نمی تواند قبل از انقضای مهلت توافق شده برای تنفیذ یا در صورت عدم تعیین مهلتی، قبل از مهلت معقولی که به وسیله ثالث تعیین شده است، از پذیرش آثار تنفیذ خودداری نماید.

۴. ثالث می تواند از پذیرش یک تنفیذ جزئی خودداری نماید.

۵. تنفیذ وقتی منشأ اثر است که به اطلاع ثالث برسد، یا هنگامی که ثالث خود به گونه ای از آن مطلع شده باشد.

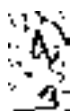
۶. تنفیذ معتبر تلقی می شود حتی اگر در زمان اعلام آن، اقدام مورد نظر به نحو معتبری قابل اجرا نباشد.

۷. وقتی عمل به حساب شخصی حقوقی قبل از تأسیس آن انجام شده، تنفیذ معتبر نیست مگر وقتی که به موجب قانون حاکم بر تأسیس آن، این تنفیذ پذیرفتنی باشد.

تفصیلاً

۳۲۸

تفصیلاً



۸. تنفیذ تابع هیچ شرط شکلی خاصی نیست و ممکن است به طور صریح باشد یا از رفتار اصیل بتوان به آن پی برد.

ماده ۱۶

۱. نماینده‌ای که بدون داشتن اختیار یا خارج از حدود اختیاراتش عمل می‌کند در صورت عدم تنفیذ، ملزم به پرداخت غرامت به ثالث است برای اینکه ثالث بتواند در همان موقعیتی قرار گیرد که در صورت اختیار داشتن نماینده یا عملکرد او در محدوده اختیاراتش، قرار می‌گرفت.
۲. با این حال اگر ثالث می‌دانسته یا قاعدتاً می‌باید بداند که نماینده اختیاری نداشته یا خارج از حدود اختیاراتش عمل می‌نماید، نماینده مسئولیتی نخواهد داشت.

فصل چهارم: پایان اختیارات نماینده

ماده ۱۷

- اختیارات نماینده در موارد زیر لغو می‌شود:
- الف. وقتی که اصیل و نماینده در این مورد توافق نمایند.
 - ب. با انجام کامل عملیات یا اقداماتی که اختیارات در آن موارد اعطا شده.
 - ج. با فسخ قرارداد از سوی اصیل یا انصراف نماینده؛ چه این امر با مفاد قراردادشان منطبق باشد یا نه.

ماده ۱۸

همچنین اختیارات نماینده وقتی که قانون آن را پیش‌بینی نموده باشد، لغو می‌شود.

ماده ۱۹

لغو نمایندگی نسبت به ثالث بی اثر است مگر اینکه احراز شود او این امر را می‌دانسته یا قاعدتاً می‌باید از خاتمه نمایندگی یا عوامل آن، مطلع باشد.

ماده ۲۰

در صورت لغو نمایندگی نماینده می‌تواند از طرف اصیل اقدامات لازم را برای جلوگیری از تضییع منافع وی انجام دهد.

ماده ۲۱

دولت سوئیس به عنوان دولت امین کنوانسیون حاضر برگزیده می شود.

ماده ۲۲

۱. کنوانسیون حاضر از زمان اختتام کار کنفرانس دیپلماتیک مربوط به نمایندگی در بیع بین المللی کالاها، برای امضا مفتوح خواهد بود و تمام دولتها تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۴ می توانند آن را امضا کنند.
۲. این کنوانسیون مورد تصویب، پذیرش یا تأیید دول امضاکننده قرار می گیرد.
۳. کلیه کشورهایی که کنوانسیون را امضا نکرده اند از زمانی که کنوانسیون برای امضا مفتوح شده می توانند بدان ملحق شوند.
۴. اسناد تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق باید به دولت سوئیس تسلیم شوند.

ماده ۲۳

این کنوانسیون بر یک قرارداد بین المللی در مورد موضوعات تحت پوشش کنوانسیون که قبلاً منعقد شده یا در حال انعقاد است مرجح نیست، به شرط اینکه اصیل و ثالث یا، در مورد مذکور در بند ۲ ماده ۲، نماینده و ثالث مقرر تجاریشان در کشورهای عضو این کنوانسیون باشد.

ماده ۲۴

۱. اگر در یک کشور عضو ۲ یا چند واحد سرزمینی وجود دارد که در آنها سیستمهای حقوقی متفاوت در خصوص موضوعات تحت پوشش کنوانسیون حاکم است، این کشور می تواند در زمان امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق اعلام نماید کنوانسیون حاضر در مورد تمام واحدهای سرزمینی اش اجرا می شود یا تنها بعضی از آنها را در بر می گیرد. چنین کشوری می تواند هر زمان با صدور اعلامیه جدیدی از موضع قبلی خود در این مورد عدول نماید.
۲. این اعلامیه ها به دولت امین تسلیم می شوند و به طور صریح معین کننده واحدهای سرزمینی تحت پوشش کنوانسیون هستند.
۳. اگر به موجب یک اعلامیه صادره حسب این ماده، کنوانسیون در یک یا تعدادی از واحدهای سرزمینی کشوری اعمال می شود و نه بر تمام قسمتهای آن، در صورتی

تصویب

۳۳۰

تصویب



که مقرر تجاری یک طرف در چنین کشوری در واحد سرزمینی تحت پوشش کنوانسیون نباشد، این مقرر واقع در یک کشور عضو محسوب نمی‌شود.

۴. اگر یک دولت عضو اعلامیه مذکور در بند ۱ این ماده را صادر نکند کنوانسیون در تمام قسمتهای این کشور اجرا خواهد شد.

ماده ۲۵

در صورتی که یک دولت عضو دارای سیستم حکومتی خاصی است که در آن قوای مجریه، قضائیه و مقننه بین مقامات مرکزی و دیگر مقامات این کشور تقسیم شده، امضا، تصویب، پذیرش یا تأیید کنوانسیون یا الحاق به آن یا یک اعلامیه صادره بچسب ماده ۲۴، در تقسیم‌بندی داخلی اختیارات در این کشور تأثیری نخواهد داشت.

ماده ۲۶

۱. دو یا چند دولت عضو که در موضوعات کنوانسیون قواعد حقوقی یکسان یا مشابهی را اعمال می‌کنند همواره می‌توانند اعلام کنند که اگر اصل و ثالث یا، در حالت مذکور در بند ۲ ماده ۲، نماینده و ثالث مقرر تجاریشان در این کشورها باشد کنوانسیون اجرایی شود. چنین اعلامیه‌هایی ممکن است به طور مشترک یا یک جانبه و یا متقابل صادر شوند.

۲. هر دولت عضو که در موضوعات کنوانسیون، مقررات حقوقی یکسان یا مشابه با چند کشور غیر عضو را اجرا می‌کند همواره می‌تواند اعلام نماید که اگر اصل و ثالث یا، در مورد مذکور در بند ۲ ماده ۲، نماینده و ثالث مقرر تجاریشان در این کشورها باشد، کنوانسیون اجرایی شود.

۳. وقتی دولتی که در مورد او اعلامیه‌ای بر مبنای بند قبل صادر شده بعداً عضو کنوانسیون شود، اعلامیه مذکور از تاریخ به اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به این دولت عضو جدید، حالت یک اعلامیه صادره حسب بند ۱ را پیدا می‌کند، به شرط اینکه دولت عضو جدید به این اعلامیه بپیوندد یا اعلامیه‌ای یک جانبه به طور متقابل صادر کند.

ماده ۲۷

هر دولت عضو که به موجب مقرراتش اعطای نمایندگی، تنفیذ یا لغو اختیارات

نماینده باید در تمام موارد تحت شمول کنوانسیون به صورتی کتبی باشد، همواره می‌تواند حسب ماده ۱۱ اعلام کند که اگر اصیل یا نماینده مقرر تجاریشان در این کشور باشد، مقررات مواد ۱۰، ۱۵ یا فصل چهارم که اعطای نمایندگی، تنفیذ یا لغو اختیارات را به صورتی غیر کتبی اجازه می‌دهند، اجرا نمی‌شوند.

ماده ۲۸

هر دولت عضو می‌تواند هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق اعلام دارد بند ۱ - ب ماده ۲ را نمی‌پذیرد.

ماده ۲۹

هر دولت عضو که تجارت خارجی اش کلاً یا در بعضی موارد منحصرأ توسط سازمانهای تخصصی مجاز انجام می‌شود همواره می‌تواند اعلام دارد که وقتی سازمانهای مذکور در تجارت خارجی به عنوان خریدار یا فروشنده عمل می‌کنند، تمام این‌گونه سازمانها یا سازمانهای ذکر شده در اعلامیه، در اجرای بندهای ۲ - ب و ۴ ماده ۱۳، در روابطشان با دیگر سازمانهایی که مقرر تجاریشان در همین کشور است به عنوان نماینده تلقی نخواهند شد.

ماده ۳۰

۱. هر دولت عضو همواره می‌تواند اعلام دارد که مقررات کنوانسیون حاضر را در موارد معینی که خارج از شمول آن قلمداد شده اند اعمال می‌کند.
۲. این اعلامیه می‌تواند مثلاً مقرر دارد که کنوانسیون به موارد زیر اجرا خواهد شد:
 - الف. هر قراردادی غیر از قرارداد بیع کالاها.
 - ب. مواردی که مقرهای تجاری مذکور در بند ۱ ماده ۲ در کشورهای عضو نباشند.

ماده ۳۱

۱. اعلامیه‌های صادره به موجب کنوانسیون حاضر در زمان امضا می‌باید در زمان تصویب، پذیرش یا تأیید قبول شوند.
۲. اعلامیه‌ها و تأیید اعلامیه‌ها باید به صورت کتبی بوده، رسماً به دولت امین ابلاغ شوند.
۳. اعلامیه‌ها از زمان اجرای این کنوانسیون نسبت به دولت عضو صادرکننده آن





قابل اجرا هستند. با این حال اعلامیه‌هایی را که دولت امین به طور رسمی بعد از این تاریخ دریافت نموده از اولین روز ماه، متعاقب انقضای ۶ ماه از زمان دریافت آنها توسط دولت امین منشأ اثر خواهند بود. اعلامیه‌های یک جانبه و دو جانبه صادره بر مبنای ماده ۲۶ از اولین روز ماه متعاقب انقضای ۶ ماه از تاریخ وصول آخرین اعلامیه به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهند بود.

۴. دولتی که اعلامیه‌ای را به موجب کنوانسیون حاضر صادر نموده همواره می‌تواند به موجب اعلامیه‌ای کتبی خطاب به دولت امین از آن رجوع نماید. این رجوع از تاریخ اولین روز ماه متعاقب انقضای ۶ ماه بعد از تاریخ وصول اعلامیه توسط دولت امین منشأ اثر خواهد بود.

۵. رجوع از یک اعلامیه حسب ماده ۲۶، از تاریخ اثرگذاری، کلیه اعلامیه‌های متقابل صادر شده به وسیله یک دولت دیگر به موجب همان ماده را از درجه اعتبار ساقط خواهد نمود.

ماده ۳۲

هیچ رزروی جز آنچه در کنوانسیون حاضر پیش‌بینی شده، قابل قبول نیست.

ماده ۳۳

۱. این کنوانسیون از اولین روز ماه بعد از انقضای ۱۲ ماه پس از تاریخ تقدیم دهمین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به مرحله اجرا در خواهد آمد.
۲. وقتی یک دولت کنوانسیون حاضر را بعد از تقدیم دوازدهمین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق تصویب نموده، می‌پذیرد یا تأیید می‌کند یا به آن می‌پیوندد، کنوانسیون از اولین روز ماه، متعاقب انقضای ۱۲ ماه پس از تاریخ تقدیم سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق در مورد این کشور قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۳۴

کنوانسیون حاضر زمانی اجرا می‌شود که نماینده پس از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون در کشور عضو مذکور در بند ۱ ماده ۲ پیشنهاد خرید یا فروش را مطرح می‌نماید یا پیشنهاد خرید یا فروش را می‌پذیرد.

ماده ۳۵

۱. هر دولت عضو می‌تواند با صدور اعلامیه‌ای رسمی و کتبی خطاب به دولت امین از کنوانسیون کناره‌گیری نماید.
۲. کناره‌گیری از کنوانسیون از اولین روز ماه، متعاقب انقضای ۱۲ ماه پس از تاریخ وصول اعلامیه مربوطه توسط دولت امین منشأ اثر خواهد بود. اگر در اعلامیه مدت زمان بیشتری برای تأثیرگذاری تصریح شده، کناره‌گیری از کنوانسیون پس از سپری شدن مدت مذکور بعد از تاریخ وصول اعلامیه به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهد بود.



بیت

۳۳۴

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۶. کنوانسیون وحدت قوانین در مورد قراردادهای بین‌المللی
اجاره به شرط تملیک^۱ (امضا شده در اتاوا در ۲۸ می ۱۹۸۸ که از اول
می ۱۹۹۵ به مرحله اجرا درآمده است)

مقدمه

دول عضو این کنوانسیون با آگاهی از اهمیت حذف موانع حقوقی قراردادهای بین‌المللی اجاره به شرط تملیک و ایجاد موازنه در منافع مختلف طرفین چنین عملیاتی، معتقدند قواعد حقوقی که معمولاً بر قراردادهای اجاره به شرط تملیک اعمال می‌شوند باید با خصوصیات روابط سه جانبه ناشی از این قراردادها هماهنگی داشته باشند؛ از این رو با توجه به لزوم وضع قواعد یکسان در مورد عملیات بین‌المللی اجاره به شرط تملیک خصوصاً در ارتباط با جنبه‌های حقوق مدنی و تجاری آن، بر موارد ذیل توافق نموده‌اند:

فصل اول: دامنه اجرا و قواعد عمومی

ماده ۱

۱. کنوانسیون حاضر بر عملیات اجاره به شرط تملیک مذکور در بند ۲ اعمال می‌شود که در چنین معامله‌ای یک طرف، اعتباردهنده (موجر)

1. Le Crédit - bail international.

الف. به درخواست طرف دیگر که اعتبارگیرنده (مستأجر)^۱ نامیده می شود قراردادى را با شخصى ثالثى (توليدکننده) منعقد می نماید که به موجب این قرارداد (قرارداد تهیه ملزومات) ثالث تجهیزات، کالا یا وسایلى را طبق دستور اعتباردهنده فراهم می نماید.

ب. قراردادى با اعتبارگیرنده منعقد می نماید (قرارداد اجاره به شرط تملیک) که به موجب آن به اعتبارگیرنده حق استفاده از کالا در برابر پرداخت اجاره داده می شود.
۲. عملیات اجاره به شرط تملیک مورد نظر در بند قبل دارای خصوصیات ذیل است:

الف. اعتبارگیرنده کالا و تجهیزات مورد نظر خود را بدون توجه خاص به توان و صلاحیت اعتباردهنده انتخاب می کند؛

ب. تحصیل مواد و تجهیزات به موجب قرارداد اجاره به شرط تملیک (منعده، یا در حال انعقاد بین اعتباردهنده و اعتبارگیرنده که تولیدکننده از وجود آن مطلع است) به عهده اعتباردهنده است؛

ج. اجاره‌های تصریح شده در قرارداد اجاره به شرط تملیک بر مبنای استهلاک بدهیهای مربوط به تمام یا بخش عمده قیمت کالا محاسبه می شوند.

۳. مقررات کنوانسیون حاضر اجرا می شوند صرف نظر از اینکه اعتبارگیرنده خود از همان ابتدای امر یا در مراحل بعدی، بتواند مواد را خریداری یا مجدداً اجاره نماید حتی با پرداخت قیمت یا اجاره‌ای صورتی، یا خیر.

۴. مقررات این کنوانسیون بر عملیتهای اجاره به شرط تملیک نسبت به هرگونه کالا بجز کالاهایی که اصولاً باید برای مصرف شخصی، خانوادگی یا داخلی اعتبارگیرنده مورد استفاده قرار گیرند، اجرا می شوند.

ماده ۲

در صورت وجود یک یا چند عملیات اجاره به شرط تملیک فرعى یا اجاره فرعى در مورد یک کالا، مقررات کنوانسیون حاضر بر هریک از آنها که عملیات اجاره به

1. Le Crédit - Preneuro.

تاریخ

۳۳۶

مهر و امضاء



شرط تملیک است و تحت پوشش این کنوانسیون قرار می‌گیرد، اعمال می‌شود و این طور تلقی می‌شود که شخصی که کالا را به اولین اعتباردهنده (با مشخصات مذکور در بند ۱ ماده قبل) داده، تولیدکننده است و همچنین قراردادی که به موجب آن چنین کالایی تحصیل شده قرارداد تهیه ملزومات است.

ماده ۳

۱. مقررات کنوانسیون حاضر در صورتی قابل اجراست که مقر تجاری اعتبارگیرنده و اعتباردهنده در کشورهای متفاوتی باشد و الف. این کشورها و کشور مقر تجاری تولیدکننده کشورهای عضو کنوانسیون باشند، یا

ب. بر قرارداد تهیه ملزومات و قرارداد اجاره به شرط تملیک، قانون یک کشور عضو حاکم باشد.

۲. در صورتی که یکی از طرفین عملیات اجاره به شرط تملیک بیش از یک مقر تجاری داشته باشد، مقری در نظر گرفته می‌شود که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط مورد نظر طرفین قبل یا همزمان با انعقاد قرارداد، رابطه نزدیک‌تری با قرارداد مورد بحث و اجرای آن دارد.

ماده ۴

الف. اینکه کالای مورد بحث جزئی از یک غیرمنقول یا نصب شده در آن باشد مانع از اجرای مقررات کنوانسیون حاضر نیست.

ب. مسائل پیشگفته و همچنین حقوق اعتباردهنده و دارندگان حقوق عینی در غیرمنقول، تابع قانون محل وقوع مال غیرمنقول است.

ماده ۵

۱. مقررات کنوانسیون حاضر جاری است مگر اینکه طرفین قرارداد تهیه ملزومات یا قرارداد اجاره به شرط تملیک بر عدم اجرای آن توافق نمایند.

۲. اگر اجرای کنوانسیون حسب بند قبل مستثنی نشده باشد، طرفین می‌توانند در روابط متقابلشان یک یا چند مقرره آن را در غیر از موارد پیش‌بینی شده در بند ۳ ماده ۸، بند ۳ (ب) و بند ۴ ماده ۱۳، کنار گذاشته یا تغییر دهند.

ماده ۶

۱. تفسیر مقررات کنوانسیون حاضر با توجه به موضوع، اهداف ذکر شده در مقدمه، خصیصه بین‌المللی کنوانسیون، ضرورت اجرای متحدالشکل آن و تأمین اصل حسن نیت در تجارت بین‌الملل، انجام می‌شود.
۲. مسائل مربوط به موضوعات تحت پوشش کنوانسیون که به صراحت در کنوانسیون راه حل آنها پیش‌بینی نشده است، به موجب قواعد و اصول کلی مبنای کنوانسیون و یا در نبود چنین قواعدی، به موجب قانون قابل اجرا حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، حل خواهند شد.

فصل دوم: حقوق و تعهدات طرفین

ماده ۷

۱. الف. حقوق عینی اعتباردهنده بر کالا در برابر هیأت تصفیه و بستانکاران اعتبارگیرنده، حتی طلبکارانی که دستور اجرایی قطعی یا موقتی در دست دارند، قابل اعمال و استناد است.
- ب. منظور از هیأت تصفیه در قسمت الف، مدیر تصفیه یا هر شخص دیگری است که اموال اعتبارگیرنده برای حفظ منافع بستانکاران در اختیار وی قرار داده شده است.
۲. در صورتی که حسب قانون حاکم، استناد به حقوق عینی اعتباردهنده علیه یکی از اشخاص مورد اشاره در بند قبل موکول به رعایت مقررات مربوط به اعلام و آیین مورد باشد، حقوق عینی مذکور تنها پس از تحقق شرایط مقرر به وسیله این مقررات قابل استناد خواهند بود.
۳. منظور از قانون حاکم در بند قبل، قانون کشوری است که وقتی شخص ذکر شده در بند ۱ حق استناد به قواعد مذکور در بند ۲ را دارد:
- الف. اگر موضوع مربوط به کشتیها یا قایقهای شماره شده است، کشتی یا قایق در آن کشور به نام صاحبش ثبت و شماره شده باشد. مستأجر کشتی به صورت لخت به

تفسیر

۳۳۸

شروط و مقررات



عنوان مالک تلقی نمی‌شود.

ب. اگر موضوع مربوط به هواپیماهای ثبت شده حسب کنوانسیون مربوط به هوانوردی خصوصی بین‌المللی^۱ منعقد در شیکاگو در ۷ دسامبر ۱۹۴۴ است، در آن کشور هواپیما به ثبت رسیده باشد.

ج. اگر موضوع مربوط به کالایی است که معمولاً از کشوری به کشور دیگر قابل انتقال است مثل موتورهای هواپیما، مقر اصلی اعتبارگیرنده در آن کشور باشد.

د. اگر موضوع مربوط به سایر کالاهاست، کشور محل وقوع مال باشد.

۴. مقررات بند ۲ لطمه‌ای به مقررات دیگر معاهدات منعقد در جهت به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق عینی اعتباردهنده بر کالا وارد نمی‌کند.

۵. این ماده در مورد طلبکاران زیر جاری نیست:

الف. دارندگان طلبهای ممتاز یا وثیقه منقول روی کالا (اعم از اینکه ناشی از قرارداد باشد یا نه) بجز طلبهایی که از یک دستور اجرایی قطعی یا موقتی سرچشمه گرفته‌اند.

ب. طلبکارانی که حق توقیف، تصرف و تصاحب، به طور خاص در مورد کشتیها، قایقها یا هواپیماها را به موجب قانون حاکم حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی دارند.

ماده ۸

۱. الف. جز در موارد تصریح شده در این کنوانسیون یا قرارداد اجاره به شرط تملیک، اعتباردهنده از مسئولیتهای مربوط به کالا نسبت به اعتبارگیرنده معاف است مگر در مواردی که ضرر وارد شده به اعتبارگیرنده به علت اعتماد وی به صلاحیت اعتباردهنده و مداخله وی در جریان انتخاب کالا، مشخصات آن یا تولیدکننده بوده باشد.

ب. اعتباردهنده، تحت این عنوان، در مقابل اشخاص ثالث از هرگونه مسئولیت ناشی از فوت و خسارات وارد شده توسط کالا به اشخاص و اموال معاف است.

1. La Convention relative à l'Aviation civile internationale.

ج. مقررات این بند شامل مسئولیت اعتباردهنده که دارای ۴ عنوان از جمله مالکیت است نمی باشد.

۲. اعتباردهنده در برابر اعتبارگیرنده در ارتباط با غصب یا ایجاد هرگونه مانعی در انتفاع و تصرف از ناحیه شخصی که حق مالکیت یا حق مرجّحی نسبت به کالا دارد یا شخصی که در جریان یک رسیدگی قضایی چنین حقی را تحصیل نموده باشد ضامن است؛ البته در صورتی که چنین حق یا ادعایی ناشی از فعل یا سهل انگاری خود اعتبارگیرنده نباشد.

۳. اگر حق یا ادعا ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی اعتباردهنده یا خطای شدید او باشد، طرفین نمی توانند از مقررات بند قبل عدول کرده یا آثار آن را تغییر دهند.

۴. مقررات بندهای ۲ و ۳ رافع تعهدات و تضمینات گسترده تر اعتباردهنده در برابر غصب یا هرگونه ایجاد مانع در استفاده از کالا، که حسب قانون حاکم به موجب مقررات حقوق بین الملل خصوصی به وی تحمیل می شود و غیر قابل عدول است، نمی باشد.

ماده ۹

۱. اعتبارگیرنده از کالا مواظبت و به طور معقول از آن استفاده و آن را به همان صورتی که تحویل گرفته حفظ می کند، البته با توجه به استهلاک طبیعی کالا و هرگونه تغییراتی که حسب توافق طرفین در آن داده می شود.

۲. در پایان مدت قرارداد اجاره به شرط تملیک، اعتبارگیرنده کالا را طبق مقرر بند قبل به اعتباردهنده پس می دهد، مگر اینکه اعتبارگیرنده کالا را خریداری یا اجاره آن را تجدید نموده باشد.

ماده ۱۰

۱. تعهدات تولیدکننده حسب قرارداد تهیه ملزومات می تواند توسط اعتبارگیرنده نیز مورد استناد قرار گیرد، درست مثل اینکه خود او طرف قرارداد بوده و کالا مستقیماً به وی تحویل داده شده است. با این حال، مسئولیت تولیدکننده در برابر اعتبارگیرنده و اعتباردهنده به یک صورت نیست.

۲. این ماده به اعتبارگیرنده حق فسخ یا ابطال قرارداد تهیه ملزومات را بدون رضایت اعتباردهنده نمی دهد.





ماده ۱۱

حقوق اعتبارگیرنده ناشی از قرارداد تهیه ملزومات به موجب کنوانسیون حاضر را نمی‌توان با تغییر یکی از شرایط قرارداد تهیه ملزومات که ابتدائاً به وسیله وی تأیید شده، ساقط نمود، البته به شرطی که خود اعتبارگیرنده با این تغییر موافق نباشد.

ماده ۱۲

۱. در صورت عدم تحویل کالا یا تحویل دیرتر از موعد یا تحویل کالایی غیر منطبق با قرارداد تهیه ملزومات:

الف. اعتبارگیرنده می‌تواند نسبت به اعتباردهنده، کالا را رد کند یا قرارداد اجاره به شرط تملیک را فسخ نماید؛

ب. اعتباردهنده [نیز] می‌تواند عدم اجرای تعهد خود مبنی بر تحویل کالا مطابق قرارداد تهیه ملزومات را جبران کند، در ست مثل اینکه اعتبارگیرنده کالا را از اعتباردهنده تحت همان شرایط قرارداد تهیه ملزومات خریده باشد.

۲. حقوق پیش‌بینی شده در بند قبل ایجاد و ساقط می‌شوند به همان ترتیب که اگر اعتباردهنده و اعتبارگیرنده قرارداد بیعی را تحت همان شرایط قرارداد تهیه ملزومات منعقد می‌کردند، عمل می‌شد.

۳. اعتبارگیرنده حق دارد از پرداخت مبلغ اجاره مندرج در قرارداد اجاره به شرط تملیک خودداری کند، تا زمانی که اعتباردهنده به تعهدات خود به تحویل کالا مطابق با قرارداد تهیه ملزومات عمل کند یا اینکه حق رد اعتبارگیرنده کالا را از دست بدهد.

۴. اگر اعتبارگیرنده قرارداد اجاره به شرط تملیک را فسخ نماید، می‌تواند تمام اجاره‌های پرداختی و دیگر مبالغ پرداختی به عنوان پیش‌پرداخت را پس‌گیرد؛ البته مبلغی معادل انتفاعی که به طور معقول از مال برده شده، کسر می‌شود.

۵. اعتبارگیرنده نمی‌تواند علیه اعتباردهنده هیچ دعوی دیگری از جهت عدم تحویل یا تحویل دیر کالا یا تحویل کالایی غیر منطبق با قرارداد مطرح کند، مگر این امور ناشی از فعل یا ترک فعل اعتباردهنده باشد.

۶. این ماده لطمه‌ای به حقوق اعتبارگیرنده حسب ماده ۱۰ در مقابل تولیدکننده

وارد نمی‌کند.

ماده ۱۳

۱. در صورت نقض قرارداد توسط اعتبارگیرنده، اعتباردهنده می‌تواند اجاره‌های قبلی و پرداخت نشده به انضمام خسارات تأخیر و عدم النفع را مطالبه کند.
۲. در صورت نقض اساسی اعتبارگیرنده و با لحاظ بند ۵، اعتباردهنده همچنین می‌تواند پرداخت پیش از موعد اجاره‌های قابل پرداخت را مطالبه کند مشروط بر اینکه در قرارداد اجاره به شرط تملیک این امر پیش‌بینی شده باشد، یا اینکه قرارداد اجاره به شرط تملیک را فسخ کند و پس از فسخ:
الف. کالا را متصرف شود؛
ب. [و] خسارت بگیرد، برای اینکه بتواند در همان وضعیتی قرار گیرد که اگر اعتبارگیرنده قرارداد اجاره به شرط تملیک را درست اجرا می‌کرد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت.
۳. الف. می‌توان در قرارداد اجاره به شرط تملیک ترتیب محاسبه خسارات قابل مطالبه را حسب بند ۲ (ب) مشخص نمود.
ب. این ترتیب بین طرفین لازم‌الاجراست، البته به شرطی که این امر به پرداخت مبلغی گزاف نسبت به خسارات پیش‌بینی شده در بند ۲ (ب) نینجامد. طرفین حق ندارند از مقررات این بند عدول کرده یا آثار آن را تغییر دهند.
۴. اگر اعتباردهنده قرارداد اجاره به شرط تملیک را فسخ نماید، دیگر نمی‌تواند به یکی از مواد چنین قراردادی که در آن پرداخت پیش از موعد اجاره‌های پرداختی قید شده استناد نماید. با این حال، مبلغ این اجاره‌ها را می‌توان برای محاسبه خساراتی که حسب بند ۲ (ب) و بند ۳ قابل مطالبه هستند، در نظر گرفت. طرفین حق ندارند از مقررات این بند عدول نموده یا آثار آن را تغییر دهند.
۵. اعتباردهنده نمی‌تواند الزام به پرداخت پیش از موعد اجاره‌ها را بخواهد و همچنین نمی‌تواند قرارداد اجاره به شرط تملیک را حسب بند ۲ فسخ کند، مگر اینکه به اعتبارگیرنده تا حد امکان فرصت جبران تخلفش را داده باشد.
۶. اگر اعتباردهنده کلیه اقدامات ضروری برای کاهش خسارات را انجام نداده باشد حق دریافت خسارت را ندارد.

تاریخ:

۳۴۲

مهر و امضاء:



ماده ۱۴

۱. اعتبار دهنده می‌تواند به تضمینات مربوط به کالا اکتفا نماید یا اینکه از تمام یا بخشی از حقوق خود روی کالا یا حقوق خود ناشی از قرارداد اجاره به شرط تملیک صرف‌نظر نماید.

این امر موجب رفع تعهدات اعتبار دهنده حسب قرارداد اجاره به شرط تملیک یا تغییر ماهیت آن یا تغییر رژیم حقوقی حاکم بر آن حسب مقررات کنوانسیون حاضر نمی‌گردد.

۲. اعتبار گیرنده می‌تواند حق استفاده از کالا یا هرگونه حقوق دیگر خود ناشی از قرارداد اجاره به شرط تملیک را انتقال دهد، به شرط اینکه اعتبار دهنده به این امر راضی باشد و به حقوق اشخاص ثالث نیز لطمه وارد نشود.

فصل سوم: مقررات نهایی

ماده ۱۵

۱. کنوانسیون حاضر در جلسه پایانی کنفرانس دیپلماتیک (برای تهیه طرح‌های کنوانسیون‌های وحدت قوانین در مورد قرارداد بین‌المللی خرید دین و قرارداد بین‌المللی اجاره به شرط تملیک) آماده امضا خواهد بود و تمام کشورها می‌توانند تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ در اتاوا آن را امضا نمایند.

۲. کنوانسیون حاضر به وسیله کشورهای امضاکننده مورد تصویب، پذیرش یا تأیید قرار می‌گیرد.

۳. از تاریخ افتتاح کنوانسیون برای امضای تمام کشورهایی که آن را امضا نکرده‌اند، می‌توانند به آن ملحق شوند.

۴. تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق پس از تسلیم سند مربوط به طور صحیح به دولت امین، منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۱۶

۱. کنوانسیون حاضر از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه پس از

تاریخ تسلیم سومین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به مرحله اجرا در می‌آید.
۲. در مورد کشورهایی که پس از تسلیم سومین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به کنوانسیون، آن را مورد تصویب، پذیرش و تأیید قرار می‌دهند یا بدان می‌پیوندند، کنوانسیون از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه پس از تاریخ تسلیم سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به مرحله اجرا در می‌آید.

ماده ۱۷

کنوانسیون حاضر بر هیچ یک از معاهدات منعقد شده قبلی یا در حال انعقاد برتری ندارد و مخصوصاً رافع مسئولیت تحمیل شده به اشخاص بر مبنای معاهدات موجود یا آینده نیست.

ماده ۱۸

۱. هر کشور عضوی که دارای ۲ یا چند واحد سرزمینی است که سیستمهای متفاوت حقوقی در خصوص موضوعات تحت پوشش این کنوانسیون را اعمال می‌نماید، می‌تواند در هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق اعلام نماید این کنوانسیون در تمام قلمروش یا تنها در بخشی از قلمروش اجرا خواهد شد و همچنین می‌تواند هر زمان هرگونه تغییر موضع در این رابطه را اعلام دارد.

۲. این اعلامیه‌ها که به دولت امین تسلیم می‌شوند، سرزمینهای تحت پوشش کنوانسیون را مشخص می‌نمایند.

۳. در صورتی که حسب اعلام پیشگفته کنوانسیون حاضر بر یک یا تعدادی از بخشهای سرزمین یک دولت طرف قرارداد و نه تمام آن قابل اجرا باشد و مقر تجاری یکی از طرفین در چنین کشوری و در مناطق خارج از شمول کنوانسیون باشد، این مقر در اجرای مقررات این کنوانسیون، داخل در قلمرو یک دولت طرف قرارداد محسوب نمی‌شود.

۴. اگر یک دولت عضو اعلامیه پیش‌بینی شده در بند یک را صادر نکند این کنوانسیون در تمام قلمرو آن اجرا شود.

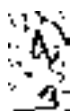
ماده ۱۹

۱. دو یا چند دولت عضو که در موضوعات تحت پوشش کنوانسیون قواعد

تاریخ

۳۴۴

مجلس شورای اسلامی



خصوصی یکسان یا مشابهی را اجرا می‌کنند، می‌توانند در هر زمان اعلام نمایند که چنانچه تولیدکننده، اعتباردهنده و اعتبارگیرنده مقررشان در این کشورها باشد مقررات این کنوانسیون اجرا نمی‌شود. چنین اعلامیه‌هایی را می‌توان به صورت مشترک یا جداگانه و متقابل صادر نمود.

۲. هر دولت عضو که در موضوعات تحت پوشش کنوانسیون قواعدی حقوقی یکسان یا مشابه با قواعد یک یا چند دولت غیر عضو را اجرا می‌کند، همواره می‌تواند اعلام دارد که اگر تولیدکننده، اعتباردهنده و اعتبارگیرنده مقررشان در این کشورها باشد، کنوانسیون قابل اجرا نیست.

۳. اگر دولتی که نسبت به او اعلامیه‌ای حسب بند قبل صادر شده بعداً به کنوانسیون ملحق شود، اعلامیه مذکور از زمان اجرای کنوانسیون نسبت به این دولت به منزله اعلامیه پیش‌بینی شده در بند ۱ تلقی خواهد شد؛ البته به شرطی که دولت عضو جدید در آن شرکت یا اعلامیه‌ای یک جانبه به صورت متقابل صادر نماید.

ماده ۲۰

یک دولت عضو می‌تواند در زمان امضا، تصویب، پذیرش، قبول یا الحاق اعلام نماید که اگر قوانین این کشور به اعتباردهنده اجازه ندهند که خود را از مسئولیت ناشی از خطا یا اهمالش معاف نماید، این قوانین را به جای مقررات کنوانسیون اعمال خواهد نمود.

ماده ۲۱

۱. این اعلامیه‌ها که حسب کنوانسیون حاضر در زمان امضای آن صادر می‌شوند باید در زمان تصویب، پذیرش یا تأیید کنوانسیون نیز مورد موافقت قرار گیرند.
۲. اعلامیه‌ها و تأیید اعلامیه‌ها باید به صورت کتبی بوده، رسماً به اطلاع دولت امین برسند.

۳. این اعلامیه‌ها از زمان اجرا شدن کنوانسیون نسبت به دولت عضو رسمیت می‌یابند. با این حال، اعلامیه‌هایی که بعد از این تاریخ به طور رسمی به دولت امین ابلاغ می‌شوند، از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه از زمان دریافت آنها به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهند بود، اعلامیه‌های یک جانبه و دوجانبه صادره

حسب ماده ۱۹ از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه پس از تاریخ دریافت اعلامیه به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهند بود.

۴. هر دولتی که حسب مقررات این کنوانسیون اعلامیه‌ای صادر می‌نماید، همواره می‌تواند با صدور اطلاعیه‌ای رسمی و کتبی به دولت امین از آن رجوع کند و این رجوع از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهد بود.

۵. رجوع از یک اعلامیه صادره بر حسب ماده ۱۹ از زمان اجرای کلیه اعلامیه‌های مشترک یا یک جانبه و متقابل صادره به وسیله یک دولت دیگر حسب همان ماده را از اعتبار ساقط می‌کند.

ماده ۲۲

درج هیچ رزروی جز موارد قید شده در کنوانسیون جایز نیست.

ماده ۲۳

مقررات این کنوانسیون در صورتی بر یک قرارداد بین‌المللی اجاره به شرط تملیک جاری است که این قرارداد و قرارداد تهیه ملزومات هر دو پس از اجرای کنوانسیون نسبت به کشورهای عضو مورد نظر در قسمت الف از بند ۱ ماده ۳ یا در کشور یا کشورهای عضو مورد نظر در قسمت ب بند ۱ این ماده، منعقد شده باشند.

ماده ۲۴

۱. هر یک از دول عضو می‌تواند پس از اجرا شدن کنوانسیون نسبت به وی از آن کناره‌گیری نماید.

۲. کناره‌گیری از کنوانسیون با تسلیم سندی در این مورد به دولت امین تحقق می‌یابد.

۳. کناره‌گیری از کنوانسیون از اولین روز ماه متعاقب یک دوره ۶ ماهه پس از تسلیم سند مربوط به دولت امین منشأ اثر خواهد بود. اگر در سند مذکور مدت طولانی‌تری برای رسمیت یافتن کناره‌گیری ذکر شده باشد، اعلامیه مبنی بر کناره‌گیری پس از انقضای مدت مورد نظر پس از تسلیم سند خروج به دولت امین، منشأ اثر خواهد بود.

تاریخ

۳۴۶

جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲۵

۱. کنوانسیون حاضر به دولت کانادا سپرده می شود.

۲. دولت کانادا:

الف. به تمام دول امضاکننده کنوانسیون یا ملحق شده به آن و رئیس مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی موارد ذیل را اطلاع می دهد:

۱. هر مورد امضای جدید یا تسلیم سند تصویب، پذیرش، قبول یا الحاق و تاریخ امضا یا تسلیم سند؛

۲. صدور هر اعلامیه‌ای حسب مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۰؛

۳. رجوع از اعلامیه انجام شده حسب بند ۴ ماده ۲۱؛

۴. تاریخ به مرحله اجرا درآمدن این کنوانسیون؛

۵. تسلیم هرگونه اسناد مربوط به خروج از کنوانسیون حاضر و همچنین تاریخ این تسلیم و رسمیت یافتن کناره‌گیری.

ب. کپی تأیید شده کنوانسیون حاضر را به تمام دول امضاکننده یا ملحق شده به کنوانسیون و همچنین به رئیس مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی ارسال می دارد.





پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني

۷. کنوانسیون و حدت قوانین در مورد قراردادهای بین‌المللی خرید دَین (۱۹۸۸)

مقدمه

دول عضو این کنوانسیون با آگاهی از اینکه قراردادهای بین‌المللی خرید دَین عامل مهمی در سیر تحولی تجارت بین‌المللی محسوب می‌شوند و در نتیجه ضرورت وضع قواعد متحدالشکلی برقرارکننده یک چارچوب حقوقی در جهت تسهیل قراردادهای بین‌المللی خرید دَین و ایجاد موازنه میان منافع طرفین آن، در مورد مقررات ذیل توافق نمودند:

فصل اول: دامنه عملکرد و مقررات عمومی

ماده ۱

۱. این کنوانسیون ناظر است بر قراردادهای مربوط به خرید دَین و انتقال مطالبات به شرح مندرج در این فصل.
۲. منظور از قرارداد خرید دَین مذکور در این کنوانسیون، قراردادی است منعقد شده بین تولیدکننده از یک سو و مؤسسه خریدار دَین (از این پس، انتقال‌گیرنده نامیده می‌شود) از سوی دیگر. به موجب چنین قراردادی:
الف. تولیدکننده می‌تواند یا باید مطالباتش ناشی از قراردادهای فروش کالا با

مشتریانش (بدهکاران) را به انتقال‌گیرنده واگذار نماید (البته غیر از قراردادهای مربوط به خرید کالا برای مصارف شخصی، فامیلی یا داخلی).

ب. انتقال‌گیرنده باید لااقل دو مورد از موارد ذیل را عهده‌دار شود:

- تأمین مالی تولیدکننده خصوصاً از طریق قرض یا پیش پرداخت؛

- اداره حسابهای مربوط به مطالبات؛

- وصول مطالبات؛

- اقدام تأمینی و حمایتی برای حفظ منافع تولیدکننده در مقابل عدم پرداخت بدهکاران.

ج. موضوع واگذاری مطالبات باید به بدهکاران اطلاع داده شود.

۳. در این کنوانسیون مقررات حاکم بر کالاها و فروش آنها بر خدمات و پرداختهای مربوط به آن نیز اعمال می‌شود.

۴. در اجرای کنوانسیون حاضر:

الف. اطلاعیه کتبی نیاز به امضا ندارد، ولی باید ذکر شود به وسیله و به نام چه کسی صادر شده است.

ب. «اطلاعیه کتبی» می‌تواند به صورت تلگرام، تلکس یا هرگونه وسایل ارتباطی که طبیعتاً آثار مادی داشته باشد، صادر شود.

ج. یک اطلاعیه کتبی وقتی صادر شده محسوب است که به مخاطب رسیده باشد.

ماده ۲

۱. مقررات این کنوانسیون زمانی اجرا می‌شود که طلبهای واگذار شده به موجب قرارداد خرید دَین از یک قرارداد بیع کالا میان یک تولیدکننده و یک بدهکار که مقر تجاریشان در کشورهای متفاوت است، سرچشمه گرفته باشد و

الف. این کشورها و همچنین کشور مقر تجاری انتقال‌گیرنده عضو کنوانسیون باشند.

ب. [یا اینکه] قرارداد بیع کالا و قرارداد خرید دَین تابع قانون یک کشور عضو باشند.

۲. در صورتی که طرفین بیش از یک مقر تجاری داشته باشند، مقری در نظر گرفته می‌شود که ارتباط مستحکم‌تر و مستقیم‌تری با قرارداد و اجرای آن دارد و این امر با

مهر

۳۵۰

مهر



توجه به اوضاع و احوال یا شرایط مورد نظر طرفین در زمان قبل از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن تشخیص داده می‌شود.

ماده ۳

مقررات کنوانسیون حاضر ممکن است اجرا نشوند اگر:
 الف. طرفین قرارداد خرید دَین مایل به اجرای آن نباشند؛
 ب. [یا] طرفین قرارداد بیع کالا در مورد مطالبات ایجاد شده هم‌زمان یا بعد از صدور اطلاعیه کتبی مبنی بر عدم اجرای مقررات کنوانسیون به انتقال‌گیرنده، آن را قابل اجرا ندانند.

ماده ۴

۱. هنگام تفسیر این کنوانسیون، موضوع، اهداف (به شرح ذکر شده در مقدمه)، خصیصه بین‌المللی و ضرورت اجرای متحدالشکل آن و همچنین احترام به حسن نیت در تجارت بین‌الملل، در نظر گرفته می‌شوند.
 ۲. مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که در کنوانسیون به صراحت راه حل آنها عنوان نشده، براساس اصول کلی مبنای کنوانسیون و در صورت نبود چنین اصولی، براساس قانون تعیین شده به وسیله قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حل خواهند شد.

فصل دوم: حقوق و تکالیف طرفین

ماده ۵

در روابط بین طرفین قرارداد خرید دَین:
 الف. ذکر شرطی در قرارداد خرید دَین مبنی بر واگذاری مطالبات موجود یا آینده معتبر است، حتی اگر مطالبات یک به یک مشخص نشده باشند، البته به شرطی که این مطالبات هنگام انعقاد قرارداد یا ایجادشان قابل تعیین باشند.
 ب. درج شرطی در قرارداد خرید دَین مبنی بر واگذاری مطالبات آینده، موجب انتقال مطالبات به انتقال‌گیرنده به محض ایجادشان خواهد بود و به اقدام جدیدی در

مورد انتقال نیاز نیست.

ماده ۶

۱. واگذاری طلب به وسیله تولیدکننده به انتقال‌گیرنده قابل تحقق است صرف‌نظر از هر قرارداد منعقد شده میان تولیدکننده و بدهکار که چنین واگذاری را منع کرده باشد.
۲. با این حال چنین واگذاری در رابطه با بدهکاری که در زمان انعقاد قرارداد بیع کالا، مقرر تجاری‌اش در کشور عضو بوده که اعلامیه پیش‌بینی شده در ماده ۱۸ این کنوانسیون را صادر نموده منشأ اثر نخواهد بود.
۳. مقررات بند ۱ تعهدات با حسن نیت تحمیل شده به تولیدکننده توسط بدهکار یا هرگونه مسئولیت تولیدکننده در مقابل بدهکار ناشی از واگذاری انجام شده برخلاف شرایط مقرر در قرارداد بیع کالا را ساقط نمی‌کند.

ماده ۷

در روابط طرفین قرارداد خرید دین این قرارداد می‌تواند به نحو معتبری انتقال (مستقیم یا با یک اقدام حقوقی جدید) تمام یا بعضی از حقوق تولیدکننده ناشی از بیع کالاها را پیش‌بینی نماید؛ از جمله استفاده از مقررات قرارداد بیع که مالکیت کالاها را برای تولیدکننده محفوظ نگه می‌دارد یا هرگونه تضمین دیگری برایش برقرار می‌نماید.

ماده ۸

۱. بدهکار ملزم به پرداخت به انتقال‌گیرنده است، در صورتی که از وجود یک حق ممتاز مطلع نبوده و اطلاعیه کتبی مبنی بر واگذاری:
 - الف. به وسیله تولیدکننده یا انتقال‌گیرنده (به موجب اختیاری که تولیدکننده به انتقال‌گیرنده در این مورد داده است)، به بدهکار داده شده باشد.
 - ب. به صراحت مطالبات واگذار شده و شخص انتقال‌گیرنده را که بدهکار باید به وی یا به حساب او پرداخت نماید، مشخص نموده باشد.
 - ج. مربوط باشد به مطالبات ناشی از یک قرارداد بیع کالا که قبل یا هم‌زمان با اطلاعیه، منعقد شده است.
۲. اگر بدهکار طبق بند قبل، بدهی خود را به انتقال‌گیرنده بپردازد ببری‌الذمه می‌شود؛ البته این امر به معنای بی‌اعتباری دیگر راههای پرداخت که موجب برائت

تولیدکننده

۳۵۲

مقررات این کنوانسیون

ذمه می شوند نیست.

ماده ۹

۱. در صورتی که انتقال‌گیرنده درخواست پرداخت یک طلب ناشی از قرارداد بیع کالا را بنماید، بدهکار می‌تواند در دفاع از خود (از جهت عدم پرداخت) به کلیه دلایل و مدارک مربوط به قرارداد که در صورت طرح چنین درخواستی از سوی خود تولیدکننده می‌توانست بدانها استناد نماید، متوسل شود.
۲. همچنین بدهکار می‌تواند حقوق مربوط به دریافت غرامت ناشی از حقوق و دعاوی موجود علیه تولیدکننده‌ای را که طلب به نفع او ایجاد شده و در زمان صدور اعلامیه کتبی واگذاری حسب بند ۱ ماده ۸ می‌توانسته مطالبه کند، علیه انتقال‌گیرنده مورد استناد قرار دهد.

ماده ۱۰

۱. با حفظ حقوق اعطایی به بدهکار حسب ماده ۹، در صورت عدم اجرا یا اجرای نادرست یا دیر هنگام قرارداد بیع کالا، بدهکار نمی‌تواند استرداد مبالغ پرداختی از انتقال‌گیرنده را بخواهد، مشروط بر اینکه بتواند مبالغ مذکور را از تولیدکننده بگیرد.
۲. با این حال بدهکار که چنین حق رجوعی را علیه تولیدکننده دارد، می‌تواند وجوه پرداختی به انتقال‌گیرنده را پس بگیرد، در صورتی که:
الف. انتقال‌گیرنده به تعهد خود در مورد پرداخت مبالغ اخذ شده به تولیدکننده اقدام ننموده باشد.
ب. انتقال‌گیرنده در زمانی پرداخت را انجام داده باشد که از عدم اجرا یا اجرای نادرست یا دیر هنگام قرارداد بیع مربوط به کالایی که قیمت آنها را از بدهکار اخذ نموده، توسط تولیدکننده اطلاع داشته است.

فصل سوم: واگذاریه‌های بعدی

ماده ۱۱

۱. وقتی که یک تولیدکننده طلب خود را به موجب یک قرارداد خرید دین تحت



حاکمیت کنوانسیون حاضر، به یک انتقال‌گیرنده واگذار می‌نماید:

الف. با رعایت شرایط مقرر در قسمت ب این بند، مقررات مواد ۵ تا ۱۰ بر هرگونه واگذاری بعدی طلب انتقال‌گیرنده یا انتقال‌گیرندگان دیگر حاکم است.

ب. مقررات مواد ۸ تا ۱۰ جاری است. واگذار شونده جانشین مثل انتقال‌گیرنده اولیه تلقی خواهد شد.

۲. در اجرای مقررات این کنوانسیون اعلام واگذاری بعدی به بدهکار، اعلام واگذاری به مؤسسه انتقال‌گیرنده اولیه هم تلقی می‌شود.

ماده ۱۲

اگر در یک قرارداد خرید دین، واگذاری بعدی ممنوع شده باشد مقررات کنوانسیون حاضر در مورد واگذاری جدید اعمال نمی‌شود.

فصل چهارم: مقررات نهایی

ماده ۱۳

۱. کنوانسیون حاضر در پایان کنفرانس دیپلماتیک منعقد شده برای تهیه طرح کنوانسیونهای وحدت قوانین در مورد قراردادهای بین‌المللی خرید دین و قراردادهای بین‌المللی اجاره به شرط تملیک برای امضا مفتوح خواهد بود و تمام کشورها می‌توانند تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ آن را امضا نمایند.

۲. کنوانسیون حاضر باید مورد تصویب، پذیرش یا تأیید دول امضاکننده واقع شود.

۳. دولتهایی که کنوانسیون را امضا نکرده‌اند می‌توانند بعد از مفتوح شدن بدان ملحق شوند.

۴. تصویب، پذیرش، تأیید کنوانسیون یا الحاق به آن با تسلیم سند مربوط به شکل قانونی و درست به دولت امین منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۱۴

۱. کنوانسیون حاضر از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه از تاریخ

تصویب

۳۵۴

کنوانسیون
حقوق بین‌الملل



تسلیم سومین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به مرحله اجرا در می آید.
۲. برای تمام کشورهایی که پس از تسلیم سومین سند تصویب، پذیرش، تأیید کنوانسیون یا الحاق آن را تصویب یا تأیید نموده و یا بدان ملحق می شوند، کنوانسیون از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه از زمان سپردن سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به مرحله اجرا در می آید.

ماده ۱۵

این کنوانسیون مانع اجرای معاهدات امضا شده قبلی یا در حال انعقاد نیست.

ماده ۱۶

۱. هریک از دول عضو که دارای دو یا چند واحد سرزمینی با سیستمهای حقوقی متفاوت است در مورد موضوعات تحت پوشش این کنوانسیون می تواند در زمان امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق اعلام نماید که کنوانسیون بر تمام واحدهای سرزمینش یا تنها در یک یا چند واحد آن اجرا خواهد شد. چنین دولتی می تواند هر زمان با صدور اعلامیه ای جدید، موارد اعلام شده قبلی را تغییر دهد.

۲. اعلامیه های مربوط به دولت امین تسلیم می شوند و در آنها واحدهای سرزمینی تحت پوشش کنوانسیون مشخص می گردند.

۳. اگر به موجب اعلامیه های صادره حسب این ماده کنوانسیون تنها بر یک یا چند واحد سرزمینی یک کشور عضو اجرا شوند و نه بر تمام قسمتهای آن و مقرر تجاری یکی از طرفین در داخل چنین کشوری باشد، اگر این مقرر در واحد سرزمینی تحت پوشش کنوانسیون واقع نشده باشد، خارج از قلمرو یک دولت عضو تلقی خواهد شد.

۴. اگر دولتی اعلامیه مقرر در بند اول را صادر ننماید این کنوانسیون بر تمام قلمرو آن اعمال می شود.

ماده ۱۷

۱. دو یا چند کشور عضو که در موضوعات تحت شمول این کنوانسیون قواعد حقوقی یکسان یا مشابهی را اعمال می نمایند، می توانند در هر زمان اعلام کنند که اگر تولیدکننده، انتقال گیرنده و بدهکار مقرر تجاریشان در این کشورها باشد مقررات این

کنوانسیون جاری نمی‌شود. چنین اعلامیه‌هایی ممکن است به طور مشترک یا یک جانبه و متقابل صادر شوند.

۲. هر کشور عضو که در موضوعات تحت پوشش کنوانسیون قواعد حقوقی یکسان یا مشابه با قواعد یک یا چند کشور غیر عضو دارد، می‌تواند در هر زمان اعلام نماید در مواردی که تولیدکننده، انتقال‌گیرنده و بدهکار مقرر تجاریشان در این کشورهاست، مقررات کنوانسیون اجرا نمی‌شود.

۳. اگر کشوری که در موردش اعلامیه‌ای حسب ماده قبل صادر شده متعاقباً عضو کنوانسیون شود، بر اعلامیه ذکر شده از زمانی که کنوانسیون در مورد آن کشور عضو جدید به مرحله اجرا در می‌آید، آثار مذکور در بند ۱ بار خواهد شد، به شرطی که کشور عضو جدید بدان پیوندد یا متقابلاً اعلامیه یک جانبه‌ای صادر نماید.

ماده ۱۸

یک کشور عضو می‌تواند در هر زمان حسب بند ۲ ماده ۶ اعلام نماید یک واگذاری انجام شده حسب بند ۱ ماده ۶ در مورد بدهکاری که در زمان انعقاد قرارداد بیع مقرر تجاریش در این کشور است، اثری ندارد.

ماده ۱۹

۱. اعلامیه‌هایی که به موجب کنوانسیون در زمان امضای آن صادر می‌شوند باید هنگام تصویب، پذیرش یا تأیید نیز پذیرفته شوند.
۲. اعلامیه‌ها و تأیید اعلامیه‌ها به صورت کتبی بوده، رسماً به دولت امین تسلیم می‌شوند.

۳. اعلامیه‌ها از تاریخ به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون حاضر نسبت به دولت اعلام‌کننده منشأ اثر خواهند بود. با این حال، اعلامیه‌هایی که دولت امین آنها را رسماً پس از این تاریخ دریافت می‌نماید از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه از زمان دریافت آنها به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهند بود. اعلامیه‌های یک جانبه و متقابل که حسب ماده ۱۷ صادر می‌شوند در اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه پس از تاریخ وصول آخرین اعلامیه به وسیله دولت امین منشأ اثر خواهند بود.
۴. دولتی که اعلامیه‌ای حسب مقررات کنوانسیون حاضر صادر نموده، می‌تواند در

تصویب

۳۵۶

تأیید



هر زمان به وسیله اعلامیه رسمی و کتبی خطاب به دولت امین از آن رجوع نماید. این رجوع از اولین روز ماه متعاقب انقضای یک دوره ۶ ماهه پس از تاریخ وصول اعلامیه مربوطه توسط دولت امین منشأ اثر خواهد بود.

۵. رجوع از اعلامیه صادره حسب ماده ۱۷ از تاریخ تأثیرگذاری، هرگونه اعلامیه مشترک یا یک جانبه یا متقابل صادره به وسیله یک دولت دیگر حسب همان ماده را نسبت به دولت رجوع‌کننده از درجه اعتبار ساقط می‌کند.

ماده ۲۰

هیچ رزروی جز آنچه به صراحت در این کنوانسیون مجاز شمرده شده پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۲۱

کنوانسیون حاضر وقتی اجرامی شود که مطالبات واگذار شده به موجب یک قرارداد خرید دَین ناشی از یک قرارداد بیع کالا باشد که بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون در کشورهای عضو مورد اشاره در قسمت الف بند ۱ ماده ۲ یا در کشور یا کشورهای عضو مورد اشاره در قسمت ب بند ۱ همین ماده منعقد شده باشد، به شرطی که:

الف. قرارداد خرید دَین بعد از این تاریخ منعقد شده باشد؛

ب. طرفین قرارداد خرید دَین با اجرای کنوانسیون موافق باشند.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

۸. کنوانسیون و حدت قوانین در مورد اموال فرهنگی که به سرقت رفته یا به طور غیرقانونی خارج شده‌اند (۱۹۹۵)

فصل اول: دامنه اجرا و تعریف

کنوانسیون حاضر ناظر بر دعاوی بین‌المللی در موارد [ذیل] است:

ماده ۱

الف. استرداد اموال فرهنگی که به سرقت رفته‌اند.

ب. عودت اموال فرهنگی که با نقض مقررات ناظر بر صادرات اموال فرهنگی برای حفاظت از میراث فرهنگی یکی از دول عضو، از قلمرو آن خارج شده‌اند (از این پس، با عنوان «اموال فرهنگی خارج شده به طور غیرقانونی» ذکر خواهد شد).

ماده ۲

منظور از اموال فرهنگی موضوع کنوانسیون، اموالی است که در زمینه‌های مذهبی یا سکولار حایز اهمیتی از نظریاستان‌شناسی، ماقبل تاریخ، تاریخ، ادبیات، هنر یا علوم بوده، در یکی از دسته‌های برشمرده شده در ضمیمه کنوانسیون حاضر قرار می‌گیرند.

فصل دوم: عودت اموال فرهنگی به سرقت رفته

ماده ۳

۱. متصرف یک مال فرهنگی سرقت شده، باید آن را عودت دهد.
۲. از نظر کنوانسیون حاضر، یک مال فرهنگی حاصله از حفاریهای غیرقانونی یا به دست آمده از حفاریهای قانونی ولی به طور غیرقانونی تحصیل شده، مسروقه تلقی می شود، به شرط اینکه این امر به موجب مقررات دولت محل انجام حفاریها پیش بینی شده باشد.
۳. هرگونه درخواست عودت باید ظرف مدت ۳ سال از زمانی که متقاضی، محل وقوع مال فرهنگی و هویت متصرف را شناخته و در هر حال ظرف ۵۰ سال از زمان وقوع سرقت، مطرح شود.
۴. با این حال، برای طرح یک دعوی برای عودت مالی فرهنگی که جزئی از یک یادبود یا یک مجموعه مکشوفه باستان شناسی شناخته شده یا جزئی از یک کلکسیون عمومی است، هیچ مرور زمانی جز مهلت ۳ ساله از زمانی که متقاضی محل وقوع مال فرهنگی و هویت متصرف را شناخته، وجود ندارد.
۵. با وجود مقررات بند قبل، هر دولت عضو می تواند اعلام نماید که دعوی ظرف مدت ۷۵ سال یا مدتی طولانی تر پذیرفته می شود در مورد دعوی مطروحه در قلمرو یک دولت دیگر عضو برای عودت مال فرهنگی برداشته شده از یک بنای یادبود و یا یک مجموعه مکشوفه باستان شناسی یا یک کلکسیون عمومی یک کشور عضو که این موضوع را اعلام می نماید، نیز همین مهلت رعایت می شود.
۶. اعلامیه مذکور در بند فوق باید هنگام امضا، تصویب، پذیرش، قبول کنوانسیون یا الحاق به آن صادر شود.
۷. منظور از «کلکسیون عمومی» مندرج در کنوانسیون عبارت است از: مجموعه اموال فرهنگی ثبت شده یا به طور دیگر مشخص شده متعلق به الف. یک دولت عضو، ب. یک مجموعه مذهبی یا محلی در یک دولت عضو، ج. یک مؤسسه مذهبی واقع در یک کشور عضو و یا، د. یک مؤسسه ایجاد شده برای اهداف اصولاً فرهنگی،

ماده ۳۶

۳۶۰

ماده ۳۶



آموزشی یا علمی در یک کشور عضو، یا شناخته شده در چنین کشوری به عنوان منافع عمومی است.

۸. به علاوه دعوی مربوط به استرداد یک مال فرهنگی مقدس یا حایز نوعی اهمیت و ارزش جمعی، مورد استفاده و [یا] متعلق به یک اجتماع بومی یا قبیله‌ای در یک کشور عضو برای استفاده سنتی یا مذهبی این اجتماع، مشمول مقررات مرور زمان ناظر بر کلکسیونهای عمومی است.

ماده ۴

۱. متصرف یک مال فرهنگی سرقت شده که باید آن را مسترد دارد مستحق دریافت مبلغی به عنوان غرامتی عادلانه در زمان استرداد مال است، به شرطی که محرز شود وی نمی‌دانسته یا منطقاً نمی‌توانسته مطلع باشد که مال مسروقه بوده همچنین وی بتواند ثابت کند که تمام مراقبتهای لازم را در زمان تحصیل مال به عمل آورده است.

۲. بدون لطمه به حق متصرف به دریافت غرامت موضوع بند قبل، تلاشهای معقولی انجام شده در جهت اینکه شخص انتقال‌دهنده مال فرهنگی به متصرف یا هر گونه اشخاص قبل از او غرامت پرداخت نماید، در صورتی که این امر در قانون کشور محل طرح تقاضا پیش‌بینی شده باشد.

۳. اگر پرداخت غرامت به وسیله متقاضی به متصرف الزامی باشد، این امر لطمه‌ای به حق متقاضی از جهت رجوع به اشخاص دیگر برای جبران مبالغ پرداختی از این بابت نمی‌زند.

۴. برای تعیین اینکه آیا متصرف مراقبتهای لازم را معمول داشته، تمام اوضاع و احوال زمان تحصیل مال در نظر گرفته می‌شوند؛ مثلاً حرفه طرفین، قیمت پرداختی، مشاوره متصرف با تمام ثبت‌کنندگان موارد سرقت اموال فرهنگی که به طور معمول در دسترس باشند، هر گونه اطلاعات و اسناد معتبری که وی می‌توانسته به طور معمول بدانها دست یابد و مشورت با سازمانهایی که وی می‌توانسته بدانها دسترسی داشته باشد یا هر گونه اقدام دیگری که یک شخص معمولی در چنین شرایطی انجام می‌داده است.

۵. متصرف نمی‌تواند موقعیتی بهتر از شخصی که مال فرهنگی را از طریق ارث و یا هر ترتیب بلاعوض دیگر به وی داده، داشته باشد.

فصل سوم: عودت اموال فرهنگی خارج شده به طور غیرقانونی

ماده ۵

۱. یک کشور عضو می‌تواند از دادگاه یا هر مقام صلاحیتدار یک کشور دیگر عضو صدور دستور اعاده یک مال فرهنگی خارج شده به صورت غیرقانونی از قلمروش را درخواست نماید.

۲. اگر یک مال فرهنگی به طور موقت (مثلاً برای عرضه در نمایشگاه یا برای تحقیقات یا تعمیرات) با مجوز کشور متقاضی و بر مبنای مقررات مربوط به خروج اموال فرهنگی وضع شده برای حفظ میراث فرهنگی این کشور، از قلمرو آن خارج گردیده، ولی در مدت مقرر در اجازه نامه اعاده نشده، مورد از مصادیق خارج نمودن غیرقانونی مال تلقی می‌شود.

۳. دادگاه یا هر مقام صلاحیتدار کشور طرف تقاضا در صورتی دستور اعاده مال فرهنگی را صادر می‌کند که کشور متقاضی ثابت کند با خارج شدن مال، لطمه مهمی از یکی از جهات ذیل به وی وارد شده است:

الف. تمامیت مادی مال یا زمینه استفاده از آن؛

ب. تمامیت یک مال مرکب؛

ج. حفاظت از [سراز و] اطلاعات؛ مثلاً از نظر ماهیت علمی یا تاریخی مال.

د. استفاده سنتی یا مذهبی از مال به وسیله یک اجتماع بومی یا قبیله‌ای.

یا اینکه ثابت نماید مال مورد درخواست برایش اهمیت فرهنگی ویژه‌ای دارد.

۴. هرگونه درخواست مطرح شده به موجب بند ۱ این ماده باید متضمن تمام اطلاعات واقعی یا قانونی باشد، به گونه‌ای که به دادگاه یا مقام صلاحیتدار کشور طرف تقاضا امکان احراز تحقق شرایط مندرج در بندهای ۱ و ۳ را بدهد.

۵. هرگونه درخواست عودت باید ظرف مدت ۳ سال از زمانی که کشور متقاضی

فرهنگی

۳۶۲

فرهنگی



به محل وقوع مال فرهنگی و هویت متصرف پی برده، و در هر صورت ظرف مدت ۵۰ سال از تاریخ خارج نمودن مال یا زمانی که مال می‌باید به موجب مجوز مندرج در بند ۲ این ماده برگردانده شود، مطرح گردد.

ماده ۶

۱. متصرف یک مال فرهنگی که پس از خارج شدن غیرقانونی مال آن را متصرف شده، در زمان اعاده مال حق دریافت غرامت عادلانه‌ای را از کشور متقاضی دارد، به شرط اینکه محرز شود وی در زمان تحصیل مال نمی‌دانسته یا منطقی‌نمی‌توانسته بداند که مال به طور غیرقانونی خارج شده است.

۲. برای تشخیص اینکه متصرف در زمان تحصیل مال می‌دانسته یا منطقی‌نمی‌باید بداند که مال فرهنگی به طور غیرقانونی خارج شده است، باید تمام اوضاع و احوال زمان تحصیل مال؛ از جمله عدم وجود گواهی خروج صادر شده به موجب قوانین کشور متقاضی، در نظر گرفته شوند.

۳. متصرفی که ملزم به اعاده مال فرهنگی است با توافق کشور متقاضی می‌تواند به جای دریافت غرامت تصمیم بگیرد به اینکه:

الف. مال در تملک وی باقی بماند؛

ب. [یا] مالکیت آن را به طور رایگان یا معوض به شخصی به انتخاب خود در داخل کشور متقاضی که تضمینات لازم را می‌دهد، منتقل نماید.

۴. مخارج مربوط به اعاده مال فرهنگی به ترتیب مقرر در این ماده بر عهده کشور متقاضی است، ولی حق این کشور برای جبران این هزینه‌ها با رجوع به اشخاص دیگر محفوظ است.

۵. متصرف نمی‌تواند نسبت به شخصی که مال را به طریق ارث یا هر شکل بلاعوض دیگری از او گرفته، از موقعیت بهتری برخوردار شود.

ماده ۷

۱. مقررات فصل حاضر در موارد زیر قابل اجرا نیستند:

الف. وقتی که در زمان درخواست اعاده مال فرهنگی، دیگر خارج نمودن آن از کشور متقاضی غیرقانونی نباشد؛

ب. [یا] وقتی که مال در زمان حیات خالق یا ظرف ۵۰ سال پس از فوت وی خارج شده باشد.

۲. با این حال، به رغم قسمت ب بند قبل، اگر مال فرهنگی به وسیله یک عضو یا اعضای یک اجتماع بومی یا قبیله‌ای برای استفاده‌های سنتی یا مذهبی این اجتماع خلق شده باشد و مال باید به این اجتماع برگردانده شود، مقررات این فصل اجرا می‌شوند.

فصل چهارم: مقررات کلی

ماده ۸

۱. درخواست عودت مال فرهنگی بر مبنای مقررات فصول ۲ و ۳ را می‌توان نزد محاکم یا هر مقام صلاحیتدار کشور عضو محل وقوع مال فرهنگی و همچنین نزد محاکم یا دیگر مقامات صلاحیتداری که حسب مقررات قابل اجرا در کشورهای عضو می‌توانند به دعوی رسیدگی کنند، مطرح نمود.

۲. طرفین می‌توانند با توافق، اختلافشان را به یک دادگاه یا مقام صلاحیتدار دیگر و یا به داوری ارجاع نمایند.

۳. اقدامات موقتی یا حفاظتی پیش‌بینی شده در قانون کشور عضو محل وقوع مال قابل اجرا هستند، حتی اگر درخواست در ماهیت امر استرداد یا عودت مال نزد دادگاهها یا هر مقام صلاحیتدار یک کشور دیگر عضو مطرح شده باشد.

ماده ۹

۱. کنوانسیون حاضر مانع از این نیست که یک کشور عضو هر گونه مقررات مساعدتر (نسبت به مقررات این کنوانسیون) ناظر بر استرداد یا عودت اموال فرهنگی به سرقت رفته یا غیرقانونی خارج شده را اجرا نماید.

۲. با این حال نباید این ماده را موجد الزام به شناسایی یا اجرای تصمیم دادگاه یا هر مقام صلاحیتدار یک کشور دیگر عضو که از مقررات کنوانسیون حاضر عدول می‌نماید، دانست.





ماده ۱۰

۱. مقررات فصل ۲ در مورد یک مال فرهنگی که بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون حاضر نسبت به کشور محل طرح درخواست به سرقت رفته باشد اجرا می‌شود، به شرط اینکه:
 - الف. مال در قلمرو یک کشور عضو بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به این کشور، به سرقت رفته باشد؛
 - ب. [یا] مال بعد از به مرحله اجرا درآمدن این کنوانسیون نسبت به یک کشور عضو، در این کشور یافت شود.
۲. مقررات فصل سوم قابل اجرا نیستند مگر در مورد یک مال فرهنگی که بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون در کشور درخواست‌کننده و همچنین کشور محل تقدیم درخواست، به طور غیرقانونی خارج شده باشد.
۳. این کنوانسیون به هیچ وجه به یک عمل غیرقانونی از هر نوع که قبل از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون انجام شده یا انجام آن مشمول مقررات بندهای ۱ و ۲ کنوانسیون حاضر نیست، مشروعیت نمی‌دهد. همچنین این کنوانسیون مانع از این نیست که یک کشور یا هر شخصی خارج از چارچوب کنوانسیون، دعوایی مبنی بر استرداد یا عودت یک مال فرهنگی به سرقت رفته یا به طور غیرقانونی خارج شده قبل از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون، اقامه نماید.

فصل پنجم: مقررات نهایی

ماده ۱۱

۱. این کنوانسیون در اجلاس پایانی کنفرانس دیپلماتیک مربوط به تهیه طرح کنوانسیون وحدت قوانین در مورد عودت بین‌المللی اموال فرهنگی به سرقت رفته یا خارج شده به طور غیرقانونی، آماده امضا خواهد بود و تمامی کشورها می‌توانند تا ۳۰ ژوئن ۱۹۹۶ در رم آن را امضا نمایند.
۲. این کنوانسیون مورد تصویب، پذیرش یا تأیید کشورهای امضاکننده قرار

می‌گیرد.

۳. تمام کشورهای که کنوانسیون را امضا نکرده‌اند از تاریخ عرضه آن برای امضا می‌توانند بدان ملحق شوند.

۴. تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق باید با ارائه و تسلیم سند مربوط به شکل مطلوب به دولت امین انجام شود.

ماده ۱۲

۱. این کنوانسیون از اولین روز ششمین ماه بعد از تاریخ تسلیم پنجمین سند مربوط به تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۲. در مورد کشوری که بعد از تسلیم پنجمین سند حاکی از تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، کنوانسیون را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا بدان می‌پیوندد، کنوانسیون از اولین روز ششمین ماه بعد از تاریخ تسلیم سند مربوط به تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به مرحله اجرا در می‌آید.

ماده ۱۳

۱. این کنوانسیون ناقض دیگر اسناد بین‌المللی که یک کشور عضو به طور قانونی بدان می‌پیوندد و متضمن مقرراتی در مورد موضوعات کنوانسیون حاضر است نمی‌باشد، به شرط اینکه خلاف این امر توسط دول عضو چنین اسنادی اعلام نشده باشد.

۲. هر کشور عضو می‌تواند با یک یا چند دولت عضو به توافق برسد که مقررات کنوانسیون حاضر را در روابط متقابلشان اجرا نمایند. کشورهای که چنین موافقتنامه‌هایی منعقد می‌نمایند نسخه‌ای از آن را به دولت امین تسلیم خواهند نمود.

۳. کشورهای عضو کنوانسیون که عضو سازمانهای همکاری اقتصادی یا نهادهای منطقه‌ای می‌باشند، می‌توانند اعلام کنند که در روابط متقابلشان مقررات داخلی این سازمانها یا نهادها را اجرا می‌نمایند و بنابراین در اینگونه روابط، مقررات کنوانسیون را که با این مقررات تلافی می‌نمایند، اجرا نمی‌کنند.

ماده ۱۴

۱. کشور عضوی که شامل دو یا چند واحد سرزمینی است صرف نظر از اینکه





سیستم‌های حقوقی متفاوتی را در موضوعات تحت شمول کنوانسیون اعمال می‌کند یا نه، می‌تواند در زمان امضای کنوانسیون یا تسلیم اسناد تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق تصریح نماید که کنوانسیون حاضر در تمام سرزمینهایش اجرا خواهد شد یا فقط در بخش یا بخشهایی از آن. این کشور می‌تواند در هر زمان اعلامیه جدیدی را جایگزین اعلامیه قبلی نماید.

۲. این اعلامیه‌ها به دولت امین تسلیم می‌شوند و در آنها به صراحت سرزمینهایی که مشمول مقررات کنوانسیون هستند، تعیین و مشخص خواهند شد.

۳. اگر به موجب یک اعلامیه صادره حسب مقررات این ماده، کنوانسیون فقط در مورد بخش یا بخشهایی از یک کشور عضو قابل اجراست و نه تمام آن، در این صورت منظور از:

الف. سرزمین یک کشور عضو در ماده اول، سرزمین یک واحد سرزمینی این کشور است.

ب. دادگاه یا یک مقام صلاحیتدار دیگر کشور عضو یا کشور طرف تقاضا، دادگاه یا هر مقام صلاحیتدار یک واحد سرزمینی این کشور است.

ج. کشور عضو محل وقوع مال فرهنگی در بند ۱ ماده ۸، واحد سرزمینی محل وقوع مال در این کشور است.

د. قانون کشور عضو محل وقوع مال در بند ۳ ماده ۸، قانون واحد سرزمینی محل وقوع مال در این کشور است.

ه. یک کشور عضو در ماده ۹، یک واحد سرزمینی این کشور است.

۴. اگر یک کشور عضو اعلامیه مندرج در بند ۱ این ماده را صادر ننماید، این کنوانسیون در تمام سرزمین آن کشور اجرا خواهد شد.

ماده ۱۵

۱. اعلامیه‌های صادره به موجب مقررات کنوانسیون به هنگام امضای آن، می‌باید زمان تصویب یا پذیرش یا تأیید کنوانسیون به تأیید برسند.

۲. اعلامیه‌ها و تأیید اعلامیه‌ها باید به صورت کتبی بوده، رسماً به اطلاع دولت

امین برسند.

۳. اعلامیه‌ها نسبت به کشور صادرکننده از تاریخ به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون نسبت به آن کشور منشأ اثر خواهند بود. با این حال اعلامیه‌هایی که دولت امین رسماً بعد از این تاریخ دریافت نموده، از اولین روز ششمین ماه متعاقب تسلیم اعلامیه به دولت امین منشأ اثر خواهند بود.

۴. هر کشوری که اعلامیه‌ای را به موجب کنوانسیون حاضر صادر می‌کند همواره می‌تواند با یک اعلام رسمی کتبی به دولت امین از آن رجوع کند. چنین اعلامی از اولین روز ششمین ماه متعاقب تاریخ تسلیم اعلامیه جدید منشأ اثر خواهد بود.

ماده ۱۶

۱. هر دولت باید در زمان امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق اعلام نماید که درخواستهای مبنی بر عودت یا استرداد اموال فرهنگی به وسیله یک دولت بر مبنای ماده ۸ به یکی از راههای ذیل می‌تواند نزد وی مطرح شوند:

الف. ارائه مستقیم به محاکم یا دیگر مقامات صلاحیتدار کشور؛
ب. از طریق یک یا چند مقام مشخص شده به وسیله این کشور برای دریافت چنین درخواستهایی و ارسال آنها به محاکم یا دیگر مقامات صلاحیتدار این کشور؛
ج. از طریق مجاری دیپلماتیک یا کنسولی.

۲. هر کشور عضو همچنین می‌تواند محاکم یا مقامات صلاحیتدار دیگری را برای صدور دستور استرداد یا عودت اموال فرهنگی مطابق مقررات فصول ۲ و ۳ تعیین نماید.

۳. اعلامیه‌ای را که به موجب بندهای ۱ و ۲ این ماده صادر شده، می‌توان هر زمان به وسیله اعلامیه جدیدی تغییر داد.

۴. مقررات بندهای ۱ و ۳ این کنوانسیون، ناقض مقررات موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه همیاری قضایی در موضوعات مدنی و تجاری که ممکن است بین کشورهای عضو منعقد شده باشند، نیست.

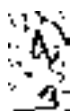
ماده ۱۷

هر دولت عضو ظرف ۶ ماه از تاریخ تسلیم سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، اطلاعاتی را به طور کتبی به یکی از زبانهای رسمی کنوانسیون در مورد قانون ناظر بر

تاریخ

۳۶۸

تاریخ



صادرات اموال فرهنگی ارائه خواهد نمود. در صورت لزوم این اطلاعات به روز خواهند شد.

ماده ۱۸

هیچ زرروی خارج از آنچه به صراحت در این کنوانسیون پیش‌بینی شده پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۱۹

۱. هر کشور عضو کنوانسیون حاضر می‌تواند هر زمان پس از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون در آن کشور، با تسلیم سندی به دولت امین، از آن کناره‌گیری کند.
۲. کناره‌گیری از کنوانسیون از اولین روز ششمین ماه متعاقب تسلیم سند مربوط به دولت امین منشأ اثر خواهد بود. اگر زمان طولانی تری برای رسمیت یافتن کناره‌گیری از کنوانسیون در سند مربوطه تصریح شده باشد، کناره‌گیری از کنوانسیون در پایان مدت ذکر شده بعد از تسلیم سند مربوطه به دولت امین منشأ اثر خواهد بود.
۳. با وجود چنین اعلام انصرافی، کنوانسیون حاضر بر هر گونه درخواست استرداد یا عودت یک مال فرهنگی که قبل از تاریخ منشأ اثر شدن این کناره‌گیری تقدیم شده باشد، قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۲۰

مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی (Unidroit) می‌تواند در زمانهای مشخص یا بنا به درخواست ۵ دولت عضو، کمیته خاصی را برای بررسی عملکرد واقعی کنوانسیون حاضر دعوت نماید.

ماده ۲۱

۱. این کنوانسیون به دولت جمهوری ایتالیا سپرده خواهد شد.
۲. دولت جمهوری ایتالیا:
الف. تمام کشورهای امضاکننده کنوانسیون یا ملحق شده به آن و رئیس مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی (Unidroit) را از موارد زیر مطلع خواهد نمود:
- هر مورد امضای جدید کنوانسیون یا تقدیم هر گونه سند مربوط به تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق و تاریخ انجام چنین امضا یا تقدیم سندی؛

- هرگونه اعلامیه‌ای که به موجب مقررات این کنوانسیون صادر می‌شود؛
- رجوع از اعلامیه؛
- تاریخ به مرحله اجرا درآمدن این کنوانسیون؛
- موافقتنامه‌های مورد اشاره در ماده ۱۳؛
- تقدیم هرگونه سند مربوط به کناره‌گیری از کنوانسیون حاضر و همچنین تاریخ تقدیم سند و تاریخ منشأ اثر شدن کناره‌گیری از کنوانسیون.
- ب. ارسال فتوکپی‌های تأیید شده این کنوانسیون به تمام دول امضاکننده و تمام دول ملحق شده به آن و رئیس مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی (Unidroit).
- ج. هر وظیفه و نقشی که عرفاً بر عهده دول امین است.



ب. نظرسنجی

۳۷۰

پرتال جامع علوم انسانی

۹. کنوانسیون مربوط به تضمینات بین‌المللی در تجهیزات منقول (۲۰۰۱)

فصل اول: قلمرو اجرا و قواعد عمومی

ماده ۱- تعاریف

- کلمات و اصطلاحات مورد استفاده در این کنوانسیون معانی ذیل را دارند مگر اینکه سیاق عبارات معنای دیگری را ایجاب نماید:
- ۱- «قرارداد»؛ به معنای یک قرارداد تضمینی، یک قرارداد حفظ عنوان مالکیت یا تضمین یک قرارداد اجاره به شرط تملیک است.
 - ۲- «واگذاری»؛ به معنای قراردادی است (چه به صورت تضمینی یا به صورت دیگر) که حقوق تبعی همراه بار بدون انتقال تضمین بین‌المللی مربوط را برقرار می‌سازد.
 - ۳- «حقوق تبعی»؛ عبارت است از کلیه حقوق مربوط به پرداخت یا هر عمل دیگر به عهده یک بدهکار به موجب یک قرارداد که به وسیله یک کالا تضمین شده یا منضم به یک کالا شده است.
 - ۴- «شروع اجرای عملیات تصفیه ورشکستگی»؛ زمانی است که حسب قانون حاکم بر ورشکستگی عملیات تصفیه شروع شده تلقی می‌شود.
 - ۵- «خریدار مشروط»؛ خریدار در یک قرارداد با حفظ عنوان مالکیت می‌باشد.
 - ۶- «فروشنده مشروط»؛ فروشنده در یک قرارداد با حفظ عنوان مالکیت می‌باشد.

۷- «قرارداد بیع»؛ عبارت است از یک قرارداد برای فروش کالایی به وسیله فروشنده به خریدار که به معنای قرارداد مندرج در بند ۱ فوق‌الذکر نیست.

۸- «دادگاه»؛ عبارت است از دادگاه قانونی یا یک اداره یا محکمه دادرسی که به وسیله یک دولت عضو کنوانسیون تأسیس شده است.

۹- «دائن»؛ عبارت است از شخصی که به موجب یک موافقتنامه تضمین متعهد است، یک فروشنده مشروط در یک قرارداد حفظ عنوان مالکیت، یا یک موجر در موافقتنامه اجاره به شرط تملیک.

۱۰- «مدیون»؛ عبارت است از تضمین دهنده یک قرارداد تضمین، یک خریدار مشروط به موجب قرارداد حفظ عنوان مالکیت، یک مستأجر به موجب قرارداد اجاره به شرط تملیک یا یک شخصی که در یک کالا به علت وجود یک حق یا تضمین غیر رضایی قابل ثبت در معرض تضییع باشد.

۱۱- «مدیر تصفیه»؛ شخصی است که مجوز تصفیه یا تجدید سازمان را دارد (ممکن است این مجوز موقتی باشد) و مدیون متصرف را هم شامل می‌شود، به شرط اینکه قانون حاکم بر ورشکستگی این امکان را بدهد.

۱۲- «پروسه ورشکستگی»؛ به معنای ورشکستگی، تصفیه یا دیگر اقدامات قضایی یا اداری است؛ از جمله اقدامات موقتی که به موجب آن اموال و داراییهای مدیون به منظور انجام تصفیه تحت کنترل و نظارت دادگاه قرار می‌گیرند.

۱۳- «اشخاص ذی نفع»؛ عبارت اند از:

الف) مدیون؛

ب) هر شخصی که به منظور تضمین اجرای تعهدات به نفع طلبکار، ضمانت یا تضمین یا اعتبار اسنادی آماده برداشت یا هر نوع اعتبارنامه دیگر ضمانتی ارائه می‌نماید.

ج) هر شخص دیگری که حقوقی بر کالا دارد؛

۱۴- «معامله داخلی»؛ معامله‌ای است از معاملات فهرست شده در ماده (ج) تا

الف) (۲) (۲) هنگامی که مرکز منافع اصلی طرفین چنین معامله‌ای و محل وقوع کالای مربوط (به شرح تصریح شده در پروتکل) در زمان انعقاد در قلمرو یک کشور باشد و یا هنگامی که تضمین ایجاد شده به موجب معامله در مرجع ثبت داخلی یک دولت

توضیح

۳۷۲

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران



- عضوی ثبت شده باشد که اعلامیه موضوع ماده (۱) ۵۰ را صادر نموده است.
- ۱۵- «تضمین بین‌المللی». تضمینی است که نصیب دائن می‌شود و شمول ماده ۲ می‌باشد.
- ۱۶- «مرجع ثبت بین‌المللی». امکاناتی است که برای ثبت بین‌المللی در اجرای کنوانسیون یا پروتکل ایجاد شده‌اند.
- ۱۷- «قرارداد اجاره به شرط تملیک». قراردادی است که به موجب آن موجر حق تصرف یا کنترل یک کالا را (با یا بدون اختیار خرید) در ازای پرداخت اجاره‌بها یا پرداختی دیگر به مستأجر اعطا می‌نماید.
- ۱۸- «تضمین داخلی». عبارت است از تضمین متعلق به دائن در یک کالا که به موجب یک معامله بین‌المللی موضوع اعلامیه ماده (۱) ۵۰ ایجاد شده است.
- ۱۹- «حق یا تضمین غیر رضایی» عبارت است از یک حق یا تضمین اعطاشده به موجب قانون یک دولت عضو که برای اطمینان از اجرای یک تعهد از جمله تعهد به یک دولت، ارگان دولتی یا یک سازمان خصوصی یا بین‌دولتی، اعلامیه موضوع ماده ۳۹ را صادر نموده است.
- ۲۰- «اعلام یک تضمین داخلی»؛ یعنی اعلام ثبت شده یا لازم‌الثبت در مرجع ثبت بین‌المللی مبنی بر اینکه یک تضمین داخلی ایجاد شده است.
- ۲۱- «حق یا تضمین سابق». عبارت است از یک حق یا تضمین از هر نوع در یک کالا که قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون (ماده الف-۲-۶۰) ایجاد شده باشد.
- ۲۲- «عایدات». عبارت است از عایدات پولی یا غیرپولی از یک کالا ناشی از تلف کلی یا جزئی یا تخریب فیزیکی کالا یا مصادره، ضبط کل یا بخشی از آن.
- ۲۳- «واگذاری آتی». عبارت است از واگذاری‌ای که قرار است با وقوع امری انجام شود؛ هرچند وقوع آن امر قطعی نباشد.
- ۲۴- «تضمین بین‌المللی آتی». عبارت است از تضمینی که قرار است در آینده در یک کالا با وقوع امر مشخصی (که ممکن است تحصیل تضمین در کالا به وسیله مدیون باشد) ایجاد شود.
- ۲۵- «بیع آتی». عبارت است از فروشی که قرار است در آینده در صورت وقوع

امری انجام شود؛ اعم از اینکه تحقق امر مذکور قطعی باشد یا خیر.
۲۶- «پروتکل». در مورد یک دسته خاصی از کالاها یا حقوق تبعی مشمول
کنوانسیون منعقد می شود.

۲۷- «ثبت شده»؛ یعنی ثبت شده در مرجع ثبت بین المللی حسب مقررات فصل
پنجم.

۲۸- «تضمین ثبت شده». عبارت است از یک تضمین بین المللی، یک حق یا
تضمین غیررضایی قابل ثبت، یا یک تضمین داخلی تصریح شده در یک اخطار
تضمینی داخلی ثبت شده به موجب فصل پنجم.

۲۹- «حق یا تضمین غیررضایی قابل ثبت». عبارت است از یک حق یا تضمین
غیررضایی قابل ثبت موضوع اعلامیه صادره حسب ماده ۴۰.

۳۰- «مرجع ثبت» در مورد پروتکل شخص یا ارگانی است که در پروتکل تعیین یا
حسب ماده ۲-۷ منصوب شده است.

۳۱- «مقررات»؛ یعنی مقررات ایجاد و تأیید شده به وسیله مقام نظارت حسب
مقررات پروتکل.

۳۲- «بیع»؛ یعنی انتقال مالکیت کالا حسب یک قرارداد بیع.

۳۳- «تعهد تضمین شده»؛ یعنی تعهدی که از طریق یک منفعت تضمینی، تضمین
شده است.

۳۴- «قرارداد تضمین». عبارت است از قراردادی که به موجب آن برای تضمین
اجرای هر تعهد موجود یا آتی متعهد یا یک شخص ثالث، متعهد موافقت می کند حقی
در مورد یک کالا را به متعهدله اعطا نماید.

۳۵- «تضمین». عبارت است از تضمین برقرار شده به موجب یک قرارداد تضمینی.

۳۶- «مقام نظارتی». در مورد پروتکل عبارت است از مقام نظارتی موضوع ماده
۱-۱۷.

۳۷- «قرارداد حفظ عنوان مالکیت»؛ یعنی موافقتنامه ای برای فروش یک کالا که به
سبب آن مالکیت کالا تا زمان تحقق شرط یا شرایط تصریح شده در قرارداد منتقل
نخواهد شد.





۳۸- «تضمین ثبت نشده». عبارت است از یک حق یا تضمین رضایی یا غیررضایی (غیر از تضمین موضوع ماده ۳۹) که به ثبت نرسیده؛ اعم از اینکه به موجب این کنوانسیون قابل ثبت باشد یا خیر.

۳۹- «کتبی» - عبارت است از ثبت اطلاعات؛ (از جمله اطلاعات ارائه شده از طریق سیستم مخابراتی) که قابل تکثیر به شکل مادی است و نشاندهنده تأیید شخصی در رابطه با اطلاعات مذکور است.

ماده ۲- تضمین بین المللی

۱- این کنوانسیون حاوی مقرراتی است در مورد ایجاد و آثار یک تضمین بین المللی در بعضی تجهیزات منقول و حقوق تبعی.

۲- در این کنوانسیون منظور از یک تضمین بین المللی در یک کالای منقول، تضمینی است (ایجاد شده حسب ماده ۷) در یکی از کالاهای مشخص شده در بند ۳ و تعیین شده در پروتکل به شرح زیر:

الف - تضمین که متعهد به موجب یک قرارداد تضمین داده است.

ب - تضمین در نظر گرفته شده برای شخصی که در یک قرارداد حفظ عنوان مالکیت، فروشنده مشروط است؛

ج - [یا] تضمین داده شده به شخصی که موجر یک قرارداد اجاره به شرط تملیک است. یک تضمین موضوع بند الف پیشگفته نمی تواند در چارچوب بندهای ب و ج هم قرار گیرد.

۳- اقلام مورد اشاره در بندهای قبل عبارت اند از:

الف - بدنه و موتور هواپیما و هلی کوپتر؛

ب - تجهیزات راه آهن؛

ج - تجهیزات هوا - فضایی.

۴- اینکه یک تضمین موضوع بند ۲ مشمول کدام یک از بندهای فرعی الف، ب یا

ج آن بند قرار می گیرد را قانون حاکم تعیین می نماید.

۵- یک تضمین بین المللی در یک کالا به عایدات آن نیز تسری می یابد.

ماده ۳- قلمرو اجرا

- ۱- این کنوانسیون وقتی قابل اجراست که در زمان انعقاد و قرارداد موجه یک تضمین بین‌المللی مدیون در قلمرو یک دولت عضو مستقر باشد.
- ۲- بودن دائن در قلمرو یک دولت غیر عضو تأثیری در قابلیت اجرای کنوانسیون ندارد.

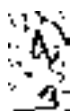
ماده ۴- محل اقامت مدیون

- ۱- در اجرای ماده (۱) ۳، ضابطه تعیین محل استقرار مدیون در قلمرو یک دولت عضو به شرح زیر است:
 - الف - قانون محل تشکیل یا ایجاد مدیون؛
 - ب - محل دفتر ثبت شده یا مقر قانونی مدیون؛
 - ج - محل مرکز اداری مدیون؛
 - د - مقر تجاری مدیون.
- ۲- اگر مدیون دارای بیش از یک مقر تجاری باشد مقر تجاری اصلی او (در رابطه با بند د پیشگفته) و اگر مقر تجاری نداشته باشد محل سکونت معمولی او در نظر گرفته خواهد شد.

ماده ۵- تفسیر و اجرای قانون

- ۱- در تفسیر مواد این کنوانسیون باید اهداف (به شرح مذکور در مقدمه) و خصیصه بین‌المللی کنوانسیون، و لزوم گسترش وحدت و قابل پیش‌بینی بودن در اجرای آن مد نظر واقع شود.
- ۲- مسائل مربوط به موضوعات تحت شمول کنوانسیون که صریحاً به آنها اشاره نشده، مطابق با اصول کلی مبنای کنوانسیون یا (در صورت بند د چنین اصولی) به موجب قانون حاکم حل می‌شدند.
- ۳- در مواردی که موضوع به قانون حاکم ارجاع داده شده، منظور مقررات داخلی قانون حاکم تعیین شده حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی مقر دادگاه است.





۴- در مواردی که در کشوری وحدت حقوقی وجود ندارد و مشخص نیست قواعد کدام بخش از آن کشور باید اجرا شود، قواعد حل تعارض داخلی قانون حاکم را تعیین خواهند نمود و اگر چنین قواعدی وجود نداشته باشد قانون بخشی از کشور که ارتباط نزدیک‌تری با موضوع مطرح شده دارد اعمال می‌شود.

ماده ۶- رابطه بین کنوانسیون و پروتکل

- ۱- این کنوانسیون به همراه پروتکل سند واحدی را تشکیل می‌دهند و باید مجموعاً مد نظر واقع شوند.
- ۲- در صورت تعارض بین کنوانسیون (پروتکل) مواد پروتکل ارجحیت خواهند داشت.

فصل دوم: ایجاد یک تضمین بین‌المللی

ماده ۷- شرایط شکلی

- یک تضمین در صورتی بین‌المللی تلقی می‌شود که قرارداد موجد آن:
- الف - به صورت کتبی باشد؛
 - ب- مربوط به کالایی باشد که متعهد، بایع مشروط یا موجر اختیار تصرف آن را دارند؛
 - ج - شناسایی کالا را مطابق پروتکل میسر سازد؛
 - د - در صورت وجود یک قرارداد تضمین، تشخیص مقررات تضمین شده را میسر سازد. البته نیازی به تعیین مبلغ یا حداکثر مبلغ تضمین

فصل سوم: ضمانت اجرا در صورت عدم اجرای تعهدات

ماده ۷- اقدامات متعهد له

- ۱- در صورت تحقق قصور پیش‌بینی شده در ماده ۱۱، متعهد له می‌تواند به میزانی که متعهد توافق نموده و طبق اعلامیه صادره به وسیله یک دولت عضو حسب ماده ۵۴،

به صورتهای زیر اقدام نماید:

الف - کالای مورد نظر را تصرف نموده یا در اختیار گیرد؛

ب - کالا را اجاره دهد یا بفروشد؛

ج - هرگونه درآمد یا منافع ناشی از اداره یا استفاده از چنین کالایی را وصول نماید.

۲- متعهد له می تواند در صورت تمایل از دادگاه صدور دستور اعمال یکی از موارد

بند ۱ را درخواست نماید.

۳- هرگونه اقدامات موضوع بندهای فرعی الف، ب و ج از بند ۱ یا حسب ماده ۱۳

به طرق معمول تجاری صورت می گیرد. اگر اقدامات مطابق مواد قرارداد تضمین

انجام پذیرد، اعمال روش معمول تجاری مفروض است، البته جز در مواردی که طرق

پیش بینی شده در قرارداد تضمینی به نحو بارزی غیر معقول باشد.

۴- متعهد له که خواهان فروش یا اجاره دادن یک کالا حسب بند ۱ می باشد باید

اخطاریه ای کتبی در این رابطه برای اشخاص ذیل بفرستد:

الف - اشخاص ذی نفع ذکر شده در ماده (ب و الف - ۱۳)؛

ب - اشخاص ذی نفع ذکر شده در ماده (ج - ۱۳) که ظرف مدت معقولی قبل از

فروش یا اجاره، طی اخطاریه ای حقوق خود در برابر متعهد له را به وی اطلاع داده اند.

۵- مبالغ حاصله در نتیجه اعمال حقوق مندرج در بندهای ۱ و ۲ برای ایفای مبالغ

تعهدات تضمین شده، در جهت آزاد شدن مبلغ تعهدات تضمین شده به کار خواهد رفت.

۶- در صورتی که مبالغ دریافتی توسط متعهد له در نتیجه اعمال حقوق مذکور در

بندهای ۱ و ۲ از مبلغ تضمین شده به موجب قرارداد تضمینی تجاوز نموده و

غیر معقول باشد و توافقی در این رابطه وجود نداشته باشد، متعهد له مبلغ اضافی را

بین دارندگان تضمینات دیگر که به ثبت رسیده اند یا اخطار مربوط به آنها قبلاً به

متعهد له رسیده، به ترتیب اولویت توزیع می نماید و هرگونه وجوه باقی مانده را به

متعهد می پردازد.

ماده ۹ - انتقال مالکیت کالا به متعهد له

۱- متعهد له و تمام اشخاص ذی نفع هر زمان پس از قصور پیش بینی شده در ماده

تصرف

۳۷۸

تضمینات



۱۱ می‌توانند توافق کنند که مالکیت (یا هرگونه منافع متعهد در) کالای موضوع تضمین قرارداد تضمین در جهت ایفای تعهدات تضمین شده، به متعهد له واگذار شود.

۲- دادگاه می‌تواند بنا به درخواست متعهد له دستور واگذاری مالکیت (یا دیگر منافع متعهد در) کالای موضوع تضمین قرارداد تضمین در جهت ایفای تعهدات تضمین شده، به متعهد له را صادر نماید.

۳- دادگاه در صورتی دستور پیشگفته را صادر می‌نماید که مبلغ تعهدات تضمین شده که قرار است بدین وسیله ایفا شوند، متناسب با ارزش کالا باشد (البته با در نظر گرفتن هر پرداختی که باید به وسیله متعهد له به هرگونه اشخاص ذی‌نفعی صورت گیرد).

۴- در هر زمان بعد از قصور پیش‌بینی شده در ماده ۱۱ و قبل از فروش کالای موضوع تعهد یا صدور دستور موضوع بند ۲، متعهد یا هر ذی‌نفعی می‌تواند با پرداخت تمام مبلغ تضمینی آن را آزاد کند. البته با رعایت هرگونه انتقال منافع انجام شده به وسیله متعهد له حسب ماده (ب) ۸(۱) یا دستور صادره حسب ماده ۸(۲).

اگر بعد از تحقق قصور، تمام مبلغ تضمینی به وسیله ذی‌نفعی غیر از مدیون پرداخت شود، شخص مذکور جانشین حقوق متعهد له می‌شود.

۵- مالکیت یا دیگر منافع متعهد که از طریق بیع حسب ماده (ب) ۸(۱) یا اجاره، حسب بند ۲ و ۸(۱) منتقل می‌شود جدا از هرگونه تضمینات دیگری است که تضمین متعهد له به موجب ماده ۲۹ بر آنها اولویت دارد.

ماده ۱۰- اقدامات بایع مشروط یا موجد

در صورت تحقق قصور نسبت به یک قرارداد حفظ عنوان مالکیت، یا یک قرارداد اجاره به شرط تملیک به نحو مقرر در ماده ۱۱، بایع مشروط یا موجد بر حسب مورد می‌تواند:

الف- به موجب اعلامیه صادره به وسیله یک دولت عضو حسب ماده ۵۴، قرارداد را خاتمه دهد و هر کالای مربوط به قرارداد را در اختیار و کنترل گیرد؛

ب- از دادگاه، صدور دستور در مورد هر یک از موارد پیشگفته را بخواهد.

ماده ۱۱- معنی قصور

- ۱- متعهد له ممکن است در هر زمان با توافق کتبی مصادیق قصور را که به اعمال حقوق و اقدامات پیش‌بینی شده در مواد ۸ تا ۱۰ و ۱۳ می‌انجامد، مشخص نماید.
- ۲- اگر چنین توافقی صورت نگرفته باشد، قصور وقتی تحقق می‌یابد که متعهد له را از آنچه قرار بوده از قرارداد نصیبش شود، محروم کند.

ماده ۱۲- اقدامات دیگر

- هرگونه اقدامات دیگر پیش‌بینی شده در قانون حاکم، از جمله هرگونه اقدامات مورد توافق طرفین، تا جایی که معارض مقررات مالی مندرج در این فصل (ماده ۱۵) نباشد، قابل اعمال است.

ماده ۱۳- درخواست اقدامات موقتی

- ۱- یک دولت عضو به موجب اعلامیه صادره موضوع ماده ۵۵، اطمینان می‌یابد از اینکه یک متعهد له که قصور متعهد را اثبات نموده، بتواند در طی جریان رسیدگی به پرونده و به اندازه‌ای که متعهد در هر زمانی موافقت نموده، از دادگاه درخواست یک یا چند مورد از موارد زیر را بنماید:

الف - محافظت از کالا و ارزش آن؛

ب - تصرف، کنترل یا نگهداری کالا؛

ج - توقیف کالا؛

- د - اجاره یا (جز در موارد مشمول بندهای فرعی الف، ب و ج) اداره کالا و درآمد حاصله از آن.

- ۲- دادگاه هنگام صدور هر دستوری طبق بند قبل ممکن است مواردی را که لازمه حمایت از منافع اشخاص ذی‌نفع است درج نماید؛ اگر متعهد له:
الف - در اجرای دستور چنین اقدامی، از انجام هر یک از تعهدات خود در برابر متعهد به موجب این کنوانسیون یا پروتکل قصور ورزد؛

تفسیر

۳۸۰

تفسیر
ماده ۱۳



ب - نتواند ادعای خود را کلاً یا بعضاً اثبات نماید.

۳- قبل از صدور دستور موضوع بند ۱ دادگاه می‌تواند ارسال اخطاریه برای هرگونه اشخاص ذی‌نفع را الزام نماید.

۴- مقررات این ماده هیچ تأثیری بر اجرای ماده (۳) ۸ یا اختیارات دادگاه برای توسل به انواع اقدامات موقتی غیر از موارد مندرج در بند ۱ ندارد.

ماده ۱۴- شرایط دادرسی

به موجب ماده (۲) ۵۴ هرگونه اقدامات مقرر در این فصل تنها از طریق پیش‌بینی شده در قانون محل انجام اقدامات، قابل انجام است.

ماده ۱۵- عدول از مقررات کنوانسیون

دو یا چند شخص از اشخاص مورد اشاره در این فصل می‌توانند در روابط میان خود، در هر زمان از طریق امضای موافقتنامه کتبی، اثر هر یک از مقررات پیشگفته این فصل را تغییر دهند یا از آنها عدول نمایند، البته غیر از مقررات مواد (۳) ۸ الی (۶) ۸، (۳) ۹ و (۴) ۹، (۲) ۱۳ و ۱۴.

فصل چهارم: سیستم ثبت بین‌المللی

ماده ۱۶- مرجع ثبت بین‌المللی

۱- یک مرجع ثبت بین‌المللی برای ثبت موارد زیر ایجاد خواهد شد:
الف - تضمینات بین‌المللی، تضمینات بین‌المللی آتی و حقوق و تضمینات غیررضایی قابل ثبت؛

ب - واگذاریها و واگذاریهای آتی تضمینات بین‌المللی؛

ج - تحمیل تضمینات بین‌المللی از طریق جانشینی قانونی یا قراردادی به موجب قانون حاکم؛

د - اخطاریه‌ها و اعلامیه‌های مربوط به تضمینات داخلی؛

- ه- جانشینی تضمینات مورد اشاره در هر یک از جنبه‌های فرعی پیشگفته.
- ۲- مراجع ثبت بین‌المللی مختلفی می‌توانند برای دسته‌های متفاوت کالاها و حقوق وابسته و تبعی ایجاد شوند.
- ۳- در مورد این فصل و فصل پنجم اصطلاح «ثبت» و در صورت اقتضا شامل موارد اصلاح، تمدید یا لغو ثبت نیز می‌شود.

ماده ۷- مقام نظارت و مرجع ثبت

- ۱- یک مقام نظارتی حسب مقررات پروتکل تعیین خواهد شد.
- ۲- مقام نظارتی:
- الف - یک مرجع ثبت بین‌المللی ایجاد خواهد کرد؛
- ب - مرجع ثبت را عزل و نصب خواهد نمود، جز در مواردی که خلاف آن در پروتکل تصریح شده باشد؛
- ج - اطمینان حاصل خواهد کرد از اینکه تمام شرایط لازم برای فعالیت مداوم و مؤثر مرجع ثبت بین‌المللی در صورت تغییر مرجع ثبت فراهم باشد.
- د - پس از مشورت با دول عضو در مورد انجام یا تأیید انتشار مقررات به موجب پروتکل مربوط به عملیات مرجع ثبت بین‌المللی اقدام و اطمینان حاصل نماید؛
- ه - پرونده‌ای اداری برای رسیدگی مقام نظارت به شکایات مربوط به عملیات مرجع ثبت ایجاد می‌نماید؛
- و - به کار مرجع ثبت و عملیات ثبت بین‌المللی نظارت می‌نماید؛
- ز - به درخواست مرجع ثبت، شرح راهنمای ثبت را تنظیم می‌نماید؛
- ح - ساختار هزینه‌های خدمات و امکانات مرجع ثبت بین‌المللی را تعیین نموده، به طور دوره‌ای آن را بازبینی می‌نماید؛
- ط - تمام اقدامات لازم را برای اطمینان از اینکه یک سیستم ثبت الکترونیک در اجرای اهداف این کنوانسیون و پروتکل وجود دارد، حاصل نماید.
- ی - به صورت دوره‌ای به دول عضو در مورد انجام تعهدات و وظایف حسب مقررات این کنوانسیون و پروتکل گزارش ارائه می‌دهد.





- ۳- مقام نظارت می‌تواند هرگونه موافقتنامه دائمی در اجرای وظایفش از جمله موافقتنامه موضوع ماده (۳) ۲۷ را امضا نماید.
- ۴- مقام نظارت حق مالکیت اطلاعات و آرشیوهای مرجع ثبت بین‌المللی را داراست.
- ۵- مرجع ثبت از فعالیت مؤثر مرجع ثبت بین‌المللی و اجرای وظایف محوله به آن حسب این کنوانسیون، پروتکل و مقررات اطمینان حاصل خواهد نمود.

فصل پنجم: دیگر موضوعات مربوط به ثبت

ماده ۱۸- شرایط ثبت

- ۱- پروتکل و مقررات مصوب در شرایط لازم از جمله ملاک تشخیص کالا را در موارد زیر مشخص خواهند نمود:
 - الف - برای انجام یک ثبت، اعلام رضایت شخصی که رضایتش حسب ماده ۲۰ ضروری است ممکن است از طریق الکترونیکی انجام شود؛
 - ب - برای انجام تحقیقات و صدور گواهیهای تحقیقات با رعایت آنچه ذکر شد؛
 - ج - اطمینان از صحت اطلاعات و اسناد مرجع ثبت بین‌الملل، بجز اطلاعات و اسناد مربوط به ثبت.
- ۲- مرجع ثبت مکلف نیست تحقیق کند که آیا رضایت به ثبت حسب ماده ۲۰ واقعاً داده شده یا معتبر است یا خیر.
- ۳- وقتی یک تضمین به عنوان یک تضمین بین‌المللی آتی به صورت یک تضمین بین‌المللی درآید هیچ ثبت دیگری لازم نیست، به شرط اینکه اطلاعات مربوط به ثبت برای ثبت یک تضمین بین‌المللی کافی باشد.
- ۴- مرجع ثبت اطمینان حاصل می‌نماید از اینکه موارد ثبت وارد واحد اطلاعات مرجع ثبت بین‌المللی بشوند و موارد به ترتیب تاریخ ثبت قابل دسترسی هستند و در پرونده امر تاریخ و زمان ثبت وجود دارد.
- ۵- ممکن است حسب مقررات پروتکل یک دولت عضو شخص یا اشخاص را در قلمرو خود به عنوان محل یا مجاری ورود تعیین کند که اطلاعات لازم برای ثبت از

طریق آنها قابل انتقال به مرجع ثبت بین المللی باشد. یک دولت عضو که بدین طریق عمل می کند، ممکن است شرایطی را تعیین کند که باید قبل از انتقال چنین اطلاعاتی به مرجع ثبت احراز شوند.

ماده ۱۹- اعتبار و زمان ثبت

- ۱- ثبت در صورتی معتبر است که طبق ماده ۲۰ انجام شده باشد.
- ۲- ثبت در صورتی که معتبر باشد در زمان ورود اطلاعات لازم به واحد اطلاعات مرجع ثبت بین المللی به نحوی که بتواند ردیابی شود، کامل خواهد بود.
- ۳- ثبت زمانی قابل ردیابی است که:
 - الف - مرجع ثبت بین المللی به آن شماره ای داده باشد؛
 - ب - اطلاعات مربوط به ثبت از جمله شماره ثبت به نحو قابل دوامی ذخیره شده باشد و بتوان در مرجع ثبت بین المللی به آن دسترسی پیدا کرد.
- ۴- اگر یک تضمین که به عنوان یک تضمین بین المللی آتی ثبت شده به صورت یک تضمین بین المللی درآید، آن تضمین بین المللی از تاریخ ثبت تضمین بین المللی آتی، ثبت شده تلقی می شود، به شرط اینکه ثبت مذکور پیش از ایجاد تضمین بین المللی به نحو مقرر در ماده ۷، هنوز معتبر بوده باشد.
- ۵- بند قبل (با تغییرات لازم) در مورد ثبت و اگذاری آتی یک تضمین بین المللی دیگر اعمال می شود.
- ۶- یک ثبت بر اساس معیارها و ضوابط مقرر در پروتکل، قابل ردیابی در واحد اطلاعات مرجع ثبت بین المللی خواهد بود.

ماده ۲۰- رضایت نسبت به ثبت

- ۱- یک تضمین بین المللی، یک تضمین بین المللی آتی و اگذاری یا واگذاری آتی، یک تضمین قابل ثبت است و چنین شیئی به وسیله هر یک از طرفین قبل از انقضای آن، البته با جلب رضایت کتبی طرف دیگر، قابل اصلاح یا تمدید است.
- ۲- وابستگی یک تضمین بین المللی به دیگر تضمین بین المللی با اعلام رضایت

مستند

۳۸۴

مستند



کتبی ضحی که تضمینش وابسته شده، قابل ثبت است.

۳- یک ثبت ممکن است با اعلام رضایت کتبی طرفی که ثبت به نفع او انجام شده لغو شود.

۴- تحصیل یک تضمین بین المللی از طریق جانشینی قانونی یا قراردادی به وسیله جانشین قابل ثبت است.

۵- یک حق یا تضمین غیررضایی قابل ثبت ممکن است به وسیله دارنده آن ثبت شود.

۶- اخطار مربوط به یک تضمین داخلی ممکن است به وسیله گیرنده آن ثبت شود.

ماده ۲۱- دوره اعتبار ثبت

ثبت یک تضمین بین المللی تا زمان لغو آن یا انقضای مدت ذکر شده در زمان ثبت، معتبر و نافذ خواهد بود.

ماده ۲۲- تحقیقات

۱- هر شخصی می تواند به طریق ذکر شده در پروتکل و مقررات، درخواست تحقیق و ردیابی الکترونیکی در یک مرجع ثبت بین المللی در مورد هرگونه تضمین یا تضمینهای بین المللی آتی ثبت شده در آن را بنماید.

۲- به محض وصول چنین درخواستی، مرجع ثبت به طریق پیش بینی شده در پروتکل و مقررات، با بررسی الکترونیکی، گواهی تحقیق صادر می نماید:

الف - یا این گواهی حاوی تمام اطلاعات ثبت شده همراه با صورت وضعیتی نشاندهنده زمان و تاریخ ثبت چنین اطلاعاتی است؛

ب - یا این گواهی حاکی از عدم وجود هرگونه اطلاعاتی در رابطه با مورد استعلام در مرجع ثبت بین المللی مربوطه است.

۳- یک گواهی تحقیق صادر شده حسب بند فوق نشاندهنده این است که متعهد له نامبرده شده در اطلاعات شیء، یک تضمین بین المللی در کالا تحصیل نموده یا قصد دارد تحصیل نماید، ولی نشان نمی دهد آنچه ثبت شده یک تضمین بین المللی است یا

یک تضمین بین‌المللی آتی، حتی اگر این امر با بررسی اطلاعات ثبت شده مربوط، قابل تعیین باشد.

ماده ۲۳- لیست اعلامیه‌ها و حقوق و تضمینات غیررضایی

مرجع ثبت فهرستی از اعلامیه‌ها، استرداد اعلامیه‌ها، حقوق و تضمینات غیررضایی انعکاس یافته به وی از طریق مقام امانی را به عنوان موارد اعلام شده به وسیله دول عضو مطابق مواد ۳۹ و ۴۰ و به ترتیب تاریخ تهیه می‌کند. این فهرست در سوابق خواهد ماند و قابل تحقیق و ردیابی (از طریق نام دولت اعلام‌کننده) است و حسب مواد پروتکل و مقررات به هر متقاضی قابل ارائه می‌باشد.

ماده ۲۴- ارزش اثباتی گواهیها

چنین سندی که به وسیله مرجع ثبت بین‌المللی به شکل تصریح شده در مقررات تنظیم می‌شود، قبل از هر چیز نشاندهنده صحت صدور آن (به وسیله مرجع ثبت بین‌المللی) است و به علاوه دلیلی است بر صحت موارد ذکر شده در آن از جمله تاریخ و زمان ثبت.

ماده ۲۵- لغو ثبت

۱- در صورت ایفای تعهدات تضمین شده به وسیله یک تضمین ثبت شده یا تعهداتی که به ایجاد یک حق یا تضمین غیررضایی منجر شده‌اند، یا وقتی که شرایط انتقال حق به موجب یک قرارداد حفظ عنوان مالکیت تحقق یافته باشد، دارنده چنین تضمینی باید بدون هیچ تأخیر غیرموجهی بعد از درخواست کتبی مدیون (ارسالی به نشانی دارند تضمین که در پرونده ثبتی ذکر شده) ترتیب لغو ثبت را بدهد.

۲- در صورت ثبت یک تضمین بین‌المللی آتی یا واگذاری آتی یک تضمین بین‌المللی، دائن یا انتقال‌گیرنده پس از دریافت و وصول درخواست کتبی مدیون یا واگذارکننده (در نشانی دائن یا انتقال‌گیرنده که در پرونده ثبتی ذکر شده) باید بدون هیچ تأخیر غیرموجهی ترتیب لغو ثبت را بدهند قبل از اینکه دائن یا انتقال‌گیرنده آتی

تاریخ

۳۸۶

تاریخ ثبت



وجوه را پرداخته یا تعهد به پرداخت آن نماید.

۳- در صورت لغو تعهدات تضمین شده از طریق یک تضمین داخلی ذکر شده در اعلامیه ثبت یک تضمین داخلی، دارنده چنین تضمینی باید بدون هیچ تأخیر غیرموجهی بعد از وصول درخواست کتبی مدیون (تحویل شده در نشانی دارنده در پرونده ثبتی) ترتیب لغو ثبت را بدهد.

۴- اگر ثبت نمی بایستی انجام می شده یا غیر صحیح باشد، شخصی که ثبت به نفع او انجام شده باید بدون هیچ تأخیری و به محض وصول درخواست مدیون (تحویل شده در نشانی ذی نفع در پرونده ثبتی) ترتیب لغو یا اصلاح ثبت پیشگفته را بدهد.

ماده ۲۶- دسترسی به امکانات ثبت بین المللی

هر شخصی می تواند به پرونده ثبتی و امکانات ردیابی مرجع ثبت بین المللی، به شرط رعایت پروسه ذکر شده در این فصل، دسترسی داشته باشد.

فصل ششم: امتیازات و مصونیت های مقام نظارتی و مرجع ثبت

ماده ۲۷- شخصیت حقوقی، مصونیت

۱- مقام نظارتی دارای شخصیت حقوقی بین المللی خواهد بود (اگر قبلاً چنین شخصیتی نداشته).

۲- مقام نظارتی و مأموران و کارمندان از مصونیت قانونی و اداری به شرح ذکر شده در پروتکل برخوردار خواهند بود.

۳- الف - مقام نظارتی از معافیت مالیاتی و دیگر امتیازات تصریح شده در موافقتنامه تنظیمی با دولت میزبان برخوردار خواهد بود؛

ب - دولت میزبان دولتی است که مقام نظارتی در قلمرو آن مستقر است.

۴- داراییها، اسناد و مدارک، اطلاعات و آرشیوهای مرجع ثبت بین المللی از هرگونه ضبط یا دیگر پروسه های اداری یا قانونی مصون هستند.

۵- در صورت طرح دعوی علیه مرجع ثبت حسب ماده ۲۸۴۱ یا ۴۴، خواهان

می تواند به اطلاعات و اسنادی که لازمه تعقیب دعوی است دسترسی داشته باشد.
۶- مقام نظارتی می تواند از حق مصونیت و غیر قابل تعرض بودن خود اعراض نماید.

فصل هفتم: مسئولیت مرجع ثبت

ماده ۲۸- مسئولیت و تضمینات مالی

۱- مرجع ثبت مسئول جبران خسارات یا زیانهای متحمل یک شخص است که خسارات یا زیانهای مذکور مستقیماً ناشی از اشتباه یا اهمال مرجع ثبت، مأموران و کارمندان یا ناشی از کارکرد نادرست سیستم ثبت بین المللی باشد؛ البته در صورتی که این امر ناشی از فورس ماژور؛ یعنی واقعه ای غیر قابل اجتناب، غیر قابل مقاومت، غیر قابل پیشگیری از طریق اعمال بهترین روشهای جاری مورد استفاده در طراحی و اعمال ثبت الکترونیکی از جمله Bachup و سیستمهای امنیتی و شبکه ای نباشد.

۲- مرجع ثبت در مورد عدم صحت اطلاعات ثبتی که دریافت نموده یا به وسیله مرجع ثبت به همان شکل دریافتی منتقل شده و همچنین مسئول اعمال و شرایطی که به مرجع ثبت و مأموران و کارمندان ارتباط نمی یابد و مربوط به قبل از دریافت اطلاعات ثبتی در مرجع ثبت بین المللی است، مسئول نمی باشد.

۳- از ضمانت اجرای ذکر شده در بند ۱ ممکن است به نسبت دخالت متضرر در ایجاد ضرر کاسته شود.

۴- مرجع ثبت باید نسبت به برقراری بیمه یا تضمین مالی برای پوشش مسئولیت مورد اشاره در این ماده به میزان مقرر به وسیله مقام نظارتی و حسب مقررات پروتکل اقدام نماید.

فصل هشتم: آثار منفعت بین المللی در قبال اشخاص ثالث

ماده ۲۸- اولویت تضمینات موازی

۱- یک تضمین به ثبت رسیده بر هر ثبت بعدی دیگر یا یک تضمین ثبت نشده





اولویت دارد.

۲- اولویت یاد شده برقرار خواهد بود؛

- حتی اگر اولین تضمین مذکور با اطلاع و وقوف بر تضمین دیگری به ثبت رسیده باشد؛

- حتی در رابطه با مبلغ داده شده به وسیله اقدام‌کننده ثبت اول که چنین اطلاعی را دارد.

۳- خریدار یک کالا حقوق مربوط به آن را نیز تحصیل می‌نماید:

الف - با رعایت تضمینات ثبت شده در زمان تحصیل این حقوق؛

ب - [و] جدا از هر تضمین ثبت نشده‌ای حتی اگر از وجود آن اطلاع داشته است.

۴- خریدار مشروط یا موجر در اجاره به شرط تملیک حقوقش بر آن کالا را

تحصیل می‌نماید:

الف - را رعایت هرگونه تضمین ثبت شده قبل از ثبت تضمین بین‌الملل انجام شده

توسط بایع مشروط یا موجود؛

ب - جدا از هرگونه تضمین ثبت نشده در آن زمان، حتی اگر از وجود چنان

تضمینی مطلع بوده باشد.

۵- اولویت تضمینات یا حقوق موازی به موجب این ماده ممکن است با توافق

دارندگان آن تضمینات تغییر کند، ولی انتقال‌گیرنده یک تضمین نسبت به موافقتنامه‌ای

که تضمینش را در رده پایین‌تری قرار می‌دهد متعهد نیست مگر اینکه در زمان

واگذاری، تنزل درجه موضوع موافقتنامه به ثبت رسیده باشد.

۶- برقراری هر تقدمی به موجب این ماده نسبت به یک کالا به عایدات آن نیز

تسری می‌یابد.

۷- این کنوانسیون:

الف - هیچ تأثیری به حقوق شخص در چیزی (غیر از کالا) که قبل از برقراری آن

نسبت به کالا به دست آمده ندارد؛ مشروط بر اینکه به موجب قانون حاکم حقوق

مذکور پس از برقرار شدن نیز وجود داشته باشند؛

ب - مانع از ایجاد حقوق یک چیز (غیر از کالا) که قبلاً به یک کالا تعلق گرفته،

نیست، به شرط اینکه حقوق مذکور حسب قانون حاکم ایجاد شده باشد.

ماده ۳۰- آثار اعسار

۱- در جریان عملیات اعسار علیه مدیون، یک تضمین بین‌المللی نافذ و قابل استثناء است، در صورتی که قبل از شروع پروسه اعسار طبق مقررات این کنوانسیون به ثبت رسیده باشد.

۲- در صورتی که تضمینی حسب قانون حاکم معتبر و قابل استناد باشد هیچ قسمتی از این ماده موجب غیر قابل استناد شدن آن در جریان عملیات اعسار نیست.

۳- مفاد این ماده بر مقررات زیر تأثیر نخواهد داشت:

الف - مقررات قانونی حاکم بر عملیات اعسار در رابطه با بطلان معامله‌ای چه با توجه به وجود موافقتنامه‌ای در مورد اولویت یا انتقال متقلبانه نه به زیان طلبکاران؛

ب - [یا] مقررات دادرسی در رابطه با اجرای حقوق مالکیت نسبت به یک مال که تحت کنترل یا نظارت مدیر تصفیه است.

فصل نهم: واگذاری حقوق تبعی و تضمینات بین‌المللی حقوق جانشینی

ماده ۳۱- آثار واگذاری

۱- جز در مواردی که توافق دیگری صورت گرفته باشد با واگذاری حقوق تبعی حسب ماده ۳۲ موارد زیر هم واگذار می‌شوند:

الف - تضمین بین‌المللی مربوط؛

ب - تمام حقوق و اولویتهای واگذارکننده به موجب این کنوانسیون.

۲- مقررات این کنوانسیون مانع واگذاری جزئی حقوق تبعی و واگذارکننده نیست. در چنین حالتی واگذارکننده و واگذار شونده می‌توانند در مورد حقوق آتی خود در مورد تضمین بین‌المللی و واگذار شده حسب بند قبل توافق نمایند. البته این توافق نباید لطمه‌ای به موقعیت مدیون بدون رضایت وی وارد سازد.

۳- با رعایت بند ۴، قانون حاکم میزان حقوق مدیون در برابر واگذار شونده را تعیین خواهد نمود.

۴- مدیون همواره می‌تواند با توافق کتبی از حقوق خود حسب ماده قبل اعراض





نماید. البته این امر شامل حق اعتراض ناشی از اعمال متقلبانه و اگذار شونده نمی‌شود.
۵- در صورتی که واگذاری به عنوان تضمین باشد، حقوق تبعی واگذار شده (اگر هنوز موجود باشد) وقتی که تعهدات تضمین شده ایفا شده باشند، به واگذارکننده بازمی‌گردد.

ماده ۳۲- شرایط شکلی واگذاری

- ۱- واگذاری حقوق تبعی، وقتی موجب انتقال تضمین بین المللی مربوط می‌شود که:
 - الف - به صورت کتبی باشد؛
 - ب - قرارداد مبنای حقوق تبعی، قابل تشخیص و شناسایی باشند؛
 - ج - در حالت واگذاری به عنوان تضمین، تعهدات تضمین شده از طریق واگذاری طبق پروتکل قابل تعیین باشند. البته نیازی نیست به اینکه مبلغ یا حداکثر مبلغ تضمینی ذکر شده باشد.
- ۲- واگذاری یک تضمین بین المللی ایجاد شده یا مقرر شده حسب یک قرارداد تضمین تنها در صورتی معتبر است که تمام یا بعضی از حقوق تبعی مربوط هم واگذار شده باشند.
- ۳- این کنوانسیون در صدد یک واگذاری حقوق تبعی که متضمن انتقال حقوق تبعی مربوط نباشد، نخواهد بود.

ماده ۳۳- تعهدات مدیون در مقابل واگذار شونده

- ۱- اگر حقوق تبعی و تضمین بین المللی مربوط حسب مواد ۳۱ و ۳۲ منتقل شده باشند، و در چارچوب این واگذاری مدیون در رابطه با آن حقوق تبعی و تعهد موضوع این تضمین متعهد است و باید پرداخت یا دیگر تعهدات را نسبت به واگذار شونده انجام دهد؛ در صورتی که:
 - الف - اخطار کتبی واگذاری به وسیله یا با اجازه واگذارکننده به مدیون رسیده باشد؛
 - ب - اخطار مشخص کننده حقوق تبعی باشد.
- ۲- صرف نظر از هر شرایطی که به موجب آن پرداخت یا اجرای تعهد به وسیله

مدیون، موجب ایفای تعهد وی می شود، پرداخت یا اجرای تعهد در صورتی معتبر و مؤثر خواهد بود که طبق مقررات بند قبل انجام شده باشد.

۳- تعهدات این ماده تأثیری بر ترتیب تقدم واگذاریهای دیگر نخواهد داشت.

ماده ۳۴- ضمانت اجرای اهمال و قصور در مورد واگذاری به عنوان تضمین

در صورت قصور واگذارکننده در یک واگذاری حقوق تبعی و تضمین بین المللی مربوط به عنوان تضمین، مواد ۸، ۹ و ۱۱ تا ۱۴ در روابط این واگذارکننده و واگذارشونده جاری خواهند بود (و در رابطه با حقوق تبعی، تا جایی اعمال می شوند که مواد مذکور قابلیت اجرا بر اموال معنوی را دارند) و در این صورت چنین تلقی می شود که:

الف - ارجاعات به تعهد تضمین شده و ضمانت، ارجاعات به تعهد تضمین شده به وسیله واگذاری حقوق تبعی و تضمین بین المللی مربوط و ضمانت ایجاد شده به وسیله آن واگذاری است.

ب - ارجاعات به متعهد له یا طلبکار و متعهد یا مدیون، ارجاعات به واگذارشونده و واگذارگیرنده است.

ج - ارجاعات به دارنده تضمین بین المللی ارجاعات به واگذارشونده است.

د - ارجاعات به کالا ارجاعات به حقوق تبعی واگذار شده و تضمین بین المللی مربوط واگذار شده است.

ماده ۳۵- ترتیب اولویت در حالت واگذاریهای موازی

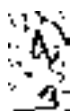
۱- در حالت واگذاریهای متعدد، حقوق تبعی که لااقل یکی از آنها، تضمین بین المللی مربوط است و به ثبت رسیده، مقررات ماده ۲۹ اعمال می شود و در این صورت ارجاعات به تضمین ثبت شده ارجاعات به واگذاری حقوق تبعی و تضمین ثبت شده مربوط تلقی می شود و ارجاعات به یک تضمین ثبت شده یا نشده، ارجاعات به یک واگذاری ثبت شده یا نشده تلقی می شود.

۲- ماده ۳۰ در مورد واگذاری حقوق تبعی اعمال می شود و در این صورت

تضمین

۳۹۲

تضمین بین المللی



ارجاعات به یک تضمین بین‌المللی (در ماده مذکور) ارجاعات به واگذاری حقوق تبعی و تضمین بین‌المللی مربوط تلقی می‌شود.

ماده ۳۶- حق تقدم واگذارشونده در مورد حقوق تبعی

۱- واگذارشونده حقوق تبعی و تضمین بین‌المللی مربوط (که واگذاری آن به ثبت رسیده است) حسب ماده (۱) ۳۵ تنها در صورتی به واگذارشونده دیگر حقوق تبعی تقدم دارد که:

الف - به موجب قرارداد موجد حقوق تبعی، حقوق مذکور به وسیله کالا تضمین شده یا به کالا وابسته شده است؛

ب - حقوق تبعی مربوط به یک کالا باشد.

۲- در مورد بند فرعی ب، حقوق تبعی در صورتی وابسته به کالا تلقی می‌شوند که شامل حتی پرداخت یا اجرای آن در رابطه با موارد زیر باشند:

الف - مبلغ پیش‌پرداخت و مورد استفاده برای خرید یک کالا؛

ب - مبلغ پیش‌پرداخت و مورد استفاده برای خرید کالای دیگری که واگذارکننده بر آن تضمین بین‌المللی دیگری داشت؛ در صورتی که واگذارکننده آن تضمین را به واگذارشونده منتقل می‌کرد و این واگذاری به ثبت می‌رسید؛

ج - قیمت مورد توافق برای کالا؛

د - مبلغ اجاره مورد توافق کالا؛

ه - تعهدات دیگر ناشی از معامله مورد اشاره در هر یک از بندهای قبل.

۳- در تمام دیگر موارد، حق تقدم واگذارشونده موازی را قانون حاکم مشخص خواهد کرد.

ماده ۳۷- آثار اعسار واگذارکننده

مقررات ماده ۳۰ در مورد پروسه اعسار علیه واگذارکننده اعمال می‌شود و در این صورت ارجاعات به متعهد (در ماده مذکور) ارجاعات به واگذارکننده تلقی می‌شوند.

ماده ۳۸- جانشینی

۱- با رعایت بند ۲، مقررات این کنوانسیون تأثیری بر تحصیل حقوق تبعی و تضمین بین‌المللی مربوط از طریق یک جانشینی قانونی یا قراردادی حسب قانون حاکم ندارد.

۲- ترتیب تقدم میان حقوق موضوع بند قبل و حقوق موازی ممکن است از طریق توافقنامه توافقنامه کتبی دارندگان منافع آتی تعبیر نماید، ولی واگذارشونده یک تضمین فرعی نسبت به یک توافقنامه جانشینی ملزم نیست مگر اینکه در زمان واگذاری، جانشینی موضوع آن توافقنامه به ثبت رسیده باشد.

فصل دهم: حقوق و تضمینات موضوع اعلامیه‌های دول عضو

ماده ۳۹- حقوقی که بدون ثبت مقدم‌اند

۱- یک دولت عضو می‌توند هر زمان طی اعلامیه‌ای به مقام امانی پروتکل، کلاً یا مشخصاً موارد زیر را اعلام نماید:

الف - آن دسته از حقوق یا تضمینات غیررضایی (غیر از حقوق یا تضمینات موضوع ماده ۴۰) که به موجب قانون آن دولت یک تضمین بر همان کالا بر تضمین دارنده یک تضمین بین‌المللی مقدم است و همچنین یک تضمین بین‌المللی ثبت شده (چه در جریان اعسار باشد یا خارج از آن) ارجحیت دارد.

ب - مقررات این کنوانسیون تأثیری بر حقوق یک دولت یا ارگان دولتی، سازمان بین‌الدولی یا دیگر مؤسسات خصوصی ارائه‌کننده خدمات عمومی، در رابطه با بازداشت یا توقیف یک کالا حسب قوانین آن دولت برای پرداخت مبالغ متعلقه به چنین شخص حقوقی، سازمان یا ارائه‌کننده خدماتی که مستقیماً وابسته به خدمات مربوط به آن کالا یا کالای دیگری هستند، ندارد.

۲- ممکن است در اعلامیه صادره حسب بند قبل دسته‌ها و موارد ایجاد شده بعد از تقدیم اعلامیه نیز تصریح شوند.

تصویب

۳۹۴

تصویب



۳- یک حق یا تضمین غیررضایی بر یک تضمین بین‌المللی تنها در صورتی اولویت دارد که از موارد اعلام شده در یک اعلامیه صادره قبل از ثبت تضمین بین‌المللی باشد.

۴- با وجود ماده قبل، یک دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، قبولی، تأیید یا الحاق به پروتکل اعلام دارد که یک حق یا تضمین موضوع اعلامیه صادره حسب بند (الف)، بر یک تضمین بین‌المللی ثبت شده قبل از تاریخ چنین تصویب، قبول، تأیید یا الحاقی اولویت دارد.

ماده ۴۰- حقوق یا تضمینات غیررضایی قابل ثبت

هر دولت عضو می‌تواند هر زمان طی اعلامیه‌ای به مقام امانی پروتکل، فهرست حقوق و تضمینات غیررضایی قابل ثبت به موجب این کنوانسیون را در مورد هر گروه از کالاها اعلام نماید. در این رابطه چنین تلقی می‌شود که حقوق یا تضمینات، تضمینات بین‌المللی هستند و مثل مورد آنها رفتار می‌شود. چنین اعلامیه‌ای در هر زمان قابل تغییر خواهد بود.

فصل یازدهم: اجرای کنوانسیون در مورد قراردادهای بیع

ماده ۴۱- مبیع و بیع آتی

این کنوانسیون بر بیع و بیع آتی یک کالا به نحو مقرر در پروتکل و اصطلاحات مذکور در آن اعمال خواهد شد.

فصل دوازدهم: صلاحیت

ماده ۴۲- انتخاب دادگاه

۱- به موجب مواد ۴۳ و ۴۴ محاکم یک دولت عضو (انتخاب شده توسط طرفین یک قرارداد) صلاحیت رسیدگی به هر دعوی مطرح شده به موجب این کنوانسیون

را دارند؛ هرچند دادگاه انتخاب شده هیچ رابطه‌ای با طرفین یا قرارداد نداشته باشد. چنین صلاحیتی انحصاری تلقی می‌شود مگر طرفین طور دیگری توافق نموده باشند.

۲- چنین توافقی باید به صورت کتبی یا به طریق دیگر بر طبق شرایط مقرر در قانون کشور انتخاب شده انجام شود.

ماده ۴۳- صلاحیت به موجب ماده ۱۳

۱- محاکم کشور انتخاب شده به وسیله طرفین و محاکم دول عضو در محل وقوع کالا صلاحیت حل دعوی در مورد آن کالا را حسب ماده (ج)، (ب)، (الف) (۱) ۱۳ و ماده (۴) ۱۳ دارند.

۲- صدور رأی به موجب ماده (۱) ۱۳ و یا قرار موقت حسب ماده (۴) ۱۳ ممکن است توسط مراجع زیر باشد:

الف - دادگاههای منتخب طرفین؛

ب - [یا] دادگاههای یک دولت که محل اقامت مدیون در قلمرو آن است. البته اقدام موضوع رأی به موجب دستور اجرای آن، تنها در سرزمین همان دولت عضو قابل اجراست.

۳- یک دادگاه حسب بندهای قبل دارای صلاحیت است، حتی اگر رسیدگی به ماهیت دعوی ارجاعی حسب ماده (۱۳۴۱) در دادگاه یک دولت عضو دیگر یا از طریق داوری انجام شود یا بتواند انجام شود.

ماده ۴۴- انجام اقداماتی علیه مرجع ثبت

۱- دادگاههای محلی مرکز اداری مرجع ثبت در مورد صدور حکم به پرداخت خسارت یا انجام دیگر اقدامات علیه مرجع ثبت، صلاحیت انحصاری دارند.

۲- اگر شخصی پاسخ درخواست مطرح شده حسب ماده ۲۵ را نداده باشد و شخص مذکور دیگر وجود نداشته یا غیرقابل پیدا کردن باشد و نتوان برای انجام لغو ثبت به وی دسترسی داشت، دادگاههای مورد اشاره در بند قبل برای صدور دستور

تایید

۳۹۶

تایید



لغو ثبت به مرجع ثبت صلاحیت انحصاری دارند.

۳- اگر شخصی از اجرای دستور یک دادگاه صلاحیتدار حسب این کنوانسیون و یا در مورد یک تضمین داخلی، از اجرای دستور دادگاه صلاحیتدار مبنی بر اصلاح یا لغو ثبت خودداری نماید، دادگاههای مورد اشاره در بند ۱ می‌توانند مرجع ثبت را به انجام اقدامات لازم در مورد اجرای دستورات پیشگفته مجبور نمایند.

۴- در غیر از موارد ذکر شده در بندهای قبل هیچ دادگاهی نمی‌تواند دستورات یا احکام یا آرای صادره علیه مرجع ثبت یا متضمن الزام وی را صادر نماید.

ماده ۴۵- صلاحیت در مورد پروسه اعسار

مقررات این فصل در مورد پروسه اعسار قابل اعمال نیستند.

فصل سیزدهم: ارتباط با دیگر کنوانسیونها

ماده ۴۵ مکرر- ارتباط با کنوانسیون ایالات متحده در مورد واگذاری بروات در تجارت بین‌المللی

این کنوانسیون بر کنوانسیون ایالات متحده در مورد واگذاری بروات (از ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ برای امضا آماده شده است) تا جایی که مربوط می‌شود به واگذاری بروات و تشکیل دهنده حقوق تبعی در رابطه با تضمینات بین‌المللی در لوازم هواپیما، راه‌آهن و لوازم هوا-فضا، اولویت دارد.

ماده ۴۶- ارتباط با کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی در رابطه با اجاره به شرط تملیک بین‌المللی

پروتکل ممکن است رابطه میان این کنوانسیون و کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی وحدت قوانین در مورد اجاره به شرط تملیک بین‌المللی امضا شده در اتاوا در ۲۸ می ۱۸۸۸ را تضمین نماید.

فصل چهاردهم: مقررات نهایی

ماده ۴۷- امضا، تصویب، قبول، تأیید یا الحاق

۱- این کنوانسیون از ۱۶ نوامبر ۲۰۰۱ برای امضای دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک در جهت تنظیم یک کنوانسیون مربوط به تجهیزات منقول و یک پروتکل هواپیمایی منعقد در کیپ تاون (۲۹ اکتبر تا ۱۶ نوامبر ۲۰۰۱) مفتوح خواهد بود. بعد از ۱۶ نوامبر ۲۰۰۱ کنوانسیون آماده امضای تمام کشورها و مدیران مؤسسه بین‌المللی وحدت حقوق خصوصی رم خواهد بود تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن حسب ماده ۴۹.

۲- این کنوانسیون مورد تصویب، قبول یا تأیید دول امضاکننده آن قرار خواهد گرفت.

۳- هر کشور دیگری که این کنوانسیون را امضا ننموده می‌تواند در هر زمان به آن ملحق شود.

۴- تصویب، قبول، تأیید یا الحاق از طریق تسلیم یک سند رسمی در هر مورد و به مقام امانی خواهد بود.

ماده ۴۸- سازمانهای همکاری اقتصادی منطقه‌ای

۱- یک سازمان همکاری اقتصادی که به وسیله دول حاکم ایجاد شده و در مورد برخی موضوعات تحت پوشش این کنوانسیون صلاحیت دارد نیز می‌تواند این کنوانسیون را امضا، قبول و تصویب نماید یا به آن ملحق شود. در این صورت سازمان مذکور در مورد موضوعات تحت پوشش کنوانسیون دارای همان حقوق و تعهدات یک دولت عضو است. در مواردی که در کنوانسیون به تعداد دول عضو اشاره شده باشد چنین سازمانی یک دولت عضو محسوب نمی‌شود.

۲- سازمان همکاری اقتصادی منطقه‌ای باید هنگام امضا، قبول، تصویب کنوانسیون یا الحاق به آن طی اعلامیه‌ای به مقام امانی آن دسته از موضوعات تحت پوشش کنوانسیون را که دول عضو سازمان در آن موارد به سازمان صلاحیت اعطا

تصویب

۳۹۸

مقام امانی



نموده‌اند، اطلاع دهد.

سازمان مذکور در صورت ایجاد هرگونه تغییرات در موارد ذکر شده در اعلامیه موضوع این بند مراتب را فوری به مقام امانی اعلام خواهد نمود.

۳- هرگونه اشاره در کنوانسیون به «دولت عضو» یا «دول عضو»، سازمان همکاری اقتصادی منطقه‌ای را نیز شامل می‌شود، در صورتی که سیاق عبارت چنین اقتضا نماید.

ماده ۴۹- لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون

۱- از اولین روز ماه متعاقب دوره سه ماه پس از تقدیم سومین سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، این کنوانسیون لازم‌الاجرا خواهد شد. البته تنها در رابطه با کالاهایی که در مورد آنها پروتکل منعقد شده، تاریخ لازم‌الاجرا شدن به طریق ذیل تعیین خواهد شد:

الف- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن پروتکل؛

ب- طبق شرایط مندرج در پروتکل؛

ج- به شرح مورد توافق به وسیله دول عضو این کنوانسیون و آن پروتکل.

۲- در مورد دیگر دول، این کنوانسیون از اولین روز ماه متعاقب انقضای دوره سه ماهه پس از تقدیم سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق آنها لازم‌الاجرا خواهد شد، مگر در مورد کالاهایی که درباره آنها پروتکلی منعقد شده که در این صورت موارد الف، ب و ج بند ۱ جاری خواهند بود.

ماده ۵۰- معاملات داخلی

۱- یک دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، قبول و تأیید پروتکل یا الحاق به آن اعلام نماید که این کنوانسیون نسبت به یک معامله‌ای که از نظر آن دولت یک معامله داخلی محسوب می‌شود در مورد تمام کالاها یا برخی از آنها، قابل اجرا نخواهد بود.

۲- صرف‌نظر از بند پیشگفته، مقررات مواد (۴) ۸، (۱) ۹، ۱۶ و فصل ۵، ماده ۲۹ و هر مقررۀ دیگر این کنوانسیون در رابطه با تضمینات ثبت شده در مورد یک معامله

داخلی اجرا خواهند شد.

۳- اگر اعلامیه مربوط به یک تضمین داخلی در یک مرجع ثبت بین‌المللی به ثبت رسیده باشد، به حق تقدم دارنده آن حسب ماده ۲۹، در صورت انتقال آن به دیگری از طریق واگذاری یا جانشینی حسب قانون حاکم، لطمه‌ای وارد نمی‌شود.

ماده ۵۱- پروتکل‌های بعدی

۱- مقام امانی می‌تواند با همکاری سازمانهای غیردولتی با تشکیل گروههای کاری امکان گسترش اجرای این کنوانسیون را از طریق انعقاد یک یا چند پروتکل، به هر نوع تجهیزات گرانقیمت (غیر از انواع ذکر شده در ماده ج-۲) و حقوق تبعی آنها، به نحوی که یک‌به‌یک قابل تعیین باشند، فراهم نماید.

۲- مقام امانی پیش‌نویس مقدماتی پروتکل تهیه شده در این رابطه به وسیله گروه کاری را به تمام دول عضو این کنوانسیون، دول عضو مقام امانی، دول عضو سازمان ملل متحد که عضو مقام امانی نیستند و سازمانهای بین‌دولتی مربوط ارسال می‌نماید و از ایشان دعوت می‌کند تا در مذاکرات مربوط به تنظیم پیش‌نویس پروتکل شرکت نمایند.

۳- مقام امانی همچنین متن پیش‌نویس مقدماتی تهیه شده به وسیله چنین گروه کاری را به هر سازمان غیردولتی که صلاح بداند ارسال می‌نماید. از سازمان غیردولتی مذکور دعوت می‌شود که سریعاً نظریاتش را به مقام امانی ارائه و به عنوان ناظر در جریان تهیه پیش‌نویس پروتکل شرکت نماید.

۴- اگر نهادهای صلاحیتدار مقام امانی تشخیص دهند که چنین پیش‌نویسی قابلیت پذیرش را دارد، مقام امانی ترتیب تشکیل یک کنفرانس دیپلماتیک را برای تصویب آن می‌دهد.

۵- وقتی یک پروتکل تصویب شد (حسب بند د) این کنوانسیون به کالاهای پیش‌بینی شده در آن اعمال خواهد شد.

۶- ماده ۴۵ مکرر این کنوانسیون تنها در صورتی بر چنین پروتکل جاری خواهد بود که در آن پروتکل این مورد پیش‌بینی شده باشد.

تاریخ:

۴۰۰

مقام امانی

ماده ۵۲ - واحدهای سرزمینی

- ۱- اگر یک کشور عضو وحدت حقوقی وجود نداشته باشد و در رابطه با موضوعات تحت پوشش کنوانسیون قوانین متفاوتی در قسمتهای مختلف آن جاری باشد، این کشور می تواند هنگام تصویب، قبول و تأیید کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام نماید که کنوانسیون در تمام سرزمین این کشور یا تنها در بخش یا بخشهایی از آن جاری خواهد بود. این اعلامیه را می توان با صدور اعلامیه های بعدی تغییر داد.
- ۲- در چنین اعلامیه ای باید واحدهای سرزمینی مشمول کنوانسیون به صراحت مشخص گردند.
- ۳- اگر یک دولت عضو اعلامیه ای حسب بند ۱ صادر ننموده باشد کنوانسیون بر تمام سرزمینش جاری خواهد بود.
- ۴- در صورتی که یک دولت عضو کنوانسیون را تنها بر بخش یا بخشهایی از سرزمینش جاری بداند اعلامیه های صادره حسب این کنوانسیون را می توان خطاب به هر قسمت سرزمین صادر کرد و اعلامیه های صادره نسبت به یک قسمت ممکن است با اعلامیه های صادره نسبت به قسمت دیگر متفاوت باشد.
- ۵- اگر حسب اعلامیه صادره حسب بند ۱، این کنوانسیون بر یک یا چند واحد سرزمینی یک دولت عضو جاری باشد:
 - الف - مدیون در صورتی مقیم یک دولت عضو تلقی می شود که حسب قانون حاکم بر یک واحد سرزمینی مشمول کنوانسیون ایجاد یا تشکیل شده باشد یا محل ثبت، اقامتگاه، مرکز اداری، مقر تجاری یا محل سکونتش در یک واحد سرزمینی تحت پوشش این کنوانسیون باشد.
 - ب - هرگونه ارجاع به محل وقوع کالا در یک دولت عضو، به عنوان ارجاع به محل وقوع کالا در یک واحد سرزمینی مشمول این کنوانسیون تلقی می شود.
 - ج - هرگونه ارجاع به مقامات اداری آن دولت عضو باید به عنوان ارجاع به مقامات اداری واجد صلاحیت در واحد سرزمینی مشمول این کنوانسیون تلقی شود.



ماده ۵۳ - تعیین دادگاه

هر دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، قبول و تأیید پروتکل یا الحاق به آن، «دادگاه» یا «دادگاههای» موضوع ماده ۱ و فصل ۱۲ این کنوانسیون را تعیین نماید.

ماده ۵۴ - اعلامیه‌های مربوط به اقدامات

۱- یک دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، قبول و تأیید پروتکل یا الحاق به آن اعلام نماید مادامی که کالای موضوع تعهد در محدوده آن یا تحت کنترل آن است، نباید توسط طلبکار تضمین به اجاره داده شود.

۲- یک دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، قبول و تأیید پروتکل یا الحاق به آن اعلام نماید طلبکار می‌تواند حسب مقررات این کنوانسیون در مواردی که برای انجام اقدامی نیاز به درخواست از دادگاه ندارد، می‌باید به دادگاه مراجعه نماید.

ماده ۵۵ - اعلامیه‌های ناظر بر اقدامات موقتی قبل از تصمیم‌گیری ماهوی

یک دولت عضو می‌تواند در زمان تصویب، قبول و تأیید پروتکل یا الحاق به آن اعلام نماید که مقررات مواد ۱۳ یا ۱۴ را کلاً یا بعضاً اجرا نمی‌کند. اعلامیه تصریح خواهد کرد تحت چه شرایطی ماده مربوط قابل اجرا خواهد بود. مواردی که بعضاً اجرا خواهد شد و همچنین دیگر اشکال اقدامات موقتی ذکر خواهند شد.

ماده ۵۶ - رزروها و اعلامیه‌ها

۱- هیچ رزروی نسبت به این کنوانسیون نمی‌توان اعمال کرد، ولی می‌توان اعلامیه‌های پیش‌بینی شده در مواد ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸ و ۶۰ را صادر نمود.

۲- هر اعلامیه یا اعلامیه بعدی یا هر مورد استرداد اعلامیه حسب این کنوانسیون باید به صورت کتبی به مقام امانی تقدیم شود.





ماده ۵۷ - اعلامیه‌های بعدی

- ۱- یک دولت عضو می‌تواند بعد از صدور یک اعلامیه، اعلامیه دیگری در همان رابطه (غیر از اعلامیه موضوع ماده ۶۰)، در هر زمان پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به آن کشور صادر نماید؛ البته باید اعلامیه مذکور به مقام امانی تقدیم شود.
- ۲- تاریخ لازم‌الاجرا شدن اعلامیه بعدی، اولین روز ماه متعاقب پایان دوره شش ماهه بعد از تاریخ دریافت اعلامیه به وسیله مقام امانی خواهد بود. اگر مدت زمان بیشتری در خود اعلامیه ذکر شده باشد همان مدت زمان پس از وصول اعلامیه به وسیله مقام امانی در نظر گرفته خواهد شد.
- ۳- با وجود بندهای قبل، این کنوانسیون بر تمام حقوق و منافع ایجاد شده قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن اعلامیه بعدی جاری خواهد بود؛ درست مثل اینکه اصلاً اعلامیه بعدی وجود نداشته است.

ماده ۵۸ - استرداد اعلامیه

- ۱- هر دولت عضو که اعلامیه‌ای حسب مقررات این کنوانسیون صادر نموده باشد (غیر از اعلامیه موضوع ماده ۶۰) می‌تواند با اعلام به مقام امانی آن را مسترد نماید. چنین اعلامیه‌ای از تاریخ اولین روز ماه متعاقب انقضای دوره شش ماهه بعد از تاریخ وصول اعلامیه به وسیله مقام امانی لازم‌الاجرا خواهد شد.
- ۲- با وجود مفاد بند قبل، این کنوانسیون در مورد حقوق و منافع ایجاد شده قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن استرداد مذکور جاری خواهد بود؛ درست مثل اینکه اصلاً چنین اعلامیه استرداد صادر نشده است.

ماده ۵۹ - رد کنوانسیون

- ۱- هر دولت عضو می‌تواند با تسلیم اعلامیه‌ای به مقام امانی از کنوانسیون خارج شود.
- ۲- چنین اعلامیه‌ای از اولین روز ماه متعاقب انقضای دوره دوازده ماهه بعد از

تاریخ دریافت اعلامیه به وسیله مقام امانی قابل اجرا خواهد بود.
۳- با وجود بندهای قبل، این کنوانسیون در مورد تمام حقوق و منافع ایجاد شده قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن چنین اعلامیه‌ای جاری خواهد بود؛ درست مثل اینکه چنین ردی صورت نگرفته است.

ماده ۶۰ - مقررات انتقالی

۱- کنوانسیون بر حقوق یا تضمین موجود اعمال نخواهد شد، در صورتی که یک دولت عضو تداوم و استمرار اولویتی را که قبلاً حسب قانون حاکم و قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون داشته، اعلام نماید.

۲- در اجرای ماده ۱ (۲۱) و برای تعیین اولویت به موجب این کنوانسیون:

الف - «تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون» در رابطه با مدیون، زمانی است که این کنوانسیون به مرحله اجرا درمی‌آید، یا وقتی دولتی که مدیون در قلمرو آن است عضو کنوانسیون می‌شود (هر کدام که دیرتر است)؛

ب - وقتی مدیون در یک دولت مستقر است که مرکز اداره یا (اگر مرکز اداره ندارد) مقر تجاری اش یا (اگر بیش از یک مقر تجاری دارد) مقر اصلی تجاری اش یا (اگر هیچ مقر تجاری ندارد). محل سکونت معمولی اش در آنجا باشد.

۳- یک دولت عضو می‌تواند طی اعلامیه‌ای که حسب بند ۱ صادر می‌نماید تاریخی را که نباید زودتر از سه ماه بعد از لازم‌الاجرا شدن اعلامیه باشد تعیین نماید که از آن (تاریخ این کنوانسیون و پروتکل) برای تعیین اولویت، از جمله در رابطه با حفظ و استمرار هرگونه اولویت مربوط به حقوق و تضمینات موجود ایجاد شده حسب یک قرارداد منعقد در زمانی که مدیون در کشور مورد اشاره در قسمت ب بند ۲ بوده، قابل اجرا خواهند بود؛ البته تنها در محدوده و به طریق تصریح شده در اعلامیه مربوط.

ماده ۶۱ - کنفرانسهای بازبینی، اصلاحات و موضوعات مربوط

۱- مقام امانی همه ساله یا در مواقع لازم گزارشهایی را به طریق پیش‌بینی شده در کنوانسیون به دول عضو خواهد داد. در تنظیم این گزارشها، مقام امانی به گزارشهای

مجلس

۴۰۴

مجلس



مقام نظارتی در مورد اجرای سیستم ثبت بین الملل اشاره خواهد کرد.

۲- در صورت درخواست حداقل ۲۵ درصد دول عضو، کنفرانس بازبینی گاه به گاه به وسیله مقام امانی با مشورت مقام نظارتی برای بررسی موارد ذیل برگزار می شود:
الف - اجرای عملی کنوانسیون و تأثیر آن در تسهیل تضمینات مالی و اداره به شرط تملیک کالاهای تحت پوشش کنوانسیون؛

ب - تفسیر معنایی مقررات کنوانسیون و چگونگی اجرای مواد آن؛

ج - عملکرد سیستم ثبت بین المللی و مرجع ثبت و نظارت بر آن به وسیله مقام نظارتی، با توجه به گزارشهای مقام نظارتی؛

د - آیا انجام تغییرات در این کنوانسیون یا اتخاذ تدابیری در مورد ثبت بین المللی لازم است؟

۳- با رعایت بند ۴، هرگونه اصلاح و تغییر در این کنوانسیون باید به وسیله اکثریت لاقبل دوسوم دول عضو شرکت کننده در کنفرانس پیش بینی شده در بند قبل تصویب شود و سپس در مورد دولتهایی که آن را تصویب، قبول یا تأیید کرده اند بعد از اینکه ۳ دولت حسب مقررات ماده ۴۹ (در رابطه با به مرحله اجرا درآمدن) آن را تصویب، قبول یا تأیید نمودند، به مرحله اجرا درخواهد آمد.

۴- در صورتی که اصلاح و تغییر پیشنهادی نسبت به این کنوانسیون نسبت به بیش از یک دسته از تجهیزات باشد، این امر باید به تصویب لاقبل اکثریت دوسوم دول عضو هر پروتکل که در کنفرانس مذکور در بند ۲ شرکت می کنند، برسد.

ماده ۶۲ - مقام امانی و وظایف آن

۱- اسناد مربوط به تصویب، قبول، تأیید یا الحاق باید به مؤسسه بین المللی وحدت حقوق خصوصی (Unidroit) که مقام امانی را تعیین می کند، تحویل شوند.

۲- مقام امانی باید:

الف - دول عضو را از موارد زیر مطلع سازد:

- هر امضا، تعدیل سند، تصویب، قبول، تأیید یا الحاق جدید با ذکر تاریخ مربوط؛

- تاریخ به مرحله اجرا درآمدن این کنوانسیون؛

- هر اعلامیه صادره حسب مقررات این کنوانسیون با ذکر تاریخ آن؛
- استرداد یا اصلاح هر اعلامیه، با ذکر تاریخ آن؛
- اعلام هرگونه رد کنوانسیون به همراه تاریخ این رد و تاریخ لازم الاجرا شدن آن.
ب - کپی تأیید شده این کنوانسیون را برای مقام دول عضو ارسال نماید؛
ج - یک کپی از هر سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق (با اعلام تاریخ تسلیم آن) و هر اعلامیه یارد یا اصلاحیه یک اعلامیه یا هر اعلامیه رد (با اعلام تاریخ آن) را به مقام نظارتی و مقام ثبت تقدیم نماید، به نحوی که اطلاعات مندرج در آنها به سهولت و به طور کامل در دسترس باشد.
د - هرگونه اقدامات متعارف دیگر در رابطه با موضوع را انجام دهد.



ب. نظرسنجی

۴۰۶

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران